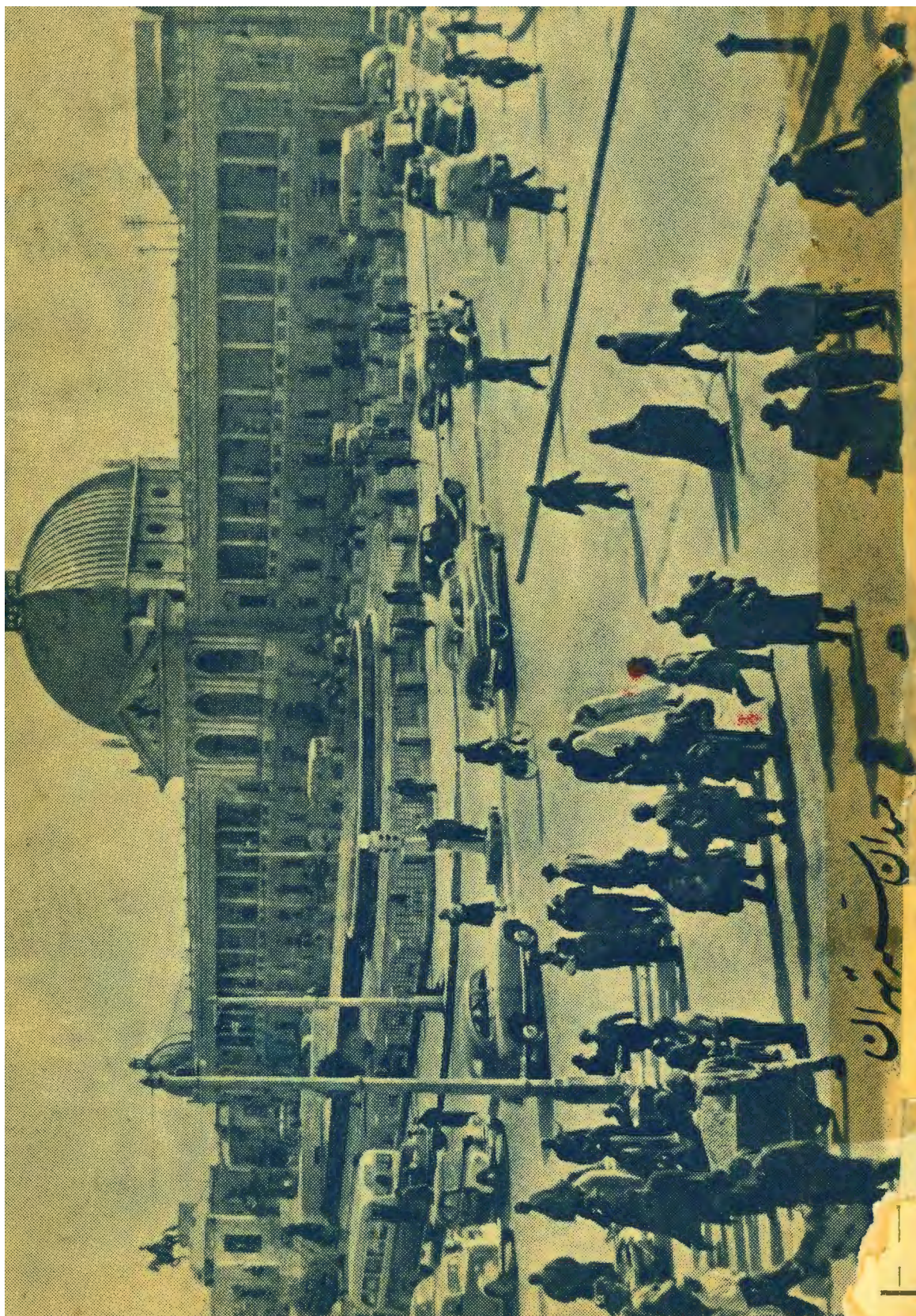


جغرافیای
تاریخی ری-تهران

تألیف
سررتیب میر حسین مکرنگیان
استاد دانشکده فیزی

۱۳۳۲

قیمت ۳۰ ریال



تقدیم بروان پاک رادمرد دانش پرور
امیر شهید میرزا تقی خان امیر کبیر

اسکن شد

جغرافیای

تاریخی ری - تهران

تألیف

سرتیپ میرحسین یکرنگیان

استاد دانشکده افسری

۱۳۳۲

تمام حقوق برای مؤلف محفوظ است



این اثر ناچیز را تقدیم روح پرفتوح مرحوم امیر کبیر اتابک اعظم مینمایم



سرتیپ یکرنگیان نویسنده این کتاب که
تالیفات متعددی در تاریخ و جغرافیای
ایران و کشورهای همسایه دارند

فهرست کتاب

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
۷۰	کارخانه ها	۲	تاریخ تهران - ری
۷۱	زیارتگاهها	۳	بخش یکم - ری
۷۳	تکیه دولت	۱۵	بخش دوم - تهران
۷۴	آب تهران	۲۱	بخش سوم - تهران جدید
۷۶	مطبوعات		بخش چهارم -
۷۸	کتابخانه ها	۲۳	جغرافیای تهران
۸۰	بهداری		بخش پنجم - تقسیمات
۸۲	روشنایی	۲۴	سیاسی تهران
۸۳	فرهنگ	۳۱	جواهرات سلطنتی
۸۵	بانکها	۳۷	سفارتخانه ها
۸۸	اماکن عمومی		بخش ششم - دهستانهای
	بخش نهم - شهرستانهای	۴۲	اطراف تهران
۹۱	تابع استان تهران		بخش هفتم - سوانح
۹۱	ساوه		و حوادث تهران
۹۲	دماوند	۵۶	حوادث بعد از شهریور
۹۳	قم	۶۵	بخش هشتم - متفرقه
۹۵	مجلات		حرفه و پیشه و هنر
۹۵	قزوین	۶۹	

سر آغاز

تهران که بیشتر از يك قرن ونیم است مرکز و پایتخت ایران گردیده قاعدتاً بایستی اطلاعات تاریخی و جغرافیائی کاملی از این شهرستان و بخشهای تابعه آن در دست باشد، ولی کتبی که تاکنون در این موضوع تدوین و منتشر شده آنطور که باید اطلاعات لازمه را در اختیار نمیگذارد، و بیشتر اقتباس و نقل و قول از آثار نویسندگان چندین قرن پیش است که در اطراف ری مدارکی باقی گذارده اند.

اینجانب که علاقه مخصوصی بجغرافیای کشور خود داشته و دارم و تمام کشور ایران را چند مرتبه گردش کرده‌ام، چه در مأموریتهای رزمی و چه هنگام شناسائی مرزها و محورها، یا در فرصت هائیکه در توقف ممتد استانها حاصل میشد از مشاهدات خود یادداشت‌هایی جمع‌آوری نموده‌ام که اگر عمری باقی بود و فرصتی بدست آمد در تنظیم و تدوین جغرافیای کامل ایران اقدام خواهم نمود.

و چون اصلاً تهرانی (و از اولاد امامزاده سید محمد ولی که بقعه آن بزرگوار در درگاه و نسل پنجم امام چهارم است) هستم مدتها بود که اطلاعات لازمه را جمع‌آوری میکردم، کتب قدیم و جدید را بررسی نموده و برای بدست آوردن اطلاعات بیشتری بکلیه وزارتخانه‌ها، کتابخانه‌ها و دانشمندان مراجعه کرده و از محضر کلیه معرین مخصوصاً مرحوم مهندس بنیادی کسب فیض نمودم، معیناً آنطور که منظور نظر بود نتیجه بدست نیامد، بنابراین تا آنجائیکه میسر بود اطلاعات در اطراف شهر ری و تهران قدیم و جدید را جمع‌آوری و در دسترس خوانندگان عزیز میگذارم، باشد که دانشمندان و اهل تحقیق نگارنده را بنقائص و اشتباهات آن آگاه نمایند تا در چاپ آینده کتابی جامع و بی نقص تقدیم هموطنان عزیز شود.

موضوع کتاب

در این کتاب چنانکه اسم او مینماید از جغرافیای تاریخی تهران بحث میشود. بدو در نظر بود، موافق ادوار گذشته مباحث این کتاب به بخشهای مختلفه تقسیم و شرح هر دوره جداگانه تشریح شود ولی چون تاریخ ری، تهران، مهران و شمیران بیوستگی کاملی بهم نداشتند، لذا به بیان کلیاتی از ری و تهران قدیم اکتفا نموده و در مورد تهران کنونی، مخصوصاً از زمانیکه پایتخت سلاطین قاجاریه گردید مطالب بیشتر و مشروح تری در اختیار خوانندگان گذارده میشود.

تاریخ چیست، جغرافیا کدام است

تاریخ عبارتست از گزارش احوال کائنات و تغییرات و انقلابات آن ، این تاریخ را تاریخ عمومی گویند و گفته اند آنچه از آغاز آفرینش تاکنون واقع شده تاریخ گذشته است و نتایج آن تاریخ آینده .

تاریخ اساساً بر دو نوع است : **تاریخ طبیعی** ، **تاریخ اجتماعی** ؛ تاریخ طبیعی عبارتست از گزارش انقلابات و تغییرات طبیعت، مانند پیدایش جماد ، نبات ، حیوان ، انسان و انواع آنها بویژه نژادهای متنوعه انسان و حیوان .

اما تاریخ اجتماعی یامدنی عبارتست از حوادثی که ملازم پیدایش اجتماع و تمدن بشر بوده یا حوادثی که بعد از حصول اجتماع حادث گشته است ، مثلاً مهد تمدن اولیه بشر در کدام نقطه بوده ، تمدن فلان قوم از کی آغاز شده ، فلان قطعه از چه زمانی آباد و مرکز اجتماع گشته ، حالات اولیه مردم آن چه بوده ، یا سلطنت فلان خاندان از کی تشکیل شده و چه زمانی منقرض گردیده و چه آثاری از خود باقی گذاشته است ، فلان شهر در کدام قرن بنا شده ، یا فلان بنا در چه تاریخ ویران گردیده ، فلان قبیله و ملت بچه وسیله ترقی کرده است یا روبانحطاط آورده ، خلاصه آنکه هر چه متعلق بحالات بشر و حوزه های اجتماعی اوست ، همچنین آنچه را که حاکی بر اتفاقات غیرمنتظره است (قحط ، غلا ، طاعون ، وبا و امثال آن) و این تواریخ بر دو نوعند: **تاریخ عمومی** ، **تاریخ خصوصی** .

آنچه عمومیت دارد و راجع بهمه نژادهای بشر است **تاریخ عمومی** نام نهاده اند ، ولی آنچه را که مربوط بقوم ، ملت ، نژاد و کشور معین باشد **تاریخ خصوصی** مینامند ، باز آنها بخش میشوند به : تاریخ ، تاریخ نظامی ، تاریخ جغرافیائی و نیز جغرافیا بخش میشود به جغرافیای طبیعی ، سیاسی ، اقتصادی ، انسانی ، نظامی و جغرافیای تاریخی که بحث ما بیشتر در این قسمت است .

تاریخ تهران = ری

کتبی که درباره **ری** و **تهران** نوشته شده باشد یعنی تمام مطالبش اختصاص باین شهرستان داشته باشد وجود ندارد . در **نزهة القلوب** ، **مرآت البلدان** ، **ناسخ التواریخ** و غیره بمقتضای بیان چند سطر در اطراف این دو مکان نوشته شده است .

کتاب **تاریخ ری و اصفهان** تألیف آقای شیخ جابر انصاری و تاریخ تهران تألیف آقای جواهر الکلام هم مطالب مربوط باین دو محل را از سایر تواریخ و اسناد کلچین و اقتباس نموده اند و الحق خدمتی بسزا برای روشن شدن پیشینه تاریخی نموده اند که در این کتاب هم از مطالب آنان استفاده شده است .

ولی برای تشریح وضع جغرافیا و شرح اوضاع تهران در یک قرن و نیم اخیر بیشتر از مشاهدات و اطلاعات شخصی و معلومات معمرین بصیر و پیرمردان مطلع تهران و پرونده های ادارات استفاده شده است .

اینک بشرح تاریخ شهر کهن ری که مدفن حضرت عبدالعظیم (ع) میباشد میپردازیم :

بخش یکم = ری

از گفته امین احمد رازی : ری ولایتی با نام است ، در مسالك و ممالك آمده که از خراسان و عراق ، بجز بغداد هیچ شهری بزرگتر و آبادتر از ری نبوده ، مگر نیشابور که پهناورتر واقع شده .

اصعمی آورده «الری عروس الدنیا» و در بنای ری اختلاف بسیار کرده اند بعضی بر آنند: ری را ، رازی بن ثقلان بن اصبهان ملوج بنا کرده ، برخی گویند : راز بن خراسان ساخته و از هوشنگ نیز نقل میکنند .

و اما حمداله مستوفی آورده که شهر ری شهر شیث پیغمبر است و در زمان المهدی بالله عباسی عمارات شهری بدینمنوال بوده ، مدارس و خوانق ۶۴۰۰ ، حمام ۱۳۶۰ ، مساجد ۶۴۰۰ ، طاهونه ۱۲۰۰ ، کاروانسرا ۱۲۷۰۰ ، مناره ۱۵۰۳۵ ، یخچال ۱۴۵۰ ، عمارخانه ۱۷۰۰ ، قنات جاریه ۱۸۰۹۱ و رودخانه نیز بسیار بوده ، محلات ۹۶ و در هر محل ۶ کوچه و در هر کوچه ۴۰۰۰۰ خانه و ۱۰۰۰ مسجد و در هر مسجدی ۱۰۰۰ چراغدان از طلا و نقره و غیره بوده که هر شب روشن میکردند و مجموع خانه ها هشت بار هزار هزار و سیصد و نود و شش بوده که مردم می نشتند اند لا یعلم الغیب الا الله « بنظر نگارنده اغراق و مبالغه است .

در معجم البلدان آمده که ری زمان بهرام چنان آباد بوده ، باغستان ری و اسپهان پیوسته بیکدیگر بوده «مقصود تهران و کرون اصفهان بوده - نگارنده .

و اصحاب تواریخ نوشته اند : بکرات آن شهر بقتل عام و زلزله ویران شده و باز عمارت یافته ، تازمان خلافت ابو جعفر منصور در و انقی عمارت بر اصل یافت و روز بروز در تعمیر و آبادانی میافزودند تا حادثه چنگیز بوقوع پیوست و کرت دیگر بقتل عام ویران گشت .

شیخ نجم الدین دام قدس سره در کتاب مرصاد العباد که از تألیفات اوست نوشته : در این فتنه از شهری که مولد و منشاء این فقیر است هفتصد هزار مردم صاحب اعتبار بدرجه شهادت رسیدند ، ولایت ری ابتدا نه بلوک بوده بدین موجب «غار» «فشا پویه» «بهنام» «سبب و فرج» «خوار» «زرنده» «اسفجان» «شمیران» «شهریار» و «ساجبلاغ» .

و در نزهة القلوب آمده که رود بار قصران از توابع ری بوده و در عهد غازان خان تعلق بولایت رستم دار گرفته و در این ایام چهار بلوک است: نخستین را ری اعتبار کرده اند ، باقی را علیحده ساخته اند . چنانچه؟! بتقریبات احوال نوشته خواهد شد و حقتعالی آن مقدار خیر و برکت بدان ولایت ارزانی داشته که عقول و اوهام دروادی آن سرگردانست چنانچه اکثر ضروریات قزوین که قرب چهل سال محل اقامت سلاطین صفویه بوده از آن ولایت بحصول

می بیوست و ایضا غله و سامان مردم کاشان از ری بحصول می پیوندد و اهل رستم دار و ساوه و قم نیز از آن شهر منفعت بخش دارند و انواع میوه در آن دیار خوب و فراوان میشود، خصوص خربزه و انگور که هر قدر صفت کنند گنجایش دارد و همچنین انار ملیسی که رکی از ترشی با اوست و انجیر، زردآلو و امرود که آنرا نطنزی نامند و شفتالو و هلو خوانند در غایت نراکت و شادابی و راست مزگی بحصول می پیوندد که همه عزیزانرا نصیب شود که دست و دهنی بیالایند ... و خوبی آن زیاده براقطار چون روشنی خورشید در نصف النهار از واضحات است و اکثری از فضلا و فصحا در توصیف آن جرسی جنبانیده . چنانچه ؟! امام خاقانیراست : پست عراق وری و خراسان ری است و ری

و چون سطری چند در صفت ری گفته شد بهری از مذمت نیز نوشته آید، چو در همه جا نیک و بد مییابد، در فصل خزان که آغاز اختلاف آب و هوا و نوغان اطباست، مردم بنا بر رسوم عادت چندان ملاحظه نمی نمایند و ناهار میوه بسیار بکار میبرند لذا تب و لرز می نمایند و این تب و لرز شبانه روزی از دوسه ساعت زیاده نیست، بعد از آن برخاسته هر چه خواهند میخورند و بهرجا میروند، چو مشهور است: جمعی از دوستان بایکدیگر براهی می رفتند یکی را تب آمده از همکنان التماس کرد که شما ساعتی توقف نماید تا من رفته بلرزم و بیسایم، در وقتی چنین خاقانی بدان دیار رسیده و از افراط میوه او را عارضه دست داده و هر آینه این چند بیت انشاء نموده:

دور از مجاوران مکارم نمای ری	خاک سیاه بر سر آب و هوای ری
.....
دانم که عقرب تن من شد لقمای ری	عقرب نهند طالع آن من ندانم آن
جور من است زاب و کل جانگرای ری	از خاص و عام ری همه انصاف دیده ام
.....
جان میبرم چو سست اجل در قفای ری	ری در قفای جان من افتاده من بجهد
بی کفش میگریخت ز دست و پای ری	دیدم سحر کبی ملک الموت را که پای
بویجی ضعیف چه باشد پیای ری	گفتم تونیز، گفت چوری دست کین کشاد

در نزهة القلوب از روی طرفگی آورده که اصفهانی و رازیرا در باب خوبی شهر باهم مناظره افتاد هر یک هنر شهر خویش عرض میکردند، اصفهانی گفت خاک اصفهان مرده را تا چهل سال نریزند، رازی گفت خاک ری مرده را چهل سال بردردکان در دادوستد باز دارد و در بیشتر کتب معلوم شده که اهل ری همیشه مخالف یکدیگر باشند اما بسغا و رادی شهره و منسوب بوده، سخن ایشان راست و پسندیده باشد، بدوستداری پیغمبر و خاندانش مبالغه تمام بکار برند. و اصل شهری در حداده چنگیزخان چنانچه ؟! گذشت نوعی خراب گردید که نقش آبادانی بالکلیه محو گشت و امروز در آن مملکت یکی تهران و دیگری و راهمین است که ذکری خواهد شد:

طهران در زمان فرمانروائی شاه طهماسب صفوی بزینت باره و زیور بازار آرایش یافت و سمت شهریت پذیرفت و الحال بحسب جداول و انهار و اشجار سایه دار و باغات جنت آثار مستثنی از یکدیگر شهر و دیار است و بر شمال رویه اش کوهستانیست موسوم به شمیران که قطعه ایست از قطعات چنان و هیچ مستشدهی در خوبی زیاده بر آن نیست که در ایام سابق این کوهستان

را شمع ایران می‌گفته‌اند و در مضافاتش اقسام میوه نیک می‌شود، خصوصاً کیلاس که بانهایت خوبی و آفر و بی‌قیاس می‌باشد و همچنین کوهستان‌یست در دوفرسخی مشهور به **کن و سولقان** که آن نیز از بسیاری آب روان و کثرت درختان بامیوه‌های الوان غیرت بوستان‌چنان تواند بود، و از فواکمش امرود شفتالو نوعی خوب می‌شود که هر کس را آرزوی آن می‌شود که چون زبان همیشه در دهان داشته باشد: از این قبیل خصوصیات بسیار دارد.

و باز **هفت اقلیم** جزو حالات عمادی شهر یاری مینویسد: **شهر یار** بلوک‌یست از بلوکات دری متضمن قراء معموره و آبادان و بحسب مرغزار و بساتین و باغات رجحان بر باقی بلوکات دارد و در افواه پاره مردم این عهد تهران را گاهی نکوهش میکنند:

تهران و آب سنک لچ و باد شهر یار
مدحش مگو که خال رخ هفت دوزخ است
و جزو گزارش قاضی محمد مینگارد: از سادات و دامین است قاضی عطاءاله برادر قاضی محمد و قاضی عبدالله و قاضی سدید پسرانش و (امیر رکن‌الدین) و (میر محمد قاسم) و (قاضی عهدی) و (امیر عنایت‌اله) از متولیان حضرت عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن حسن بن علی امیر المؤمنین (ع) بوده و (امیر علی‌شاه) پسرش و (امیر نورای) متولی و (امیر ظهیرالدین ابراهیم) متولی و (امیر عبدالدین اسمعیل) متولی و (شیخ شهاب‌الدین) متولی امامزاده ابوالحسن و (شیخ ابوالقاسم) پسرش و (آغا غیث) حضرت بزرگوار عبدالعظیم (ع) در مقبره مشهد شجره در ری مدفون شده و در آن مشهد حضرت امامزاده حمزه بن موسی الکاظم مدفون بوده که آنحضرت زیارت و خواندن فاتحه تشریف می‌برده و بعد در ضلع غربی متصل بشمال زمین را میشکافند جسد صحیحی در آن محل یافتند و آنرا امروز قبه امامزاده طاهر بن طاهر میخوانند و اطراف امامزاده و صحن بزرگ پنج صحن دیگر ساختمان شده قبور بسیاری از بزرگان دین و دولت است که تذکره القبورش مجلدی بزرگ میشود از آنجمله قبر ابوالفتوح رازی و مرحوم حاج ملاعلی کنی و علمای بزرگ دیگر و مشایخ نامی از سلاطین ناصرالدین‌شاه و از شعرا قآنی «استخوانهای کریمخان زند را رضاشاه» «پهلوی کبیر باین مکان مقدس انتقال داد مقبره مجلل او نیز در همین مکان است. عبدالحسن هزیر» «و سپهبد حاجعلی رزم‌آرا از نخست وزیرانیکه بدست افراد متعصب وابسته بغدادیسان اسلام» «کشته شدند نیز در ایوان باختری حضرت عبدالعظیم مدفونند - نگارنده».

و **ورامین** زمان پیشین حاکم نشین بوده و قلعه و درغایت حصانت داشته الحال بعد از تهران محلی درری از آن شگرفتر نیست. و از میوه‌جات؟! انگورش بر تمام ری رجحان دارد. و مضافات نیک چنانچه! یکی از آن مواضع **خار** است که حاصلش قریب سه هزار تومان است و بیشتر ارتفاعات یک من صد من میشود.

و ایضاً حسن آباد است که حاصل آن از دوهزار متجاوز است و همچنین چند موضع دارد که حاصل آن پانصد تومان است تا سیصد تومان.

و **دولاب** را نوشته قریه ایست از اعمال ری متصل بتهران که الحال شهرری عبارت از آنست و از مشاهیر مردمش **ابو بشر** محمد بن احمد بن حماد انصاری و...

صاحب هفت اقلیم پس از این گزارشها نام مردانی هنرپیشه و بزرگ اندیشه شهرری را قریب پنجاه نفر اسم برده که برگزیدگان آنها عبارتند از:

صوفیه و عرفا (ابوزکریا یحیی بن معاذ) از محدثین (عبدالرحمن ابی حاتم حنظلی) از متبحرین

علوم و نوابغ (امام المتکلمین فخر رازی) از اساتید اطبا (محمد بن ذکریا) و از قضات (قاضی مسعود) و از علما (امیر تاج الدین حسن) و از عرفای ترانه سنج (شاه صفی الدین) از شعرا (غزایی و کمال الدین بندار) (آشوب تهرانی) (خمش تهرانی) (صفای لواسانی) و... که جمع اسامی و شرح خلاصه احوال آنها مجلدی جداگانه میشود.

در دایرة المعارف **بستانی** مینویسد: ری شهری از بلاد دیلم و جزو عراق عجم و پنج کیلومتری تهران طرف جنوب شرقیست. ولادت **ابوبکر محمد بن ذکریا رازی طبیب و هرون الرشید** در آن سرزمین بوده. شهری مشهور از بزرگترین بلاد عجم که مورخین عرب نامش را برده اند و گفته اند مرکز بلاد جبل، از آنجا تانیشابور یکصد و شصت فرسنگ و تاقز وین بیست و هفت، و فرودگاه حاج خراسان و ترک. و آن شهر را از بناهای **کیخسرو** پسر سیاوش گفته اند و سبب آن دانسته: **کیکائوس** تخت روان هوامی درست کرد و سوار آن شده که در هوا بالارفته با آسمان رود خداوند **بسا** را بحکم او گذارد تا او را بفراز ابر رسانید، بعد او را در دریای مازندران فرود انداخت. و چون کیخسرو پادشاه شد آن تخت را آورد که با او بیابل رود همانا بجایگاه **ری** که رسید در آن سرزمین شهر ساخت و نامش **ری** نهاد. و **عمرانی** گوید بانی ری فیروز بن یزدجرد بود و نامش را فیروز گذارد و پس از آن دی را ساخت و **رام فیروز** وری بگفته او دوشهر است.

یاقوت گوید رام فیروز را نشانم ولی **ری** را دیدم شهر نیکو شگرف با آجر و کاشی کبود ساخته در فضائی گشاده و پهلوئی آن کوهیست که هیچ گیاهی در آن نروید و ری شهری بزرگ است، بیشترش ویران شده، اتفاقاً من بویرانه ها گذشتم سال ۶۱۷ که از هجوم تاتار گریزان بودم دیوارها ویرانه هارا بیا دیدم و منبرها باقیمانده و نقش و نگار دیوارها پدیدار، زیرا تازه ویران شده، از داناتی پرسیدم گفت: سبب ویرانی بس ضعیف بود ولی چون خداوند چیزی را بخواهد بانجام میرسد، مردم شهر سه گروه بودند: **شافعیان** کمتر و **حنفیان** بیشتر و شیعه، و آنان سواد اعظم، زیرانی از مردم شیعه بودند و جنگها میان سنی و شیعه و دشمنی بدرازا کشید و سنیان از ناموران کس باقی نگذاشتند، همانا که شیعه را بر انداختند. دشمنی بین حنفیان و شافعیان افتاد و جنگها شد و با کمی مردم شافعیان چیره شدند تا حنفیان را کشتند و خانه هایشان را ویران کردند و جز محله شافعیان باقی نمانده و آن کوچکترین محلات ری است. چنانچه می بینی و از شیعه و حنفی کس نیست مگر مذهب خود را پنهان دارد.

یاقوت گوید همه خانه ها دیدم زیر زمین ساخته و دالان خانه ها تاریک و باریک و بسختی آمد و شد میشد و این نظر به آمد و شد لشکریان تاراج کن و یغما می بود و اگر جز اینگونه خانه ها داشتند جنبنده به **ری** نمیگذاشتند.

واسطخوری گفته ری از اسپهان بزرگتر و جز **بغداد** در مشرق شهری بزرگتر از ری نیست و آن شهری مشبك ساختمان و با آبرو و گرامند و پر نعمت، و يك فرسخ و نیم درازای آن و ساختمانها با چوب و گل، و ری را دهات بزرگ است هر يك بزرگتر از شهری از آن جمله (کوهن) و (سد) و (مرجی) و از رستاقهای نامی آن هفده روستاست (قصر آن بیرون و درون) و (بهزان) و (سن) و (پشویه) و (دیناوند) و (ویمه) و (شلمبه).

وابن کلینی گفته ری بنام مردی از بنی شیلان بن اسبهان بن فلوج ساخته شده و در شهر بوستانی بوده دختر وی به بستان آمده دید دراجی انجیر میخورد ، دختر گفت « بورا انجیر » یعنی دراج انجیر میخورد ، از اینرو اسم شهر کهنه بورا انجیر شد و مردم ری « بهورند » گویند به تغییرش از اصل .

وری سال بیست هجری یا ۱۹ بدست **عروقه بن زید الخلیل طائی** گشوده شد که **عمار یاسر** فرمان عمر او را فرستاد . پس از دو ماه فتح نهادند عروه آمده و مردم دیلم بمدد اهل ری آمده و جنگیدند و مسلمین ظفر یافتند و آنانرا کشتند .

و گویند در خلافت منصور که **مهدی** به ری آمد ، ری تازه را ساخت و کردان خندقی کند و در آن مسجدی بنا نمود بدست **عمار بن ابی الخصیب** و نام او را بر دیوار مسجد نگاشت ۱۵۸ و باروی فصیلی از آجر کرد ری کشید که کرد بارو خندق بود و نام آنرا **محمدیه** گذارد و مردم ری شهر درونرا بنام ری خوانده و فصیل را شهر بیرون گفته و قلعه معروف به « زیندی » در درون ری بمحمدیه است و مهدی گفت آنرا تعمیر و ترمیم کردند و زمان ولیعهدش در محمدیه فرود آمده و آن بر مسجد و دارالاماره مشرف بود بمد محمدیه زندان شد و پس از رفتن رافع و برانش کردند وری را در زمان جاهلیه **رازی** میگفتند و گویند او بزمن فرورفته و دوازده فرسنگی ری تازه بوده براه **خوار** میان **محمدیه** و **هاشمیه** ری و در آن ساختمانهای استواری بیا بوده که گواهی بر بزرگی شهر میداده و آنجانیز ویرانه ایست ، و در ری قریه « فرخان » است و آن قلعه بزرگ و استوار است ، و مال المقاطعه ری دوازده هزار هزار درم بوده تا مأمون بآن گذشته مردم ری شکایت برده و هزار هزار درم را بخشید .

و **اصه می** گفته ری عروس جهانست و بازار کانی مردمان و یکی از شهرهای نامی زمان **عبیداله زیاد** برای **عمر بن سعد ابی وقاص** حکومت آنجا را و گذارد بشرطیکه بالشکر آماده برود بچنگ حضرت سیدالشهدا امام حسین علیه السلام . عمر تردید رأی داشت ولی بالاخره حب دنیا و ریاست بر او چیره شد تا بالشکر بچنگ امام رفت .

و از امام جعفر صادق (ع) روایت است که فرموده **ری و قزوین و ساوه** ملعونه و شوم هستند .

و اسحق بن سلیمان گوید شهری را ندیدم که بست فطرتان را مانند ری بزرگ بنماید . در اخبار پارسیانست **هوشنگ** که مهلالیل بن قینان باشد و نخست سازنده شهرها ، از آنجمله **ری** را بساخت وری اولین شهر است که پس از شهر بلخ **کیوه رس** در دماوند ساخته شده و در ری بگفتاری منوچهر زائیده شده و **اشک بن اشکان** که با اینوخوس جنگید در این شهر نشو و نما یافت و مردمی از دیلم بشاهی بهرام بن یزدجرد ائیم بر آنجا تاخت ، مردمش را اسیر و شهر را ویران ساخت و بتاداجش پرداخت و **قیاد** پادشاه پارس در آنجا از برابرش مردالجناح کریخت و شهر او را دریافت و خونس بر ریخت ولی بیشتر بر آنند که قباد خود مرده .

سال ۲۲ **نعمین بن هقرون** فرمان عمر « در واجرد » بچنگ مردم ری رفته و جنگیدند و لشکریان را شکسته و رو شهر ری گذاردند ، زینبی پدر فرخان از ری بیرون آمده و بانعمین دیدار

کرده و طالب صلح و مسالمت شده و با سیاه‌وخش بن مهران بهرام‌چوبین پادشاه ری اظهار مخالفت نموده. سیاه‌وخش از مردم دماوند و تبرستان و قومس و جرجان مدد خواسته و آنان از ترس تجاوز مسلمین بکمک او آمدند و در بالای کوهستان‌ری پهلوی شهر سپاه آراسته بنای جنگ گذاردند، زینبی بن‌نعمیم گفت شمار ایشان بسیار و شمار شما کم است یک‌دسته سوار بامن بفرست تا من بشهر ری روم و از سستی که ملتفت نشوند و تو با آنها شروع بجنگ کن آنگاه ما از آن طرف برابر ایشان برویم، ایشان برابر تو پایداری نکرده میگریزند، نعیم چنین کرد و دسته‌ای سوار بسرداری برادرزاده اش منذر بن عمرو فرستاد، زینبی سواران را بشهر برده و سیاه‌وخش ملتفت نشده، نعیم بآن شبیخون زد، آنانرا از حفظ شهرستان بازداشت و آنها جنگ میکردند و پادار بجنگ بودند تا آنگاه که آواز تکبیر مسلمین را از پشت سر خود شنیدند، ناچار گریختند و اعراب کشتار زیادی کرده که مقتولین را باجوب نی می‌شمرند و درری باندازه مداین غنائم بهره مسلمین شد، و زینبی مصالحه نمود که مرزبانی‌ری با او باشد و همی شرف ری در خانواده زینبی بود و نعیم شهر را خراب کرد و آن ری کهنه است و زینبی بنای ری تازه گذارد، نعیم بوسیله مضارب عجلی فتحنامه باخمس اموال نزد عمر فرستاد و با مصمصان مصالحه کرد بچیزیکه فدییه بدهد برای مردم دماوند، نعیم پذیرفت.

و گفته‌اند در سال ۲۱ فتح ری بدست قرطنه بن کعب هجری شد و در خلافت حضرت امیر تولیت ری بایزید بن بحیه تمیمی شد و او سی هزار از خراج ری بشکست و حضرت بحسب تأدیبش فرمود و یزید از محبس گریخته نزد معاویه رفته و بسطنت او بازحاکم ری شد و بعد در حوزه امارت زیاد آمد.

و در سال ۶۴ مردم ری پس از مرگ یزید خروج کرده و سردارشان فرخ خان رازی بود و امیرالعراقین کوفه عامر بن مسعود محمد بن عمر بن عطار دیلمی را بجنگ فرخ خان فرستاد، مردم ری او را گریزاندند. سپس عتاب بن ورقا ریاحی را نامزد جنگ ری کرده و کشتار فزون گشته و فرخ خان کشته و یارانش گریختند و در سنه ۶۸ مصعب بن زبیر فرمان به عتاب بن ورقا والی اصفهان داده که به ری رود و با مردم ری بجنگد بکنه مساعدتشان بسا خوارج بر یزید بن الحارث و جاداد بن خوارج را درری و عتاب رفته و آنانرا بحصار سخت گرفته تا قلمه را کشوده و غنیمت فزون آورده و دیگر قلاع اطراف را نیز فتح نموده.

خلاصه آنکه پس از یزید فرخ خان رازی آغاز خلافت نهاد و عامر والی از کوفه نخست محمد تمیمی را بالشگری فرستاد و او بشکست و بعد عتاب بن ورقا روانه شد و فرخ خان را بکشت و در امان مصعب خوارج به ری گریختند مردم ری یاری آنها نموده یزید شیبانی والی خود را بکشتند و مصعب حاکم اصفهان را مأمور فتح ری نمود تا ری را بگشود، و عبدالملک اموی عبدالرحمن اشعثی را تولیت داد و حجاج که امیرالعراقین شد عدی بن زیاد را بحکومت فرستاد و در فتنه عبدالرحمن اشعثی عمر بن ابی‌صلت بری غالب شد و قبه از جانب حجاج او را هزیمت داد و بعد از حجاج در امارت یزید بن مهلب آمد.

و در سال ۲۴۱ زلزله سختی به ری رسید که خانه‌ها ویران شد و گروهی بیشمار بپریخاک مرده و چهل روز مردم بر آنها گذشتند.

در سال ۲۴۹ زلزله دیگر بر کشته و ساختمانهای باقیمانده ویران گشته مردم فزون هلاک

گشته و بقیه برون شهر گریختند و سال ۲۸۰ آب زمین چنان فروردت که هیچ آبی نمایان نبود و یک رطل آب بسه درم بهاء رسید و خواربار بسی گران شد و پس از آن زلزله آمد .
 و در ۳۱۴ ری جزو فرمانگذاری آل سامان آمد و دیالمه از آنها گرفتند و به آل بویه سرانجام رسید و ابوعلی محتاج بر آن چیره شد و وشمگیر بن زیاد از او گرفت بعد رکن الدوله بویه در ۳۳۰ از او بستند . سپس در ۳۳۳ ابوعلی بدان تسلط یافت و همی دست بدست سرداران ترک و دیلم چندسالی میگشت و در ۳۳۵ گروهی خراسانیان ریختند و خانه جرجیف و ابن العمید و زیر رکن الدوله را بتاراج بردند ، و رکن الدوله آمده و خراسانیان او را گریزانندند . سپس جنگ تازه شد و لشکریان رکن الدوله حمله مردانه کرده خراسانیان را شکسته و بسیاری از آنان را کشته و اسیر گرفته و پراکنده شدند و در ۴۲۰ محمود غزنوی سبکتکین آمد آبخارا گرفت و هزاره زاردینار زر و بیهای پانصد هزار دینار گوهر و ششصد هزار تخت جامه و اسباب فزون گرانیه بستند . و این گواهی بر توانگری بسیار مردم آخسر میدهد و آنچه دیدم دولت و سلطنتی نبوده از دول سامانی و بویه و ترکمانی و دیلمانی و دیگران جز آنکه چشم داشت مهمشان به ری بوده و مورد جنگهای بزرگ میان سرداران و شاهان شده و در آنحال مجدالدوله بویه (۱) شاه ری بود سبکتکین محمود او را بیرون کرد و ملک بستند ، و از

۱ - ملك ترکان حرم فخرالدوله دیلمی و مادر مجدالدوله زنی کاردان و سیاستمدار بود . چون شوهرش ابوالحسن فخرالدوله درگذشت پسرش مجدالدوله هنوز خردسال بود از اینر خود ملك ترکان زمام حکومت را بدست گرفته بانهایت اقتدار بر تق و فتق امور پرداخت . همینکه خبر وفات فخرالدوله بسططان محمود غزنوی رسید ایلچی نزد ملك ترکان فرستاد خزائن و ذخایر او را باز طلبید ، ملك ترکان نامه بسططان محمود نوشت بدین مضمون :

«اگر فخرالدوله مرده بازماندگانش هستند و مایملک او متعلق است باطفال صغیر او»
 «و البته شهرباری چون شما در مال یتیم تصرف نخواهید کرد مادام که شوهر من زنده بود از»
 «سطوت شما اندیشه داشتم . ولی امروز اندیشه ندارم زیرا اگر خدای ناخواسته هوای تصرف»
 «در مال صنار او کنید من بر حسب ادای تکلیف مقاومت خواهم کرد، هر گاه مغلوب شدم تنک»
 «شماست و فخر من ، اگر هم غالب شدم باز هم فخر من و تنک شما، چه در صورت اول همه گویند»
 «سلطان محمود با زنی پنجه زده و او را مغلوب کرده و در صورت ثانی گویند : از زنی شکست»
 «خورده و کرد این تنک تارستخیز بردامن شما خواهد ماند و السلام . خواهی بسرم بتاز ،»
 «خواهی بنواز» .

چون نامه سلطان محمود رسید بی اندازه درشگفت شد و بدانش و کیاست و حسن سیاست آن زن آفرین گفت و سالهای فراوان که سلطان محمود بفتح هندوستان و سایر بلاد اشتغال داشت ملك ترکان فارغبال بتمشیت امور مشغول بود ، شمس الدوله را بحکومت همدان فرستاد ، اصفهان و ری زیر نظر خودش بود ، تا مجدالدوله بسن رشد رسید ، آنوقت زمام امور سلطنت را بدستش داد و تاجگذاری مفصلی نمود ، ولی توقع داشت مجدالدوله در امور سلطنتی بامادر مشورت کند و او چنین نکرد و بوعلی را که بانفخالدوله مخالفت مینمود بوزارت تعیین نمود لذا ملکه ترکان رنجیده خاطر بقلعه طبرک اصفهان رفت و از آنجا بگردستان شتافت و بسدر بن حسنویه از او استقبال کرد و لشگری بملك ترکان داده جنگ مادر و پسر آغاز و ملك ترکان بر پسر چیره *

شیعیان بسیاری را بکشت و معتزله را از خراسان براند و کتب فلسفه و مذهب اعتزال و نجوم را بسوخت و از دیگر کتب یکصد بارشتر ببرد و ترکمان غز پس از او آمدند به ری و طغرل سلجوقی سال ۴۳۴ بر آنجا فرمانگذار شد و همی بدست سلجوقیان بود. در سال ۵۷۱ بازم زلزله شدیدی روح داد و بسیاری ساختمانها ویران و مردم هلاک شدند و در سال ۵۸۸ جزو سلطنت **خوارزمشاهیان** گشت، که علاءالدین تکش از طغرل بن ارسلان بن طغرل بن محمد بن ملکشاه سلجوقی بگرفت، او را بکشت و لشگری پیاسداری آنجا گذاشت. پس از آنکه تاتار بکشتار و تاراج بلاد اسلامی آمدند، در آغاز قرن هفتم هجری از همه شهرها بیشتر دچار قتل عام و ویرانی و تاراج شد که در هجوم مغول نوشته شده، و آنروز همی بیستی پیش آمد تاکنون که شهری بی اهمیت است از شهرهای دیلم، از آن بنه بسیار بعراق میآوردند، و منسوب به ری را رازی گویند، از آنشهر گروه بسیاری از اعیان برون آمدند، قبر کسائی نحوی و قبر محمد بن الحسن از ائمه فقه و دیگر مشاهیر در آنجاست نام این شهر **راجیس** بوده.

آقای جابری انصاری در کتاب اصفهان وری نیز نوشته اند: از آثار باستانی شهر پر جمعیت ری هیچ برجی نمانده، جز چند بقعه متبرکه و مقبره علی بن بابویه قمی که محوطه و ساختمان آن بهمت صفویه و شاهان بعد شده و گرنه از دیالمه و سلاجقه آثار مهمی پدید نیست و برج طغرل سلجوقی آنهم نظر بدشمنی مغول با خوارزمشاهیان این برج را نگذاشتند در دولت خود ویران شود که دشمن دشمن را دوست داشتند چه تکش خوارزمشاه طغرل را کشته بود.

لرد گرز ن در کتاب خود بنام جهانگردی در ایران ری را اینطور تعریف میکند: میان تهران و شاه عبدالعظیم خرابه های ری دیده میشود، آیا این خرابه ها باقیمانده شهر ری عربها و راجیس هخامنشی ها و اشکانیان است؟ من نمیدانم در «وندیدا» نام دوم محل بنام «راجیس» و «دازنا» ذکر شده که شاید همان ری و ورامین کنونی باشد. شهر **راجیس** که با **نینوا** و **بابل** آنروز همسری داشته و معاصر هم بوده بیش از یک میلیون جمعیت داشته است. در کتیبه های بیستون میخوانیم **داریوش هخامنشی یاغیان ماد را در شهر راجیس دستگیر نمود** و از همین شهر اسکندر کبیر، **داری کدها** را تعقیب کرد.

سلوکوس مؤسس سلسله سلوکید ها راجیس را اذنو ساخت و در سال ۲۵۰ قبل از میلاد پایتخت اشک اول گردید. اما آن شهری که منسوب به ری است در زمان مغول ویران گردید. مورخین ایران و عرب راجع بآبادی و عظمت این شهر چیزهایی نوشته اند که قابل تردید میباشد، مثلاً یک نویسنده ایرانی که خود هم اهل ری بوده در اثر تعصب وطن خواهی چنین میگوید:

* شد و مجدالدوله را در بند نهاد و زمام امور را بدست خود گرفت ولی مهر مادری موجب شد که مجدداً فرزند خود را بر تخت سلطنت نشاند و تا او زنده بود سلطنت مجدالدوله آبرویی داشت. پس از مرگ آن شیرزن هرج و مرج در عراق پدید شد و بهانه بدست سلطان محمود آمد لشکر بعراق کشید مجدالدوله و پسرش را دستگیر و بگزین فرستاد زندانی ساخت و اقتدار دیالمه بی پایان رسید و فرزند شیرخواری از مجدالدوله در اصفهان باقی ماند (ابن جعفر علاءالدوله) که او هم بعدها بحکومت رسید و اولاد نواده او نیز همیشه در مقام فرماندهی و استانداری بوده اند.

« درری ۹۶ برزن بوده و هر برزن ۶۷ کوی و هر کوی ۴۰ هزار خانه ، هزار مسجد »
« و هر مسجد هزار چراغ و قندیل طلا و نقره داشته است و مجموع نفوس شهرری و توابع آن »
« ۸۰۰۳۹۶ نفر می رسد ».

هرون الرشید در شهرری بدنیا آمده و **محمود غزنوی** در سال ۱۰۲۷ میلادی برابر ۴۱۸ هجری آخرین فرمانروای **آل بویه** را در شهرری منقرض نمود ، **سلجوقیان** مدتی درری اقامت داشتند ، طغرل سلجوقی در ری بخاک رفت ، در سال ۶۱۸ هجری بنا بقول مشهور لشکریان چنگیز هفتصد هزار نفر از اهالی نسامدار ری را کشتند . و چندی بعد از او **امیر تیمور** با زماندهارا اذم تیغ بیدریغ گذراند . عجب آنکه **شاهرخ** و نواده او **خلیل سلطان** از اولاد تیمور مدتی درری اقامت نمودند . خلیل سلطان آخرین پادشاه تیموری در همین شهر بخاک رفته و برای عشق و علاقه به « دلشاد الملک » يك امپراطوری پهناوری را برپا داد .

سرپرتر ارکر S . PERTER . ARKER در زمان فتحعلیشاه خرابه های ری را دیده نقشه جامعی از آن ترسیم نموده بود ولی اکنون آن نقشه با خرابه ها تطبیق نمیکند ، زیرا بیشتر دیوارها و بناهای پابرجا فروریخته است ، مردم تهران هر وقت که محتاج مصالح بنائمی میشوند با کمال بی انصافی بیل و کلنگ برداشته سر وقت این بناهای تاریخی میروند و گذشته از آجر و سنگ جهت پیدا کردن سکه ها و ظرفهای سفالین هم کنده کاری میکنند ، البته تاکنون حفاری علمی در شهرری اجرا نگردیده و اگر بشود ممکن است آثار نفیس مهمی پیدا شود .

اما در خرابه های شهرری يك برج بلند توخالی با ارتفاع ۷۰ و بجم ۱۲۰ پا مانند منار بسطام و گرگان موجود است ، بالای برج چیزهایی بخط کوفی نوشته بودند که اکنون خوانده نمیشود ، در مشرق این برج در کنار کوه برج خرابه دیگریست که آنهم فروریخته و کتیبه های خط کوفی آن بزحمت خوانده میشود .

برج اولی را آرامگاه طغرل یا مقبره سلطان خلیل میدانند و میان تهرانیها به **نقاره خانه یسزید** یا برج یزید شهرت دارد .

در نزدیکی چشمه علی (۱) مجاور خرابه های ری روی کوه شکل يك اسب سواری را با نیزه حجاری کرده اند و ممکن است مربوط **ساسانی** باشد ، ولی چون پهلوئی آن شکل فتحعلیشاه را حجاری نموده اند شکل آن اسب سوار بخوبی معلوم نیست .

فتحعلیشاه در اینجا نیزه بدست گرفته و برسینه شیری فرو میکند ، قدری دورتر باز هم فتحعلیشاه را روی تخت حجاری کرده اند و مطابق معمول پسرانش اطرافش ایستاده و بالای سرش شکارچیان و چترداران قرار دارند .

۱ - مرآت البلدان در صفحه ۲۳۹ جلد ۴ مینویسد « چشمه علی ری ، آب این چشمه »
« از زیر سنگ صلب خارا می که در طرف شمال شهر قدیم ری واقع بود خارج شده بجانب جنوب »
« جاری میگردد . بنا بر تحقیقات و اطلاعات نگارنده قلعه ری بندی که خلیفه مهدی عباسی بنا نمود »
« بالای همین چشمه و روی تخته سنگ بوده چنانکه حالا آثار آن باقی و نمودار است . نیز احتمال »
« می رود قلعه طبرک (باورقی صفحه ۹ را نگاه کنید - نگارنده) همین قلعه ری بندی بوده باشد »
« و سایرین آنرا باین اسم موسوم ساخته باشند . و چون دلغت فرس **طبر** بمعنی کوه است * »

برج گبرها یا قلعه خاموشان مانند برج بمبی در نزدیکی چشمه علی و خرابه‌های ری واقعتاً، کبرهای ایران مرده‌های خود را در این برج افکنده، بازان و لاشخورها میهمانی میکنند.

« فعلا زرتشتی‌ها مرده‌گان خود را در قصر فیروزه بخاک میسپارند - نگارنده » در پنجاه میلی جنوب شرقی بایتخت قصبه و راهمین واقعتاً، موقعی و رامین بایتخت و مرکز ایران بوده و هم‌اکنون مسجد سلطان ابوسعید فرزند سلطان محمد خدا بنده در رامین است.

قلعه ایرج بساحت ۱۸۰۰ متر در ۱۵۰۰ متر بسا ارتفاع ۲۰ متری آتشکده واقع در آسیاباد با ارتفاع ۲۰۰ پا و بردازای ۳۵۰ پا و پهنی ۳۰۰ پا از آثار قدیمی و رامین میباشد.

کتاب دهات کشور منتشره از طرف اداره کل آمار ری را اینطور تعریف میکند: اسم شهر در قرن ششم پیش از میلاد در کتیبه‌های داریوش کبیر ذکر شده و بمناسبت قدمت بنای آن معروف بشیخ البلاد بوده و چنانکه بلخ را ام‌البلاد میگفتند. ری در قرن اول هجری بتصرف مسلمین درآمد، و در قرن سوم هجری هنوز شهر بزرگی بوده است و سه قسمت تقسیم میشده: یکی **شهرستان دیگری بازار سومی قلعه**.

بین اراک و شهرستان مسجد جامع شهر که بمسجد جامع مهدی مشهور بوده است ساخته شده و اراک را در بالای کوهی بطور جداگانه بنا نموده بودند، بقسمی که تمام شهر از محل اراک دیده میشده است. طول و عرض شهر ری را در آن تاریخ یک فرسخ و نیم نوشته‌اند، و لسی بعداً بتدریج اهالی قسمت شهرستان و قلعه را ترک و باطراف بازار که محل داد و ستد بوده روی آورده‌اند و چون رودی از بازار میگذشته، بازار را **رود** نیز مینامیدند در قرن چهارم شهر ری مورد هجوم طوایف غز واقع و خرابی یافت ولی در دوره سلجوقیان مرمت گردید. طنزل سلجوقی درری مدفون است و مدفن او در وسط باغی در این وایه در برجی که بنام برج طنزل است میباشد، ولی بعضی مورخین آنرا مقبره **فخرالدوله** دیلمی هم دانسته‌اند. «گویا فخرالدوله راهم پهلوی گور طنزل سلجوقی بخاک سپرده باشند - نگارنده» برج طنزل که اخیراً تعمیر شده تا اندازه‌ای تغییر شکل یافته.

خرابی عمده شهر ری در سال ۶۱۷ هجری و در اثر حمله مغول بوده که بیشتر اهالی را قتل عام و ساختمانها را خراب نمودند.

و قبل از حمله مغول هم بواسطه اختلافات مذهبی و نزاعهای اهالی قسمتی از شهر خراب شده بود و

« * چنانکه طبرستان بمعنی کوهستان است. و طبرک با کاف که در فارسی علامت تصغیر است بمعنی کوه »
« کوچک است و این قلعه بر روی کوه کوچک واقع شده ... بعضی گویند منوچهر این قلعه را »
« بنا کرده و برخی قلعه طبرک را زبیده نوشته‌اند ... خاقان خلد آشیان فتح‌ملیشاه طاب ثراه »
« که اغلب بچشمه علی بتفرج می‌رفتند در سال ۱۲۴۸ حکم فرمودند در بالای چشمه علی صفحه را »
« هموار کرده و بر روی سنک تمثال این پادشاه ذیجاء با بعضی از شاهزادگان مقور سازند ... »
« این حوقل اسم چشمه علی را **سورنچی** نوشته بقمه ابن بابویه در نزدیکی چشمه علی میباشد »
« همچنین مقبره صفائیه که سه سال قبل بجهت مضع مرحوم حاج میرزا صفا که از اجله مشایخ »
« عرفا و ارباب دانش بوده در تهران برحمت ایزدی پیوست جناب اشرف امجد مشیرالدوله »
« بنا نموده‌اند در حوالی چشمه علی است. »

بعقیده استاد **پارتولد** جغرافیادان معروف بین اهالی شهرری نه تنها از لحاظ مذهبی بلکه از جهات مادی و اقتصادی اغلب اختلاف بوده و مخصوصاً اختلاف بین اهالی شهر و سکنه اطراف اغلب منجر بکشتارهای زیاد و خرابی شهر شده و حمله مغول هم مزید بر علت گردیده است ، بعد از مغول این شهر دیگر با اهمیت سابق خود نرسیده و حکومت ری اثری یکی از خانهای مغول بوده و در زمان غازان خان قسمتی از خرابیهای آن ترمیم شده و در شمال شهر در دامنه کوه قلعه ای ساخته شده که آنرا **طبرک** مینامیدند و تا قرن هفتم این قلعه باقی بود .

پس از مغول ری ضمیمه ایالات شمالی گردید و در زمان حمله امیر تیمور گورکانی چون از طرف اهالی ری مقاومتی ابراز نشد ناحیه ری نسبتاً از خرابی مصون ماند .

آثار خرابه های ارك شهر که بر روی تخته سنگی بطور سراسیم ساخته شده بود و در زمان مغول خراب گردید هنوز باقیست ، و در پای کوه آناخرابه های دیگریست که ظاهراً همان قلعه **طبرک** باشد که سابقاً در کوه معروف به **سرسره** تصویر یکی از پادشاهان ساسانی در حالیکه سوار بر اسب بوده و نیزه در دست داشته ولی متأسفانه در زمان فتحعلیشاه آن تصویر را محو کرده اند و صورت فتحعلیشاه را که شیری را بانیزه میزند با طرز زنده ای نقش کرده اند .

علت عمده از بین رفتن خرابه های شهرری بناهای جدید رسانیده اند ، در خرابه های ری در سنوات اخیر از نظر بدست آوردن اشیاء عتیقه و ظروف نفیس از طرف یهودیها حفریاتی شده و اغلب آثار موجوده را نیز خراب کرده اند . بدیهی است چنانچه بطریق علمی حفریاتی در این محل بشود تردیدی نیست که آثاری بدست خواهند آورد که از لحاظ روشن نمودن قسمتهای تاریک تاریخ این سرزمین اهمیت بسزائی خواهد داشت .

فرهنگ جغرافیائی ایران درباره **ری** مینویسد : ری نام قدیم شاهزاده عبدالعظیم مرکز بخش ری تابع شهرستان تهران . ۸ کیلومتر جنوب تهران سر راه تهران قم . موقعیت طبیعی : جلگه ، هوا معتدل ، سکنه ۱۲۲۱۹ شیعه ، فارسی ، آب از چند رشته قنات آرامگاه اعلیحضرت رضاشاه پهلوی ... نه فقط در کشور ایران بلکه در اقطار گیتی غیر از مقبره ناپلئون نظیری ندارد .

آثار قدیمه شهرری مطابق خلاصه اطلاعات باستانشناسی بشرح زیر است :

۱ - برج طغرل ، تاریخ بنا ۵۳۴ هجری و تاریخ در چوبی و قفل آهنی ۵۳۴ هجری است ، در زمان ناصرالدینشاه که رو بویرانی بود تعمیر شده است .

۲ - مرکز شهر سلجوقیان (حدود حسین آباد - منصور آباد - حاجی آباد فعلی شهرری) عهد سلجوقیان که در فتنه مغول ویران شده است . همسفر اهمیت باستان شناس مشهور بنمایندگی موزه هنرهای شهر بوستون در سالهای ۳۱۳ - ۱۳۱۴ در این نقاط کاوشهای علمی نموده است .

۳ - مزار بی بی شهر بانو روی قلعه نقارخانه .

۴ - مقابری از زمان سلجوقیان در روی کوه نقارخانه که در کاوشها بدست آمده .

۵ - تپه چشمه علی و قلعه از آثار ابنیه قدیمی از قدیم ترین آثار تاریخی است بدست مغولها منهدم شده .

بطور خلاصه شهرستان **ری** در زمان خلافت عمر در سنه ۱۹ بدست عمر بن زید الخبیل طائی که بسرکردگی هشت نفر مردانی که شهادت را سعادت میدانستند فتح شد و تساقوط

بنی‌امیه یعنی آغاز قیام بومسلم خراسانی تابع خلفای راشدین یا سلاطین بنی‌امیه بوده است (۱۳۰ هجری) و از آن تاریخ بعد بعثت اهمیت موقعیت و استمداد آبادی و مرکزیت تمدن ایرانیان بعد از اسلام، همیشه دستخوش قتل و غارت و ویرانی‌ها و کسانیکه داعیه سلطنت داشته‌اند بوده و دومرتبه هم بر اثر زلزله بشدت خراب و ویران شده است.

المهدی بالله، هارون الرشید و مأمون خلفای عباسی چندی در این شهر متوقف و بر آبادی بعد ویرانی آن همت گماشتند.

جنگ طاهر بن حسین با علی بن عیسی ماهان سرکرده ارتش امین برادر مأمون در اطراف این شهر بوقوع پیوست.

هچنین جنگ بین محمد بن جعفر علوی نماینده حسن بن زید و محمد بن طاهر نیز در این شهر بوقوع پیوست، و مجدد آسرا ن زیدیه به ری هجوم آورده ابن میکائیل نماینده خلیفه راکشند و روز عید فطر نماز خوانده و مردم را برای بیعت با حضرت رضا (ع) دعوت نمودند.

آبادیهای مهم شهر ری بدین شرح بوده است

۱ - خوار ۲ - قار (غار) ۳ - دماوند (دباوند) ۴ - دولاب
 ۵ - ورامین ۶ - بیست ۷ - دسبی ۸ - رنبویه
 ۹ - زویق ۱۰ - کلین ۱۱ - مشکاوین ۱۲ - مهرقان
 ۱۳ - وهین ۱۴ - محمدیه (نام جدید ری بوده).

از این چهارده قریه فقط قراء از ۱ تا ۲۶۱ که پیدایش نام تهران بوده وجود داشته‌اند.

و آبادیهاییکه هنگام پیدایش قریه تهران جزو شهرستان ری و آباد و معمور بوده‌اند:

۱ - اذون که جزو قصران بوده ۲ - اسفندون ۳ - اشنان ۴ - بهزان
 ۵ - جراذین ۶ - خرما باد ۷ - خومین ۸ - دزاه ۹ - دهک
 ۱۰ - دوربست (درشت یا طرشت) ۱۱ - سن ۱۲ - طبرک ۱۳ - قصران
 ۱۴ - کرج ۱۵ - نرمق ۱۶ - هسنجان ۱۷ - یزدآباد ۱۸ - ورامین

ولی تدریجاً کلیه آنها بر اثر حوادث و قحط و غلا و بیماریهای ساری و ناامنی و مهاجرت مردم آن بجز خومین، دوربست، کرج و ورامین از بین رفته یا اهمیتی نداشته‌اند.

ولی پس از حمله مغول و استقرار حکومت اولاد چنگیز در ایران قراء دیگری در اطراف ری از نو ایجاد شد مانند: جاجج - جاجرود - جابلورد، شکراب، ساوجیلاخ، طالقان، فیروزکوه، سولقان، کن، لورا، شهرستانک، لار، لواسان و ونک. بنابراین تهران از سال ۲۶۱ تا ۶۱۷ (حمله مغول) همدوش آبادیهای مهم مانند دولاب، خوار و ورامین طوری آباد و مرکزیت داشته که حمله مغول هم نتوانسته آنرا نابود سازد ولی ترقی و تنزل شهر ری در او مؤثر بوده.

اما حمله چنگیز که ری را ریشه کن و از بیخ و بن برانداخت تدریجاً تهران رو بترقی رفت.

بخش دوم = تهران

هنگامیکه ری برحسب حوادث طبیعی مانند زلزله و بیماریهای ساری همچین وقایع جنگها و اختلافات رو بسقوط و زوال میرفت قریه تهران (طهران) قوس صعودی را طی مینمود .

بستانسی در لغت تهران مینویسد : پایتخت ایران است و از دریای مازندران تا آن شهر بطرف جنوب هفتاد میل مسافت دارد (گویا بطور مستقیم محاسبه شده است - نگارنده) و تا اصفهان پایتخت کهنه ۲۱۰ میل مسافت ، که شمال اصفهان افتاده در ۴۲ - ۳۵ و ۵۰ - ۲۰ - ۵۱ طول شرقی ، و شمارش مردمش ۲۱۰ هزارند ، در زمستان که همه مردم داخل شهرند و سال بسال همی بفرز نیست که با نوزده سال پیش نصف این جمعیت را نداشت و آن شهر در صحرای ریگستانیست که از طرف شمال و شرقش کوههاست و شهرهای طرف غربی آن همه بر نعمت که مردمش زراعت آن بلاد را خوب مینمایند ، هوای تهران خوب نیست ، تابستانش گرم که شاه و دولت مردانش در تابستان یا بکوههای نزدیک میروند ، یا در زمینهای بلند مجاورشاهی (منظور داودیه و قصر قاجار است - نگارنده) و شمرن چادر میزنند ، شکل تهران مربع بی انتظامیست ، درازای هر ضلعش یک میل یا بیشتر و دایره محیطش را پنج میل گفته اند ، گرد آن باروی گلی پهناوری و خندقی بی آب است و از باروی آن گوشه هائی بشکل نیمدایره برآمده و دروازهها دارد که پاسانها گذارده اند ، غروب آفتاب منظره تهران از بیرون نیک زیبا مینماید ولی کوچه ها تنگ است و بی نظم و در تهران بناهای نیکو از مساجد و مدارس و کاروانسراها و خانههای بزرگان ایران نمایی دارد و مخازن امتهاش بسیار ، اما دیگر ساختمانهای کوچک و خشت و گل ، ولی کاخ شاهی بزرگ با فضای گشاده و ایوانهای بدیعه و ادارات حکومتی و پاسانان عمارات سلطنتی با طرافش با بسیاری از حمامها و بوستانها و کاخ شاهی خود قلعه ای محفوظ است با باروی شمالی و در جوار شهر قصر دیگریست از شاه که بر محل بلند است (قصر قاجار را فتحعلیشاه روی تپه منفردی ساخته بود - نگارنده) و اطراف شهر گشاده و آبادان و باغات و دهات و خانان دارد . سیم تلگراف از تهران تا حدود ترکیه و قوقاس کشیده شده و در تهران کارخانه های آهن گذاری و غیره هست و پیشین زمین اهمیتی نداشته تا آقامحمد خان آنجا را پایتخت عجم کرد . سال ۱۲۱۰ هجری ۱۷۹۶ میلادی ، و بازارهای نیکو و کاروانسراها بنا شد و کریمخان زندهم پیش از او آنجا شهرت داده بود پس از آنکه در هجوم افغان ویران شده . ساختمانهای تازه در آنجا طرح انداخت

و در کتب عرب است که **طهران** یک دهی از دهات ری بوده و آثار ویرانه های شهری تا بانزده میلی تهران است و در قرون سیزدهم میلادی یک دیه کوچکی شده بود که مردمش در خانه های زیرزمینی برای پاس خود از دشمن جا گرفته بودند و همی پیش افتاد و بزرگ شد و سزاوار نام شهریت گردید .

در قرن شانزدهم میلادی و سال ۹۶۱ هجری شاه طهماسب باروئی کرد آن کشید که دایره اش شش هزار گام بود و ۱۱۴ برج برای آن قرارداد و در هر برجی سوره ای از قرآن گذارد و چهارده دروازه برای باروی قلعه گشوده و در قرن هفدهم نام آن شهر را شهر **چنار** گذاردند . از بسیاری درخت چنار که چنارستانش میگفتند .

و بلطرون جزو سخنانش گوید تهران تازه ساز نیست و زمان شاه عباس بزرگ شهری بانام و نشان بوده که شاهان صفوی بسیار اوقات در آنجا میماندند .
در زمان ناصرالدینشاه و شاه حالی و بسرش اصلاحات بزرگ از آنشهر شده کوجهها و خیابانهای وسیع ، مدارس و بیمارستان و چراغ گاز و جز آن افزونی آرایش و نمایش پایتختی شگرف است .

صاحب کتاب ری و اصفهان گوید : امروزه که پنجاه سال از روزگار نگارش **بستانی** میگذرد در امتیازات تهران چندین برابر شده و میشنوم جمعیتش در این سال (۱۳۶۱ قمری) به ۷۰۰۰۰۰ بومی و رهگذری رسیده و چند سال پیش نصف این جمعیت بیش نبود و دایره شهر را حدس میزنم بده میل بیش رسیده ...

جنوب تهران امروز بلوک **غار** بنام شهری خوانده میشود و مرکزش آستانه حضرت عبدالعظیم است و **فناپویه** مرکزش **رباط کریم** است ، **شهریار** جنوب غربی حاصلخیزترین و مهمترین بلوکات و دارای دهکده های بزرگ مرکز آن **علیشاه عوض** و **ورامین** جنوب شرقی است و دو مرکز مهم دارد : یکی قصبه ورامین که سابقاً شهری بوده ، دوم امامزاده جعفر (ایستگاه راه آهن ورامین بنام «پیشوا» در امامزاده جعفر واقفت - نگارنده) و شمال تهران شران است مرکزش **تجربیش** و امروز خود شهر ییلاقی تهران شده است از بس عمارت در آن ساخته اند دنبال آن **بدماوند** و **لار** مازندران میرسد. دهات بزرگش یکی عامه است و **کن و سولقان** هم یکطرف است .

سوهانک ، **نیاوران** ، **سلطنت آباد** طرف دیگر و **زرنند** مرکزش خود زرنند است .
و خوار که شمال شرقیست مرکزش **گرمسار** است و **ساوجبلاغ** طرف مغرب افتاده و چند ناحیه تقسیم میشود ، کوهستانی دارد دارای دهات بزرگ یکی **برغان** ، **پشند** و ناحیه جلگه اش نیز دهات معظم دارد : چون **ینک امام** و **هشتگرد** و قصبه **اشتهارد** که مردم بزرگ از آن بدر آمده جزو ساوجبلاغ است و مرکزش کرج که خود شهری شده و **نجم آباد** قصبه مهمی است و در این اواخر مجدداً **طالقان** جزو تهران آمده و افزونین جدا گشته . و بس است در فضیلت طالقان که چون **صاحب بن عباد** وزیر بزرگی از آن شهر کوچک دلی دانا و زبانی گویند و کفی دریا داشت .

موریه گوید : پایتخت حالی ایران طهران است ، دورباروی این شهر از چهارمیل و نیم الی پنج میل است ، این شهر را شش دروازه است که سردر و جوانب آنها را کاشی کاری کرده ، صورت ببر و حیوانات دیگر را در کاشیها نقش کرده اند ، در سمت شمال مغربی تهران بعضی یکه برجها در حوالی باروست که در یکی از آنها یک لوله توپ و یک زنبورک دیدم ... تنها بنسای قابل ملاحظه مسجد شاه میباشد که ناتمام است و غیر از این مسجد شش مسجد کوچک در تهران هست که قابل ذکر نیست . این شهر سه چهار مدرسه بزرگ بیشتر ندارد . افواها میگوید صد و پنجاه کلانوسرا و بهمین شماره حمام در تهران هست ، دو میدان بزرگ یکی در شهر یکی در اطراف تهران است ، دو عمارت ییلاقی سلطنتی این شهر داراست ، یکی قصر قاجار ، یکی نگارستان که تازه بنا مینمایند .

مرآت البلدان مینویسد در سال ۱۱۵۱ میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی که بمنصب وزارت و صدارت عظمی سرافراز و فاضلی دانشمند و دیدیری بی مانند بود چون مدتی میگذشت که اطوار و اعمال او منافی رأی مبارک سلطنت و مخالف صلاح و سداد حال دولت بود و غرور منصب و نخوت ریاست آنجناب را از مشاورت در امور مراعات رأی مبارک پادشاهی بازداشته و نزدیک بود در کار ملک خللی تمام راه یابد چه نیت آنجناب پیوسته توهین امر سلطنت بود .

لهذا هنگامیکه موکب پادشاهی بعزم بیلاقات از شهر بیباغ نیکارستان نقل مکان فرموده و قائم مقام هم در باغ لاله زار متوقف بود در سلخ شهر صفر ۱۲۵۱ آنجناب را بنگارستان احضار فرموده بی آنکه بشرف حضور نایل شود و حیاء جبلی پادشاه مکافات کلاه های او را بتأخیر بیندازد هلاک کردند و پیوستگان و فرزندانش را با خود و برادرزاده اش میرزا اسحق را از تبریز مسلوب الاختیار نمودند .

در معجم البلدان و آثار البلاد وجه تسمیه تهران باتاء منقوطة را باین نحو معین کرده اند : که چون اهل آنجا در وقتیکه دشمن برای آنها بهم میرسید در زیر زمین پنهان میشدند از اینجهت باین اسم موسوم شده است که **ته ران** یعنی زیر زمین میرفته اند .
هر زمستان ۸۲۰ عامه خز بعلوین دادی، روزی جام آبی بدو دادند یکی از خواص گفتش منوش که زهر آکین است ، گفت از کجا دانی؟ گفت جامدار را بگو بنوشد، فرمود رواندارم و جامدار را برون کرد اما حقوقش را میداد .

وضع ساختمان اماکن تهران قدیم

فروینی در **آثار البلاد** میگوید وجه تسمیه **تهران** باتاء نقطه دار از اینجهت است که خانه های آنرا از ترس دشمن زیر زمین میساختند و (ته ران) میگفتند .
قاضی عمادالدین در **عجایب البلدان** مینویسد **طهران** قریه ایست معظم جزو ایالت **ری** دارای باغات زیاد و در آن باغات اشجار میوه دار غرس شده و سکنه در خانه های سرداب مانند متوطن اند ، همینکه دشمنی با ایشان حمله آورد بآن خانه های تحتانی پناه جسته و هر قدر محصور بودن آنها امتداد یابد بسبب کثرت آذوقه که از فرط احتیاط ذخیره کرده اند آسوده اند و بیرون آوردن ایشان از آن اماکن غیر مقدور است .

وضع کشاورزی تهران در گذشته

بعلمت کوچکی شهر و زیادی آب و وضع کشاورزی روزگاریش تهران قابل توجه بوده است.

احمد رازی مؤلف تذکره هفت اقلیم در این خصوص مینویسد :

تهران از زمان فرمانفرمایی شاه طهماسب صفوی بزینت باروی اسواق ، مجلل گردید و سمت شهریت پذیرفت ، و بحسب جداول و انهار و غرس اشجار سایه دار و باغات جنت آثار مستثنی از بلاد و دیار شد در شمال آن کوهستانیست موسوم بشمیران، که قطعه ایست از قطعات چنان ، هوا از بوی پر عطر و جهان از رنگ چون دیبا و سپهر ، و زخوبی آن زیاد بران، که در ایام سابق این کوهستان را (شمع ایران) میگفتند و در آن اقسام میوه نیک یافت میشود بخصوص گیلاس که بانهایت خوبی وافر و بی قیاس میباشد و همچنین کوهستانیست در دوفرسنگی آن به کند و سولقان معروف است، که

آن نیز از بسیاری آب روان و کثرت درختان میوه های الوان مانند بستان جنان تواند بود و فواکیش نوعی خوب میشود که همه کس را آرزوی آن میشود و از این قبیل خصوصیات بسیاری دارد

مستوفی در **نزهة القلوب** مینویسد : و تمام ولایات ری ۳۶۰ پارچه دیه است و دیه **دولاب و قصران** در زمین **نیر و زرام** ، توهه ، شندر ، طهران و فیروزان از معظم ناحیه غار است .

طهران قصبه معتبر است و آب و هوایش خوشتر از ری است و در حاصل مانند آن و در مقابل اهل آنجا کثرت عظیمی داشتند .

دو ن روی دیکلاد سفیر اسپانیا در دربار امیر تیمور که در ۲۵ ذی قعدة سال ۸۱۴ هجری در تهران بوده مینویسد : شهری بسیار بزرگ است و حصار و باروئی ندارد کلیه اشیاء در تهران وجود دارد و هوای آن بسیار صاف و شفاف و لطیف بوده است .

در دوران صفویه که هر موقع **عثمانیها** از باختر و **ازبکان** از شمال خاوری فرصت مییافتند بایران مییافتند ، شاه طهماسب را که از سلاطین بزرگ صفویست و هشتاد سال عمر کرده بر آن داشت که بعد از قزوین فکر پایگاه و تکیه گاه دیگری بیافتد ، و چون **تهران** در معبر خراسان ، گرگان ، مازندران ، آذربایجان بوده بعد از قزوین که پایتخت بود پناهگاه دوم قرار داد .

در سال ۹۶۱ هجری فرمان همایون بساختن برج و بارو برای تهران صادر شد .

نویسنده **زینت المجالس** مینویسد : حضرت پادشاه مغفور (شاه طهماسب) در عمارت تهران کوشید و باروئی دور آن کشید که تقریباً یک فرسخ دور آنست ، این شهر اکنون معمور و آباد و ارتقاعش غله و میوه نیکومیشد .

مؤلف **ریاض السیاحه** مینویسد : در قدیم تهران قصبه بوده و بتدریج تبدیل بعمارت نهاد ، شاه طهماسب بن شاه اسمعیل صفوی در وسعت و عظمت آن کوشید و بر آن حصاری معین کشید . **گریمخان زند** عمارت آن افزود و در اتساع آن سعی نمود ، شهر در زمین دور اتفاق افتاده است و سمت شمالش فی الجمله گرفته و سایر اطرافش گشاده است .

همچنین مؤلف **کتاب روح و ریحان** مینویسد شاه طهماسب که پایتخت و مرکز سلطنت او قزوین بود گاهی برای زیارت مرقد جدش امامزاده حمزه همچنین حضرت عبدالعظیم (ع) در ری میآمد ، و چون **طهران و مهران** که دو قریه در دامنه شمالی کوه شمران شکارگاه خوشی بود برای همین نکته چندین بار در این محل اقامت مینمود . و در نتیجه همین توجه شهریاری بساختن حصار و باروئی برای تهران فرمانداد ، و فی الواقع شالوده آبادانی این شهر بر حسب دستور شاه طهماسب ریخته گردید .

آنچه از نوشته مورخین مفهوم میگردد : اطراف شهر تهران ۱۱۴ بسرج برابر شماره **سوره های قرآن** بدستور شاه طهماسب ساخته شده زیر هر برج سوره آن دفن گردید و اطراف برج باکشی چند آیه ای از همان سوره نوشته شده بوده است .

مجدالدین در دبستان السیاحه میگوید : شهر چهار دروازه داشته فاصله هر یک یک ربع فرسخ بدین شرح : **دروازه حضرت عبدالعظیم** ، **دروازه شمیران** (جلوی پامانار -

نگارنده) دروازه دولاب (بازارچه نایب السلطنه - نگارنده) دروازه قزوین (در حدود میدان شاهپور فعلی - نگارنده) و چون خاک خندتها برای ساختمان برج و بارو کفاف نمیداد از پنج محل (چاله میدان، چاله حصار، گود زنبورکخانه، گود محمدیه و گود قلیخانه که در حدود دروازه قزوین بوده) خاک بر میداشتند .

پس از تکمیل برج و باروی شهر حمام خانم و تکیه مدرسه خانم بدست خواهر شاه طهماسب بنا شده آثار آن هنوز باقیست، مدرسه خانم بدست عساکر افغانی خراب شد و **صاحب دیوان** جای آن حسینیه بنا نمود .

در محل ارك و عمارت گلستان فعلی که آن زمان زمینی بایر بوده بدستود شاه عباس کبیر چهارباغی بنا نهادند که چنارهای عباسی آن تا این اواخر ورد زبانها بود .
در زمان صفویه در ایران شانزده بیگلریگی داشته از آن جمله مقر یکی از آنها تهران بوده و این نشانه اهمیت تهران در آن زمانست که در ردیف استانهای مهم محسوب بوده .

کریمخان زند نیز پس از آنکه قشون محمد حسنخان قاجار را شکست داد و خود اورا کشت در ۱۱۷۲ هـ . ق . در دیوانخانه تهران بتخت سلطنت نشست ، در تابستان ۱۱۷۳ بشمیران رفت و دستور داد در غربت او بنای عمارت سلطنتی و دیوانخانه بزرگ و باغ جنب دیوانخانه و یکدست درمخانه در تهران بنا کنند و اوایل زمستان که این ساختمانها تمام شد کریمخان از شمیران بشهر مراجعت نمود و در نظر داشت تهران را پایتخت خود نماید .

ولی در سال ۱۱۷۶ از توقف در تهران منصرف شد قصد شیراز نمود و فرزندان محمد حسن خان را بقزوین فرستاد .

آغا محمدخان در ۱۶ سالگی پس از وفات کریمخان (۱۳ صفر ۱۱۹۳) با چهارده تن از خویشاوندان خود در بیستم صفر بحضرت عبدالعظیم رسید و ۲۲ صفر که روز عید نوروز بود در حوالی شهر تهران جلوس نمود .

در **تاریخ گیتی گشا** مینویسد : چون هوای بلده تهران بحارات و عقونت مسایل و سمیات وبائی در آن ولایت متعدد و ملتزمین موکب خدیو آفاق اکثر پروردگان هوای ئیلاق و مردم پیشه ولایت عراق سرحدنشین و معیشت ایشان در این سرزمین شاق بود ، بلوکیست موسوم بشمیران متصل ببلده طایفه تهران و چون در دامن کوه واقع و چشمه های آب خوشگوار از آن جاری و مراتعش بغایت بسیاری و هوایش سلامت اقرب و توقف موکب ظفر کوکب در این سرزمین اولی و انساب بود الویة کشورگشائی و اعلام ملک آذانی بجانب بلوک مزبور در حرکت ایام حرارت هوا و هنگام بودن گرما بر ملتزمین اردوی معلی بخوشی و خوشوقتی گذشت ...

چون ایام تموز بانجام و هنگام مدت هوای آتش افروز با ختتام رسید ، ابرمشکین و سحاب عنبرین خیام سنجابی بفضای کوه و شجر کشید . اردوی گردون شکوه از ساحت دشت و کوه بهزم شهرستان مراجعت بسواد تهران نموده ، در عمارات مبارکات که بمعاری سعی و اهتمام این خدیو کیوان مقام صورت انجام یافته بود مشغول بلوازم عیش و نشاط و اقدام بمراسم بهجت و انبساط فرمودند

در جای دیگر مینویسد : در حالتی که خیام عزو شان در سلطانیه و زنجان مرکوب برجیس و کیوان بود ، حکم مقدس جاری و فرمان اقدس بر مزاج ملک ساری شد که عمارتی بجهت خاصه سرکار در بلده طهران پردازند . کارگزاران دیوان عدالت ارکان شروع بسر انجام کار و تدارک

اسباب بسیار کرده، معماران اقلیدس گشا و بنایان کارآزما و نجاران بدایع نگار و نقاشان هیکل نگار از هر گوشه و کنار جمع آورده، شروع باساس این بنای زیبا کرده در اندک روزی این عمارت بهشت رونق، سرکوب سپهر مطلق و غیرت چرخ معلق و رشک طاق کسرا و ایوان خورنق کشته، در دیوان خلد و خرم و مکانهای کشیکچی و خدم بنائی چون باغ ارم آراسته و خانه‌ای چون بیت الصنم با تمام رسید.

... بهار خرم آرایشگر عرصه عالم وزینت بخش بسیط غربا وزینت افرای کوه و صحرا گردید ... دامان کوه و کمر از جوشن سبزه‌های تر، رشک سپهر اخضر و فضای بسیط اغبر از هجویم کلهای عنبر احمر افق خاور شد. هزاران هزار دستا نسرا در صحن گلستان بناوهای دبستان سرود خوان شدند و قمریان خوش الحان، در ساحت روز رخشان، بناله و افغان، نوا سنج و نغمه سرا آمدند، در عمارات عالیات تهران محافل بهشت مشاکل و مجلس مینو شمایل برسمی که سزاوار، و آئینی که شایسته آنخدیو صاحب اقتدار بود صورت انجام پذیرفت ... در آمدت که موکب ظفر- نشان، داور کسری نشان، در طهران انتظام بخش امور پریشان ولایات عراق و توابع آن بود فرصت نموده، بمرور پای جرأت بناوهای بلده تبریز و مراغه و غیره گشوده بود ... نوای نای ساکنان صوامع ملاء اعلی را کر کرد و نعره روئین درای بنیان قصور سپهر والا را از بن بر آورد، و درایات شوکت و شأن فلک سا، و ماهچه اعلام ظفر توأمان از افق شهر تهران، پیش‌خانه کشان همایون از خیام فلک نون بر ربع مسکون گردونهای دیگرگون کشیدند.

در وقایع سال ۱۲۰۵ و مراجعت آقامحمدخان از آذربایجان قفقاز مینگارد: بنا بر صلاح وقت بولایات آنطرف رود ارس نبرداخته، بعد از اول میزان قانون حرکت و نهضت را سازو لوای منصوری را باوج فلک و نوای نای عزیمت را بگوش ملک دمساز و مشقهای زرتار اعلام همایونرا بهزار بادصبا مانند عشاق پرسوز و گداز بناله خیزی و شورانگیزی آغاز و خروش کوس روئین پرده درگوش ساکین اصفهان و حجاز و نعره گورکه آهنین زلزله افکن بنیان طاقت و توان متوطنین نیشابور و شیراز گردید، از راه راست اعنی پنجگانه خمسه و عراق روانه دارالملک تهران شدند.

در وقایع سال ۱۲۲۹ هجری و دستگیری لطفعلیخان زند گوید: امنای دولت آقامحمدخان مصلحت وقت را در آن یافتند که بدون قصوری در اعضاء بهیئت صحیح او را بهمراه اردو بتهران برده باشند. بناء علیه دیده جهان بین او را از حلیه بصرعاری و بفاصله چند روز بصوب طهران روانه ساختند.

«گویند آغا محمد خان درباره لطفعلیخان خیلی نامردی نمود و بدست خود چشمان او را»
«بیرون آورد، اعمال زشتی درباره این شاهزاده جوان و زیبا و خوش اندام ورشید و جوانمرد»
«رواداشت که قلم از بیان آن شرم دارد و زبان از تقریر عاجز و بالاخره او را کشت و گورا و گویا»
«در امامزاده زید باشد. علی التحقیق یکی از دلیران ناکام ایران و قهرمان شجاعت که در تهور»
«و جلادت و رشادت ثانی جلال الدین خوارزمشاه و بزرگتراز منصور آل مظفر است پهلوان زند»
«لطفعلیخان شهسوار ایرانی بوده است».

پس از مراجعت آغامحمدخان اهالی تهران دروازه های تهران را براو بستند و او شهر را محاصره نمود (۱) پس از خونریزی زیاد و فوت سرداران مدافع تهران بتصرف شاه قاجار

۱ - بدو در ۱۱۹۷ غفورخان تهران را تسلیم نمینمود پس از آنکه بر اثر شدت وبا *

درآمد و در نوروز ۱۲۰۰ در تهران بتخت سلطنت نشست و سکه بنامش زدند خطبه بنامش خواندند و از آن موقع تهران رسماً پایتخت شد.

سرسلسله قاجار دستور داد پرده ها و تصاویر و آئینه های عمارت و کیل را از شیراز بتهران آوردند و تالار تخت مرمر را با آنها تزئین نمود همچنین استخوانهای مرده کریمخان را برای بی احترامی در کرباس عمارت معروف بخلوت کریمخانی مدفون نمود که در هر روز از روی آن عبور نماید «هنگامیکه ۱۱۷۲ شیخعلیخان سر محمد حسنخان قاجار پدر آغا محمد خان را برای کریمخان فرستاد کریمخان داد سر را با کلاب شستند و فرستاد در آسترآباد که پهلوی پیکرش دفن نمایند و سه روز عزاکرفت و فاتحه گذارد. عجب تلافی نامردانه ای کرد آغا محمد خان - نگارنده».

بخش سوم - تهران جدید یا پایتخت قاجاریه

بنا بر آنچه گذشت تهران ابتدا قریه ای بوده است از توابع ری که تازمان صفویه شهرتی نداشته و فقط از میوه آن توصیف و از هوای آن مذمت شده. يك نلت این دهستان را خانه های سردابی و دوام آنرا باغها و انهار تشکیل میداد.

در سال ۹۶۱ هجری قمری بامر شاه طهماسب صفوی باروئی بدور آن کشیده شد و سپس کریمخان زند عمارات سلطنتی در آن بنا نهاد و ارك را از سایر قسمتهای شهر مجزا نمود.

و در سال ۱۲۰۰ هجری قمری آغا محمد خان قاجار بعلت نزدیکی باسترآباد و دسترسی بایل قاجار بدو ساری و سپس تهرانرا مقرر سلطنت و پایتخت خود قرارداد و در آن موقع غیر از محله ارك که دارای برج و باروئی بود و اختصاص بسلاطین و امراء و اعیان داشت محلات سنگلج و چاله حصار و چاله میدان در جنوب و باختر آن موجود است. در این سالها مردم آن نزدیک پنجاه هزار نفر بودند، بتدریج جمعیت پایتخت رو بفرزونی گذارد، لذا در سال ۱۲۸۴ هجری که مصادف با سلطنت طولانی ناصرالدین شاه و وزارت میرزا عیسی وزیر بود تهران توسعه پیدا کرد.

* درگذشت ناچار شهر تسلیم شد و چون اردوی شاه در شیران بود و باد آنجا رخنه کرد و اردو را بچشمه علی نقل مکان دادند.

در ۱۱۹۸ علیمرادخان زند با چهل هزار سوار بتهران آمد و اهالی دروازه هادا بروی او باز کردند ولی او بیمار شد و درگذشت و آغا محمد خان در ۱۲۰۹ تهران را تصرف کرد و فتحعلیشاه ولیمهد و حسینقلیخان برادر تنی خود و مسادش مهدعلیا را در تهران گذارد و ارتش را روانه کرjestان نمود.

فتحعلیشاه نیز روز عید فطر ۱۲۱۳ در تهران بر تخت سلطنت جلوس کرد و در سال ۱۲۱۸ **نادر میرزای افشار** را از نواده نادرشاه افشار که در مشهد رضوی تهرود نموده بود دست بسته بتهران آوردند. و فتحعلیشاه دستور داد او را کشتند «گویا در سید ولی دفن است - نگارنده» آغا محمد خان برخلاف فتحعلیشاه (که ایرانرا بر باد داد) خیلی باین مملکت خدمت نمود ولی ذاتاً مرد خبیث و فرومایه ای بود.

گویند هنگامیکه ناصرالدینشاه خواست حدود شهر را توسعه دهد (آهننگام حدود شمالی شهر خیابانهای برق «امیرکبیر» باغشاه «سبه» و حدود باختری خیابان دروازه قزوین «شاهپور» حد خاوری خیابان دروازه دولاب که بعداً خیابان ماشین معروف بود «خیابان ری» و حد جنوبی خیابان اسمعیل بزاز، گذر زعفرانچلی، بازارچه سوسکی، باغهای وزیر نظام «خیابان مولوی» بود) از مرحوم حاج ملاعلی کنی نظریه خواست. ایشان موافقت نکرده و فرموده بودند هنگامیکه پایتخت را توسعه دادی مردم ولایات برای استفاده از نعمت امنیت شهرها را خالی و بتهران هجوم میآورند آنوقت اداره کردن این جمعیت مشکل است و اگر یک بیماری ساری پیداشد جمعیت انبوهی تلف خواهند شد بعلاوه در تأمین خواربار مردم تهران بابت بودن وسیله و بسته شدن راهها مردم بزحمت خواهند افتاد و گرانی میشود و حتماً سایر شهرها رو بخرابی خواهد رفت مگر کاری بکنی که نفوس و جمعیت تهران از راه ازدواج جوانان و توالد و تناسل زیاد شود.

ناصرالدینشاه که تازه از فرنگ آمده بود و نقشه پاریس او را خیره کرده بود مصمم با اجرای نظریه خود بود لذا نقشه توسعه شهر را زیر نظر میرزا عیسی وزیر بموقع اجرا گذارد. حدود شهر بیک سلسله خندق که از نظر دفاعی (با اسلحه های دهن پر آنروز) قابل ملاحظه بود محصور گردید که آثار آن تا سال ۱۳۱۰ باقی بود و محله های دولت، دوشان تپه، دولاب، خراسان، حضرت عبدالعظیم، غار، خانی آباد، گمرک، قزوین، باغشاه و یوسف آباد گردید.

در سال ۱۳۰۹ ه. ق. که بنای دروازه و خندقها پایان پذیرفته بود جمعیت تهران ۱۶۰ هزار نفر بود و تهران ۱۸ هزار خانه داشت. بتدریج در اثر ازدیاد جمعیت و تبدیل باغها به خانه واحداث باغهای جدید محله های قنات آباد، حسن آباد و قاجاریه بوجود آمد و از سال ۱۲۹۷ شمسی نیز در خارج دروازه قزوین محله ای بنام شهرنو بر محلات سابق افزوده گردید که زندهای هرجائی را که چند سالی بود در حدود قاجاریه و خیابان شنی مجتمع شده بودند بآن محل انتقال دادند.

در سال ۱۳۰۱ شمسی از طرف بلدیة تهران سرشماری شد، جمعیت تهران ۲۱۰ هزار نفر و عودلاجان پر جمعیت ترین محلات شهر را تشکیل داده بود.

پیشه و ران تهران در عصر ناصرالدین شاه

در سال ۱۲۳۲ ه. ق. پیشه و ران تهران بشرح زیر بودند:

چلینگر ۲۶، صباغ ۳۶، جوراب باف ۱۱، خراط ۲۴، لحافدوز ۶۱، نم مال ۵، لواف ۲۶، کیوه فروش ۲۵، کلاه مال ۱۲۱، طبایخ ۱۵۶، قهوهچی ۵۶۱، سراج ۱۸، دوخته فروش ۳۴، زرگر ۹۳، کله بز ۴۷، بقال ۸۵۷، علاقه بند ۱۸۹، صراف ۶۰، بزاز دوره گرد ۶۱، تنباکوفروش ۳۰۰، نفت فروش ۴۵۶، عطاردوز ۶۸۲، خیاط ۱۶۰، کلاهدوز ۶۲، آجیل فروش ۴۵، حلوائی ۱۶، ارسی دوز ۱۵۷، بزاز مسلمان و کلیمی ۱۸۱ دکان (اینک مهانخانه و مسافرخانه ۱۳۰، کافه قنادی و رستوران ۴۵۰، قهوه خانه ۲۰۰۰، طبایخی ۳۵۲، کله بزی ۱۱۶، مشروب فروش ۲۲۴، اغذیه فروش ۱۴۰ مغازه است) بوده است.

بخش چهارم - جغرافیای تهران

حدود طبیعی - شهرستان تهران از شمال محدود است : برشته کوه‌های البرز از جنوب بقم و کویر از خاور بدماوند و ایوانکی از باختر بیلوکات قزوین و ساوه ارتفاع آن از سطح دریا ۱۱۳۷ متر درازای آن از خاور بباختر ۲۶۰ کیلومتر پهنای آن از شمال بجنوب ۱۲۰ کیلومتر مساحت آن ۲۱ هزار کیلومتر مربع .

جمعیت شهر تهران - در حدود یک میلیون صد هزار نفر .
تهران از نظر طبیعی بدو منطقه تقسیم میشود :

قسمت کوهستانی - از سرچشمه رودهای حبله رود و جاجرود و کرج شروع شده و بجلگه تهران ختم میشود .

قسمت جلگه - این جلگه از ته نشست رودها و سیلابهای کوهستانی تشکیل یافته و قسمت عمده اراضی جنوب و جنوب خاوری و باختری شهرستانرا تشکیل میدهد .

آب و هوا - آب و هوای این مناطق بر حسب وضع جغرافیائی قسمتی سردسیر است و قسمتی معتدل مایل بگرمی .

قسمت کوهستانی دارای هوای خنک و لطیف بیلاقی ، دامنه‌های البرز معتدل و مطبوع است در این بخش چون بارندگی بیشتر بوده و مقدار برف آن در بعضی قسمتها زیاد است زمستان آن سرد و تابستانها معتدل است .

بخش جلگه را از نظر آب و هوا میتوان بدو قسمت بخش نمود: ناحیه شمالی آن که در دامنه کوهها واقع است دارای آب و هوای معتدل میباشد و تا حدی از بارانهای کوهستان بهره‌مند میشود بخش جنوبی بکلی خشک و باران آن کم و فقط از آبهای رودها استفاده میکند هوای این قسمت گرم است ولی نه چندانکه موزی و مزاحم ساکنین آن باشد .

رشته مرتفع و مطول البرز موقعیت تهران را از منطقه شمالی کیلان و مازندران متمایز ساخته .

معايير مهم آن عبارتست از جاده تهران - فیروزکوه - شاهی - ساری و جاده شمشک - آمل همچنین جاده مخصوص که تهران را از طریق کرج بچالوس و سواحل دریای خزر متصل میسازد .

راههای مارو دیگر از گردنه افجه وش (بین لواسان - لار) گردنه خرسنگ (بین رودبار - لار) گردنه آهار (بین رودبار - شهرستانک) گردنه توچال (بین شهرستان - تهران) گردنه کوچک (بین لواسان - تهران) نیز موجود است که محل استفاده کاروانها و قوافل خواربار و زغال و مرکبات میباشد .

دهستان مزارع سرسبز و حاصلخیز تهران بعلت وجود آب در دامنه‌های شمالی و گوشه خاوری و باختری کوهستان واقعست ولی چون قسمت جلگه کم آب است، آبادی و مزارع آن از هم دورند، برای پیوستگی دهات مالکین با کمک وزارت کشاورزی دست با اقداماتی زده اند که دامنه آبیاری و بکار بردن وسایل فنی روز بروز توسعه مییابد .

رودخانه ها - معروفترین رودخانه هائیکه از کوهستان شمالی سرچشمه گرفته و بجلگه تهران سرازیر میشوند عبارتند از :

جاجرود ، کرج ، حبله رود .

رودخانه های **ابهر رود ، گردان** و قسمت مهم آب کرج اراضی ساوجبلاغ و شهریار و غار را مشروب میسازد .

کوهها - در منطقه جلگه کوههای منفرد و کم ارتفاعی دیده میشوند مانند **کوه قره کج ، نمک و سه کوهه درخاور ، کوه بی بی شهر بانو و کوه سه پایه** در مرکز **کوه القاد** و **کوه نمک** در باختر و **کوههای حسن آباد** در جنوب که تا کویر امتداد پیدا میکنند .

بخش پنجم = تقسیمات سیاسی تهران

تهران بنا بر وضع زمان واقتضای روز با موقعیتهای سیاسی گاهی شهرستان و دارای فرماندار بوده است و زمانی استان و استاندار داشته است .

موقعیکه شهرستان بوده و فرماندار داشته است بیخشهای زیر قسمت میشد :

- ۱- **بخش ری** که مرکز آن **شهر ری** و دهستانهای **غار ، فشابویه** تابع آنست .
 - ۲- **بخش ورامین** که مرکز آن ورامین و دهستانهای **بهنام وسط ، بهنام عرب ، بهنام پازوکی ، بهنام سوخته** تابع آن بخش بوده است .
 - ۳- **بخش شمیران** که مرکز آن **تجریش** و کلیه **شمیران** تابع آنست .
 - ۴- **بخش افجه** که مرکز آن **نچار کلا** و دهستانهای **لواسان بزرگ ، لواسان کوچک ، رودبار قصران** تابع آنست .
 - ۵- **بخش کن** که مرکز آن **کن** و دهستانهای **کن** تابع آنست .
 - ۶- **بخش شهریار** که مرکز آن **علیشاه عوض** و دهستانهای **شهریار** تابع آنست .
 - ۷- **بخش کرج** که مرکز آن **کرج** و دهستانهای **حومه ، ارنگه ، لورا و شهرستانک ، برغان ، فشنند ، ساوجبلاغ ، اشتهارد** تابع آنست .
 - ۸- **بخش طالقان** که مرکز آن **شهرک** و دهستانهای **تابع آن عبارتند از بالا طالقان ، وسط طالقان ، پائین طالقان** .
- درآینده بشرح هر یک از بخشها و دهستانهای مهم خواهیم پرداخت ولی هرگاه تهران از صورت شهرستان خارج و به استان تبدیل گردیده بشهرستانهای زیر تقسیم شده :

سازمان اداری استان مرکزی (تهران)

نام شهرستان	نام بخش	مرکز بخش	نام دهستان
تهران	۸ بخش		شرح آن گذشت
قزوین	مرکزی آبیک معلم کلابه ضیاء آباد آوج بوئین	قزوین آبیک معلم کلابه ضیاء آباد آوج بوئین	کوهپایه - حومه فشکل دره - کوهپایه - بشاریات رودبار - الموت قافازان - دودانگه خرقان غربی - خرقان خاوری - افشاریه زهرا - دشتابی - رامند
دماوند	مرکزی فیروزکوه کرمسار ایوانکی	دماوند فیروزکوه کرمسار ایوانکی	حومه - تاررود - جمع آب رود - سیاهرود حومه - قزقانچای - افترو پشت کوه - حبله رود قشلاق بزرگ - ریگان - یاطری - ارادان ایوانکی
قم	مرکزی دستجرد کهنک	قم دستجرد کهنک	حومه - قم رود - قنوت - اراضی نیزار حومه - طفرود - راهجرد - مرداب قهستان
ساوه	مرکزی نوبران جعفر آباد خرقان	ساوه نوبران جعفر آباد رازقان	حومه - فرقان مزدقان - بیات - کوهپایه - رزقچای جعفر آباد خرقان ساوه
محلات	مرکزی خمین دلیجان	محلات خمین دلیجان	حومه - پشت گدار رستاق - کله زن - دالائی - خمیرلو حومه - نراق - جاسب

مختصات جغرافیای شهر تهران

شهر تهران از شمال و شمال‌خاوری بدهستان شمیران، از باختر بدهستان کن از خاور بکوه‌های سرخ‌حصار و سه پایه و مسگر آباد، از جنوب بدهستان غار محدود است. طول شرقی آن ۹-۲۵۲-۵۱ در کرنیویچ، و از جزایر خالادات که مبدأ طول قدما بود ۱۹-۳-۶۸ و عرض شمالی ۸۳-۱۶-۴۳ از خط استوا سمت شمال است. این شهر در دامنه کوهستان البرز واقعست و دونوک قله توجال ببلندی ۳۸۴۰ و ۴۱۰۰ متر بر آن مشرف میباشد.

استخری و ابن حوقل و مسعودی تهران را قریه کوچکی از شهرستان ری دانسته و مشهور است که در سال ۵۶۱ ه. ق. موقمیکه مادر **ارسلان سلجوقی** عازم نخجوان بوده در **دولاب** تهران توقف نموده است. و نیز نوشته‌اند: تهران دارای خانه‌های پست زیرزمینی و باغهای میوه زیاد است.

مهیچم البلدان چنین مینویسد: تهران به کسر اول و سکون ثانی و بارسیان آنرا تهران گویند، از قراء ری و میان آن و ری تقریباً یک فرسنگ فاصله است.

دوستی از اهل ری مرا حکایت کرد که تهران قریه بزرگ‌ست که خانه‌های آن زیرزمین ساخته شده و راه ورود خارجیان بآنجا جز باراده و میل صاحبان آنها ممکن نیست. اهالی تهران بارها بسلطان عصیان کرده و سلطان چاره‌ای جز مدارا بآنها نداشته است و بدوازه محل تقسیم میشود که هر حمله آماده‌جنک باهمسایه میباشد و اهالی یکی بمحله دیگری وارد نمیشوند، اطراف تهران را باغهای زیاد فراگرفته زراعت آنها بواسطه گاو آهن انجام نمیکرد، بلکه تدریجی و آن از بیم آنستکه دواب آنها را همسایگان بچپاول بیرند.

بطوریکه گفته شد تهران سابقاً اهمیتی نداشته شاه طهماسب دور آن دیواری کشید شاه عباس چهارباغی در آن بنا نهاد که همان مبنای ارك سلطنتی شد و لسی چون آب و هوای تهران او را بیمار کرد از طرفی عبدالؤمن خان از يك بخراسان حمله نمود و مشهد را قبضه کرد شاه عباس بسرعت تهران را ترك کرد.

هنگام هجوم افغانه تهرانیها در برابر آنها رشیدانه جنگیدند. هنگامیکه اشرف افغان از نادرشاه در مهماندوست شکست خورد افغانهای مقیم تهران غفالتاً شمشیر بروی مردم ناآگاه کشیده پس از قتل و غارت باصفهان فرار کردند بعد طهماسب میرزا بسر شاه سلطان حسین بتهران آمد.

در سنه ۱۱۵۴ که نادرشاه از جنک هندوستان و ترکستان برگشته بود رضاقلی میرزا فرزند برومند خود را که مورد سوء ظن و بیمه‌ری او واقع شده بود در تهران کور کرد و حکومت تهران را باو واگذار نمود ولی آن شاهزاده رشید در تهران مرد و بگور رفت (مورخین در این قسمت اختلاف عقیده دارند - نگارنده).

در سال ۱۱۷۲ کریمخان زند قصد داشت تهران را پایتخت خویش بسازد و عماراتی بسبک ساسانی که دارای دیوانخانه و پاسدارخانه بود بساخت.

در سال ۱۲۰۰ آغا محمد خان تهران را پایتخت خود ساخت در آن هنگام غیر از محله ارك که دارای برج و باروئی بود و اختصاص بسلاطین و امرا و اعیان داشت سنگلج ، چاله حصار (۱) ، چاله میدان در جنوب و جنوب باختری قلعه ارك وجود داشت .

جمعیت تهران در سال ۱۱۷۵ بامحسوب داشتن نظامیان ۱۵ هزار نفر تخمین شده .

سراولپور انگلیسی که هنگام مرگ آغامحمدخان در تهران بوده (۱۲۱۲) مساحت شهر را در حدود دو میل و جمعیتش را در حدود پانزده هزار نفر نوشته است .

ژنرال گاردان که در سال ۱۲۲۲ هنگام سلطنت فتحعلیشاه در تهران بوده جمعیت تهران را بینجاه هزار نفر تخمین زده است .

موریه انگلیسی که چند سال بعد بتهران آمده جمعیت تهران را شصت هزار نفر نوشته است .

در زمان فتحعلیشاه ابنیه دیگری در ارك ساخته شد در سال ۱۳۲۳ هجری قمری وسعت شهر به هشت هزار کیلومتر مربع رسید و دارای شش دروازه شد ، در جنوب ارك میدانی بنام «میدان شاه» احداث شد ، مسجد شاه در سال ۱۲۲۴ ه . ق . ساخته شد .

جهانگردان آن عصر که تهران را دیده اند مساحت آنرا پنج میل مربع و جمعیت شهر را شصت هزار یا در حدود هشتاد هزار نفر میدانند که نظامیها و درباریها قسمت اعظم آنرا تشکیل میدادند . دورتادور شهر يك دیوار بلندی کشیده شده بود که بلندی آن هفت متر و فاصله های غیرمعین در میان دیوارها برجهای کلفتی از گل برپا بود که در قسمت خارجی حصار و برجها خندقی کنده شده بود « بازار کنار خندق روبروی شمس العماره تاجلوی مسجد شاه تا سال ۱۳۱۰ باقی بود » .

توسعه شهر و ازدیاد جمعیت آن تا سال ۱۲۵۳ ادامه داشت و توسعه زیاد بجائی رسید که بر حسب ضرورت دیوارها و خندق کهنه را خراب و پر کردند .

۱ - چاله حصار - بین گلوبندک و درخونگاه تکیه و مدرسه ای در آنجا بنا شده میرزا آقا خان نوری صدراعظم ناصرالدینشاه قسمت شمالی آنرا تعمیر نمود .

هرآت البلدان در صفحه ۷۳ جلد چهارم کتاب خود مینویسد : در محله سنگلج تهران در نزدیکی خانه میرزا یوسف مستوفی الممالک معروف به « آقا » بوده است .

چاله حصار از قدیم ایام کودالی بود و فضای زیادی موسوم باین اسم که تا شش سال قبل روز عاشورا و دهم محرم هر ساله اجتماع و ازدحام غریبی از اهالی تهران آنجا میشد و در زیر هوا غالباً شبیه مقدمه کربلا و تفصیل حادثه غم انگیز روز عاشورا را در میآوردند و جز آن روز سایر ایام و اوقات از نقاط بسیار کیف و جای هر گونه کثافات بود . آقای مستوفی الممالک ثواب بزرگ و عمل خیر کثیر را در این محوطه را نرده چوبی با ستونهای آجری نصب نمود و محوطه میان را باغ عمومی ساخته حالا یکی از نقاط بسیار باصفای شهر میباشد و محل تفرج عامه است و هوای سنگلج که غالباً بواسطه این محل متعفن بود بسیار سالم و لطیف شده است ، يك كوچه از محله سنگلج تهران هم بچاله حصار موسوم است - انتهى .»

گود زنبورکخانه و گود دروازه محمدیه و گود فیلخانه در دروازه قزوین جاهائی بوده که برای حصار دور شهر از آنجاها خاک برداری شد .

کوچه های شهر باریک، کثیف، تاریک و یگانه عمارت مهم شهر ارکی بود که دیوار آن بامشاه طهماسب اول شروع شد و کریمخان زند آنرا تکمیل و در داخل آن عمارت سلطنتی ساخت، آغامحمدخان و فتحعلیشاه عماراتی بر آن افزودند و ناصرالدینشاه دروازه های زیبایی درشش طرف آن بنا نهاد «دروازه های باب همایون، دراندرون، جلیل آباد، کشیکخانه، شمس العماره، ارک و تکیه دولت».

درشش کیلومتری شمال شهر روی تپه خشک و بی آب و علفی فتحعلیشاه یک عمارت ییلاقی بنام قصر قاجار ساخت که از هرگونه صنایع ظریفه و زیبایی معماری و خواص دیگری بهره بود. جمعیت شهر در زمان محمد شاه رو به فزونی گذارد و لسی برای توسعه شهر اقدام اساسی بعمل نیامد.

درسال ۱۲۸۴ هجری قمری شهر بزرگ شد و دوران خندق منظمی کشیده شد و ضمن این توسعه باغهای لاله زار، نگارستان، بهارستان، باغ سپهسالار و غیره جزو شهر شد و برزندهای جدید بنام حسن آباد، قنات آباد، قاجاریه نام گذاری شد.

درسال ۱۳۰۹ ه. ق. بنای دروازه ها و خندق دور شهر پایان یافت، در این تاریخ که چند سالی بیابان سلطنت ناصرالدینشاه باقی بود (ناصرالدین شاه درسال ۱۳۱۳ ه. ق. درحرم حضرت عبدالعظیم با کلوله میرزا رضای کرمانی کشته شد) جمعیت تهران در این موقع ۱۶۰ هزار نفر بوده و هیجده هزار خانه داشت. قسمتی از زمینهای زراعتی و باغهای داخل شهر تبدیل بساختمان و عمارت گردید «منجمله مسجد سپهسالار».

دروازه های تهران هر یک دارای شش یا چهار گلدسته بود و کاشی کاری بسیار زیبایی روی آنها شده بود، تزیینات هر دروازه شکل خاصی داشت مثلا نمای دروازه دولت از خارج نقش رستم و سهراب را داشت. در محوطه داخلی هر دروازه زمینی بوسعت یک جریب برای فرود آمدن و توقف کلاوانها جهت بازرسی بود که اطراف آن بوسیله طاق نماها و چند اطاق و آب انبار محدود شده بود. در ماه رمضان در چهار دروازه توپها هنگام افطار و سحر اعلام مینمودند.

لرد گرون در کتاب جهانگردی در ایران مینویسد: «اول چیزی که پس از مشاهده نقش رستم و دروازه تهران توجه مرا جلب کرد، باسبانهها و قراولان دروازه ها بود که بلباس رسمی در دالان پایتخت قبله عالم کشیک میدادند و همینکه از دروازه وارد شهر شدم مثل این بود که دوباره از شهر بیرون رفته و در صحرا افتاده ام زیرا از خانه و آبادی و بازار و جمعیت تا مدت مدیدی خبری نبود».

بایه شهر تهران را خیلی عالی برداشته اند، از اینرو پایتخت هم مانند خود کشور خیلی وسیع و در عین حال کم جمعیت میباشد، بالاخره پس از طی مسافت بسیاری با آبادی رسیدم. صدای زنگ و اکن اسبی بگوشم خورد عمایه های رنگارنگ، کلاههای پوستی، زنهای سیاه پوش تک و تک کلاه فرنگی، خانه های گلی، دیوارهای بلند، حر مسراها و درشکه نقاشی درهم برهمی را مجسم میساخت».

مرکز شهر تهران میدان توپخانه بوده است «میدان سپه فعلی» در قسمت شمال و جنوب آن چندین اطاق کوچک یک اشکوبه و دواشکوبه ساخته شده بود که منزل سربازان توپچی و انبار اسلحه و مهمات آنها بود، در قسمت خاوری آن بانک شاهنشاهی (انگلیس)، قسمت باختری آنهم دیوار قورخانه، پاسدارخانه و چند اطاق دیگر ساخته شده بود.

دروسط میدان يك حوض آب و چندین توپ دهن پر دیده میشد. آزمان روزهای عید قربان شتری از شترخانه سلطنتی در اختیار رؤسای صنف کله بز، آشپز، قصاب، پالاندوز و غیره میگذازدند و چند روز پیش از عید آن شتر را بزک کرده و شالهای رنگارنگ بسرو کردن آن میآویختند رؤسای صنف هم هر يك طاق شالی بگردن و براسترهای بزک کرده سوار شده چند نفر سوراچی نیز در معیت آنها اطراف ارك میگشتند و مردم را برای تماشای روز عید دعوت مینمودند. در روز عید یکی از بستگان سلطنتی که نیم تنه اطلس سه رنگ برتن داشت نیزه بدست جلوی این قافله بیدان وارد میشد نزدیک ظهر نیزه را بشتر حواله میکرد بلافاصله آن حیوان فلک زده قطعه قطعه میشد که گوشت کردن او را باندرون سلطنتی برده و برای اعیان و رجال قطعه ای از آن گوشت فرستاده میشد که از آن بخورند تا موجب طول عمرشان بشود.

خیابان بندی شهر تهران از آن تاریخ تا اوایل سلطنت پهلوی بشرح زیر بود: میدان توپخانه دارای شش دروازه بود که بخش خیابان بازمیشد جنوب باختری دروازه ای بود که بخیبان باب همایون (دالان بهشت یا در الماسیه) باز میشد این خیابان مصفا که اطراف آنرا چنارها و نارونهای بیوندی کهن گرفته بود تا جلوی درب اندرون (وزارت دارائی فعلی) ادامه داشت از آنجا بسمت راست و چپ بخیبان جلیل آباد (خیام) و ناصریه (ناصر خسرو) میرفت. وضع خیابانهای ارك بازمان فعلی تغییری نکرده مگر ساختمانهای سلطنتی و سربازخانه های کارد نصرت و کارد اقدس و مدرسه نظام خراب شده و بجای آن وزارت بهداشتی و دادگستری ساخته شد.

محوطه فعلی جلوی وزارت کشور و مرزبانی و استانداری سابق میدانی بود (بنام ارك یا میدان شاه) در وسط آن حوض بزرگ کردی بود که سربازها در آن شنا میکردند و توپ مروارید هم (فعلا در باشگاه افسرانست) که میگفتند نادر شاه آنرا از هندوستان آورد و جمعی عقیده داشتند از توپهای ساحلی پرتقالیها بوده که شاه عباس بغنیمت باصفهان آورده و فتحعلیشاه آنرا بتهران انتقال دادند. این توپ در قسمت جنوبی استخر روی بلندی قرار داشت که روز ۲۷ ماه رمضان قسمت اعظم زنها و دخترهای تهران و اطراف تهران برای بخت کشائی باشوهر کردن یا بچه دار شدن در این محوطه اجتماع کرده و بادادن يك بول (نیم شاهی) بسربازان محافظ بآن دخیل می بستند، جیره و حقوق پاسداران نگهبان یا بعبارت دیگر متولیهای آن توپ مقدس منحصر بحق الزحمه ای بود که از زوارهای باایمان توپ مقدس دریافت میداشتند. مجازات محکومین بساعدام در این میدان (گاهی در حضور شاه) بعمل میآمد که مجرمین را شکم پاره کرده یا سر میبردند.

رو برو کمی در سمت چپ این میدان سبزه هیدان واقع شده که چند درخت سرسبز و چند حوض و قهوه خانه آنرا مصفا نموده بود و کسانبراکه باید شلاق بخورند یا دست و گوش و بینی ببرند گاهی در همین میدان انجام میشد.

بین این میدان و میدان ارك خیابان جباخانه (بازار مرغیها و گلوبندک در پشت و دیوار جنوبی این خیابان بود) واقع شده که اطراف آنرا اسلحه سازها (شمشیر ساز، قه ساز، تفنگ ساز و غیره) براق بانها فرا گرفته اند و پشت آن و خیام خانه سلطنتی و دوساق خانه (محل زندانیهای مهم) بود. در بالای دروازه ارك نقاره خانه بود که هنگام طلوع و غروب آفتاب و ماه رمضان سحرها و نیز روزهای سلام موقعیکه شاه بتخت می نشست بنوازش در میآمد.

خیابان جباخانه در گلوبندک پایان مییافت.

در جنوب خاوری میدان توپخانه دروازه دیگری بود که بخیا بان ناصریه باز میشد که همین میدان ناصر خسرو فعلی است که کشاد شده است .

در خاور میدان توپخانه دروازه دیگری بود که بخیا بان برق (امیر کبیر) فعلی باز میشد و این خیا بان هم تغییری جز توسعه نکرده است .

در شمال خاوری میدان توپخانه دروازه دیگری بود که بخیا بان لاله زار باز میشد و در شمال باختری آن دروازه آیکه بخیا بان علاءالدوله (فردوسی) باز میشد و این دو خیا بان تا خیا بان اسلامبول امتداد داشتند .

در کوچه باختری آن میدان دروازه ای بود که بخیا بان باغشاه (سپه) باز میشد و از چهارراه حسن آباد چهار خیا بان میشد خیا بان دروازه قزوین یا فرمانفرما (شاهپور) خیا بان یوسف آباد (شاهپور شمالی) .

خیا بان جلیل آباد (قرینه ناصریه) در حاشیه باختری ارك ساخته شده بود . بقیه خیا بانها تدریجاً ساخته شده بود که واگن اسبی از کنار یا میان آنها عبور میکرد .

اداره و محل واگنهای اسبی در خیا بان فیلخانه یا لغتی (اکباتان) در محل فعلی شرکت کل تلفن بود . خط آهن در حدود هفت کیلومتر در خیا بانهای لاله زار ، باغشاه ، دروازه قزوین ، ناصریه ، برق ، ماشین و اخیراً تاجلوی باغشاه کشیده شده بود که یکی از روزهای سال ۱۳۰۹ شمسی بفرمان پهلوی فقید برچیده شد . سازمان این بنگاه عبارت بود از ۳ واگن و ۱۵۰ اسب روسی ، شصت راننده ، بلیط فروش و ممیز .

محوطه بین خیا بانهای مارشال استالین ، فردوسی، سوم اسفند و سپه بوسیله دیوار کلی مسدود و در جنوب خاوری آن در بزرگی داشت بنام میدان مشق و در اختیار قراقخانه بود و ژاندارمها یا سربازهای ایران بدون اجازه حق نداشتند در آن میدان بآموزش نظامی بپردازند . اطراف خیا بانهای شاهپور و ری و باغشاه اغلب زمینهای زراعتی بود .

عمارات سلطنتی داخل ارك عبارت بودند از :

- ۱ - عمارت و باغ تخت مرمر .
- ۲ - عمارت موزه که بامر ناصرالدین شاه ساخته شده شمشیرهای مرصع امیر تیمور گورکان شاه اسمعیل و شاه عباس و تاجهای سلاطین صفوی ، تاج کیانی ، کوه نور، دریای نور، کره جهان نمای مرصع ، تخت مرصع و تخت طاوس و مقدار زیادی اشیاء عتیقه ذقیمت و جواهرات تراشیده و تراشیده پیاده شده و ظروف طلای و ... در این عمارت جا داده شده بود که بعداً جواهرات آن برای پشتوانه بیبانک ملی انتقال داده شد .
- ۳ - عمارت شمس الماره که بامر ناصرالدین شاه ساخته شده بود .
- ۴ - عمارت خوابگاه .
- ۵ - تکیه دولت که شبیه بعمارت ایرت هال لندن بود سقف آن از میله های آهن بشکل گنبد و در وسط آن محوطه صفحه بزرگ برای شبیه خوانی و تمزیه و اطراف آن غرفه هائی بود که هر یک از رجال هنگام عزاداری آئین می بستند این غرفه ها دو اشکوبه بود و پائین آن پله کانهای مطول و متعدد برای تماشاچی ها ساخته شده بود چند غرفه هم مخصوص شاه و خاندان سلطنتی بود .

عمارات سلطنتی خارج شهر عبارت بود از :

۱ - باغشاه که باغ بزرگ کروی بشعاع ۵۰۰ متر بود در وسط آن استخری بود که در وسط آن جزیره و روی جزیره مجسمه ناصرالدین شاه در حالیکه سوار اسب بود نصب شده بود. قسمت شمال باغ ساختمان مختصری بود که محمدعلیشاه هنگامیکه بامجلس و مشروطه طلبان اختلاف پیدا کرد بآن محل تغییر مکان نمود و مرحوم ملک المتکلمین و جهانگیرخان صوراسرافیل را در همانجا طناب انداخت .

اطراف این باغ با سب دوانی های رسمی اختصاص داشت .

۲ - عمارت دوشان تپه که مظفرالدین شاه با هزینه میالغ کزاف دستگاهی از خارجه وارد کرده بود که مانند تلمبه آب از سطح زمین بیالای تپه انتقال میداد و در زمین مسطح مختصری سبزی میکاشتند .

۳ - عمارت قصر قاجار بود که بامرتحلشاه ساخته شده و فعلا اثر از آن نیست .

۴ - عمارت فرح آباد .

۵ - عمارت سلطنت آباد که فعلا کارخانه مهمات سازی می باشد .

۶ - عمارت ضرابخانه .

۷ - عمارت صاحبقرانیه در نیاوران .

۸ - عمارت منظریه .

۹ - عمارت شهرستانک که شکارگاه ناصرالدین شاه بود .

۱۰ - عمارت سرخ حصار که آش همدرجوش در آنجا پخته میشد و این آش مخصوص ، محتوی کلیه حبوبات و سبزیها بود .

۱۱ - عمارت جاجرد که شکارگاه ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه بود .

اشیاء نفیس و جواهرات سلطنتی

لرد گرن در کتاب خود مینویسد : ناصرالدین شاه در سال ۱۸۷۳ میلادی برابر ۱۲۹۰ هجری از فرنگستان بازگشت بفرساختن موزه افتاد و با ذوق و سلیقه شرقی انباری برای جادادن چیزهای گرانبها بنا نمود که بیشتر بمغاره علاءالدین کتاب الف لیله شباهت دارد. مثلا در عین حال که گرانبها ترین گوهرهای شرقی را در یکی از زوایای این موزه می بینید فوری همانجا پهلوی آن تکه جواهر یک مسواک کوچک یقیند و قیمتی را خواهید دید که بیش از دوسه قران ارزش ندارد ، کله حیوانا تیکه شاه شکار کرده ، آلات عادی موسیقی کلاسویس ، ظرفهای چینی ، عکسهای رنگین مجله های انگلیسی و بسیاری چیزهای دیگر بدون رعایت هیچ نظم و ترتیبی با صدها اشیا گرانبها قاطی باطی شده است . بهر حال در اطراف اتاق جمعه آئینه های عالی کار گذاشته و پشت آنها خرمن خرمن جواهرات بیاله ، تراشیده و نتراشیده رویهم توده شده است ، در میان این جمعه آئینه ها ، جمعه آئینه مروارید غلغلان چشم بیننده را خیره میکند ، شمشیر امیر تیمور ، شمشیر شاه اسمعیل ، شمشیر آقا محمد خان ، زره شاه عباس که بطرز شگفتی بجواهر نفیسه مرصع هستند از نفایس عمده این موضع است . تاجهای صفویه ، تاج فتحعلیشاه ، چپقه محمد شاه ، تاج سلام نوروز ، قلیانهای جواهر نشان ، خنجرهای مرصع ، ظروف بسیار زیبای طلا و نقره بانگین های بسیار عالی ، سردوشی های الماس ، انقیه دانه های مرصع ، تابلوهای نقاشی ، کاشیهای

معرق که ازهرجواهری زیباتر است و بسیاری از شاهکارهای نفیس ساخته دست طبیعت و انسان در زیر سقف این بنای محقر ریخته است و اینک قبل از بیرون آمدن از موزه لازم میدانم پاره‌ای از نقایس بی نظیر این موزه را به تفصیل بشمارم :

اول - کره جواهر ، این کره را بامر ناصرالدینشاه ساخته اند ، خود کره از زرناب است و ۷۵ پوند وزن دارد ۵۱۳۶۶ تکه جواهرهای گوناگون بوزن ۳۶۵۶ گرم در ساختن آن بکار برده اند که تخمیناً یک میلیون لیره میارزد . بقدری سنگهای قیمتی آن درخشنده است که چشم را میزند و پیدا کردن اماکن جغرافیایی را مشکل میسازد . در این کره مرصع دریا از زمرد ، افریقا از یاقوت سرخ ، هندوستان از یاقوت کبود ، ایران از فیروزه ، انگلستان و فرانسه از الماس طرح شده .

دوم - سه قطعه جواهر گرانبهای بی مانند یکی الماس مشهور بدریای نور برادر کوه نور که هردو جزو جواهرهای محمد شاه هندی بوده و بدست نادرشاه افشار افتادند ، همینکه نادرشاه کشته شد احمد شاه دورانی که جزء ملازمین نادر بود کوه نور را ربوده و بافغانستان گریخت و در آنجا کوه نور بدست شاه شجاع افتاد و طولی نکشید که (رونجت سدارسینک RONJFT - SEDAR - SYNG) هندی مشهور به شیر پنجاب کوه نور را از شاه شجاع گرفته و بهند آورد ، سپس بخاندان سلطنتی انگلستان انتقال یافت و اکنون در آنجا میباشد ، اما دریای نور که ۱۸۶ قیراط وزن دارد قریب دوست هزار لیره میارزد و در نتیجه خود پسندی و نادانی فتحعلیشاه بهای آن بصد هزار لیره تنزل یافت باین قسم که فتحعلیشاه برای جاویدان کردن خود خواهی خویش دستور داد نامش را روی دریای نور کنده کاری نمایند ، در نتیجه اینکار آن گوهر بی مثل و مانند را معیوب ساخت ، دیگر از جواهرهای قابل ذکر یک تکه یاقوت درشت تراشیده متعلق به «اورنگ زیب» است که اکنون روی تاج کیانی نصب کرده اند و بالاخره انگشتت بر ایان زیبایی است که ژرژ چهارم پادشاه انگلیس برای فتحعلیشاه فرستاده بود .

سوم - تخت یاصندلی مرصع پر قیمتی است که بالای اتاق موزه افتاده و در باره ای اعیاد رسمی شاه روی آن می نشینند و یاقوتها و زمردهای عالی در آن بکار برده اند .

چهارم - مجموعه عکسهای خاندان سلطنتی انگلستان که در سال ۱۸۷۳ بناصرالدینشاه اهدا کرده بودند و بانگین های ممتاز نفیس قابهای آنرا تزئین نموده اند ، دست کارهای عجاج تابلوهای استادان نقاشی ایران ، مخصوصاً تابلوهای استاد بزرگ ابوالحسن خان غفاری ملقب به صنیع الملک ، منبت کارها و چیزهای دیگر این موزه هر یک درخور قلمفرسائی بسیار میباشد و از قراریکه بن گفتند علاوه بر این اثباتها زیر زمین دیگری بنام خزانه در همان عمارت سلطنتی موجود است که محتویات آن از حیت گرانبهائی دست کمی از اشیاء موزه ندارد در هر حال بسیار متأسف شدم که چگونه ملت ایران در نهایت عسرت و بدبختی بسر میبرد و از نعمت بهداشت و فرهنگ و تمدن محروم مانده و این گنجهای گرانبهائ بدون هیچگونه مصرف در این پستوها بخاک رفته است ، ایکاش پیش از آنکه یک پادشاه طمعکار شرقی یا یک فاتح شمالی بر این ذخیره های سنگین قیمت دست یابد بهای آنرا صرف ساختن راهها ، آباد کردن شهرها ، حاصلخیز کردن زمینها ، آبیاری دشت ها و بستن سدها بکنند و این ملت باهوش را که در اثر جهالت اینگونه تیره روز کشته از نو زنده سازند .

تخت طاوس - دیگر از بناهای قابل ذکر عمارت سلطنتی اتاق شوری است که بواسطه تخت طاوس نه بواسطه انجمن شوری اهمیت بسیاری دارد . درباره تخت طاوس واصل و منشاء

آن چیزهای زیاد گفته‌اند و نوشته‌اند: ابتدا تخت طاوس گنونی اطلس شورنی را شرح داده و سپس عقاید دیگران را درباره آن بگویم. تخت طاوس تهرانی باصطلاح غریبان صنفه یا سگوبیست که هفت پایه مرصع دارد، روی تخت را از برکهای طلا پوشانده‌اند، بالای دوپله تخت دو سمندر ساخته‌اند، لبه‌های تخت کنده کاری شده و پاره‌ای اشعار فارسی نگاشته‌اند، پشت تخت هم جواهرکاریست و در وسط آن درجائیکه تکیه میدهند ستاره جواهر نشان متحرکی تعبیه نموده‌اند که بادانه‌های الماس مزین میباشد. دو طرف ستاره دومرغ کوچک قرار دارد که روپستاره‌اند، نکته جالب توجه آنکه کوچکترین نشانی از طاوس در این تخت نیست و دومرغ مزبور بگنجشک یا بلبل شباهت کامل دارند. این بود تفصیل مختصری از تخت طاوس.

اما درباره تخت طاوس هند که جهانگردان خسارچی بویزه تاورنیه در ۱۶۶۵ میلادی برابر ۱۰۷۶ قمری آنرا در دهلی دیده **سرجان ملکم** انگلیسی معتقد است که نادر شاه از جواهرات هندوستان تخت تازمی بنام تخت طاوس در ایران ساخت که شاید همین تخت طاوس فعلی باشد. کلنل فریزر معاصر فتح‌علیشاه از قول پیرمردی کرد نقل میکند که هنگام کشته شدن نادر خود این پیرمرد حاضر بوده و بناگفته او تخت طاوس نادر را شکسته و بفارت بردند. من خود از مردان مطلع تهران شنیدم آنکه فتح‌علیشاه در اصفهان با زنی ماهرو بنام طاوس خانم ازدواج نموده و تخت طاوس فعلی تهران بدست استادان هنرپیشه اصفهان بافتن آن جشن عروسی ساخته شد و شاید از جواهرهای تخت طاوس هندی هم در ساختن آن مصرف کرده‌اند و خلاصه کلام آنکه تخت طاوس فعلی تهران غیر از تخت طاوس مشهور محمد شاه هندی میباشد زیرا تخت فعلی بانوصیفی که تاورنیه و دیگر جهانگردان از تخت طاوس هند کرده‌اند تطبیق نمیکند. بعلاوه در این تخت غیر از دو پرنده گنجشک مانند چیز دیگری موجود نیست و اساساً حمل و نقل تخت طاوس با وسایل باربری آنروز بسیار مشکل بوده که همانطور درسته و دست زرده اهند بایران بیاید و پس از قتل نادر و انقلابات داخلی بدون کم و کسر باقی بماند، اینک که صحبت‌های ما از تخت طاوس و اطاق موزه پایان رسید از کتابخانه سلطنتی و اسلحه‌خانه و اطاق‌های یکنواخت دیگر عمادات سلطنتی سرعت گذشته وارد حیاط گلستان میشویم. در اینجا بنا بعمادت معمول حوض‌های بزرگ، فواره‌ها و چنارها خودنمایی میکنند. بعلاوه باغچه‌های مصفا بطور مطبوعی گلکاری شده و غیر از چنار و تیریزی درخت‌های سرو صنوبر هم در کنار یکدیگر ایستاده‌اند، جوی‌های آب را کاشی کاری کرده‌اند، در حوض‌ها غاز و قو و ماهی‌های طلائی شنا میکنند، پله‌های کوچک آهن، کوشک‌های قشنگ چراغها و مجسمه‌ها و گلدانها و بسیار چیزهای مطبوع این حیاط عالی را زینت داده‌است و از همین جهت است که مراسم سلام قبله عالم بیشتر در این سرا برگزار میشود و من افتخار حضور یکی از این سلامهارا داشته انتهى» .

آقای جواهر الکلام در صفحه ۸۹ کتاب تاریخ تهران در مورد جواهرات چنین نوشته‌اند: سند نگارش تاریخچه تحف و جواهرات سلطنتی که نام و وزن و اندازه آنها را مینگاریم سیاحتنامه **شاردن** فرانسوی سیاح نامی عصر صفوی در ایران و دفتر رسمی اداره بیوتات سلطنتی که نگارنده در پایان سلطنت مرحوم احمد شاه قاجار با اجازه کتبی خاصی صورت ثانوی آنرا یادداشت کرده و تا زمان متدبیم تقایس کتابهای کتابخانه سلطنتی را بازدید و مطالعه مینمود. چنانکه در رساله تاریخ کتابخانه‌های ایران چاپ طهران بسال ۱۳۱۱ شرحی از آنها بعنوان (کتابخانه سلطنتی) نگاشته و نیز از حسن اتفاق چند مرتبه در اطاق موزه را برای برخی از تماشاچیان یا

دیپلوماسی مهم بیگانه باز میگرداند بیازدید باقیمانده تخت طاوس و بسیاری از ذخایر ملی و غیر ملی که در آنجا گردآوری شده موفق گشته .

تاریخچه مزبور جواهرات و کتابهای نفیس کتابخانه سلطنتی تنها تاهنگام انقراض دولت قاجاریه برای مؤلف این کتاب سندیت دارد و مسئولیت تاریخی آن را بعهد خود میدانند ولی از این تاریخ تا امروز دسترسی برسند واقعی نداشته و از بازجویی یا اعتماد برنگارشات بی مدرک روزنامه های وقت خودداری نموده و برای اینکه خزانه مزبور تا اندازه ای بخزانه صفویه و خزانه نادرشاه ارتباط تاریخی دارد ، تاریخچه اجمالی آنها را نیز بطور مقدمه ذکر مینماید .

(۱) **خزانه صفویه در قلعه طبرک** ثروت هنگفت صفویه و اسلحه بر قیمت و تحف و جواهرات ایشان در قلعه طبرک سمت شمالی اصفهان ذخیره میشده است . شاردن فرانسوی داخل قلعه مزبور گردیده و مقصدی از اسلحه نفیسه و تحف گرانهای آنرا بازدید نموده و چنین نگاشته : در قلعه طبرک سه عدد خزینه بوده است که آنها را از اسلحه قدیمی و شمشیرها و سپرها و بیکنهای طلائی مرصع بگوهرهای نفیس و نایاب مملو نموده اند و نیز در آنها صندوقهای بسیاری از اسلحه تازه کار و ساعتها و دوربینهای باقیمت و در همین قلعه خزانه ایست که برای جواهرات و تحف بالخصوص ساختند این خزانه دارای چهار اطاق است :

(۱) - برای فیروزج بالخصوص و آنچه از آن صیقلی شده است در کیسه های سر بسته گذاردند و غیر صیقلی آنها را بر روی زمین افشانده اند .

(۲) - مختص جواهرات تک و همتا .

(۳) - برای آبگینه های مرصع بانواع و اقسام گوناگون جواهر .

(۴) - برای ظروف مرصع و آلات طلائی طباشی و غیره است .

شاردن مینویسد : از جمله نفایسی که در این خزانه دیده ام صندوقی است محتوی ششصد دانه گوهر بزرگ و صندوقیست شامل چهارصد خنجر مرصع بوده است ، چنانکه در خزانه صفویه جواهرات بسیاری مشاهده کرده ام که در خزانه های شهریاران هم عصر ایشان یافت نمیشوند . از جمله نفایسی که در آن ملاحظه کرده ام پوست ماریست ببلندی ۲۰ قدم و پهنای ۴ قدم و در آن لباس امیر تیمور و فرزندش شاهرخ بوده است ، باز هم شاردن مینگارد : که در این خزانه چیزی بسیار جلیل القدر بوده است که ایرانیان آنرا بعلم امام عسگری مینامیدند ...

خزانه صفوی فهرست منظمی داشته که در آن آغاز تاریخ تأسیس کتابخانه را از زمان شیخ صفی الدین اردبیلی نگاشته شده است . چنانکه نام تحف و نفایسی که بغنیمت گرفته شده است یا اینکه بطور ارمغان تقدیم گردیده جداگانه نوشته شده .

خزانه نادرشاه افشار

نادرشاه پس از نابود کردن دولت صفویه بر خزانه آنها در قلعه طبرک استیلا یافت و خود نیز تحف و نفایسی که از خزانه محمد شاه هندی بغنیمت برده بود بر آنها افزوده ولی خزینه نادر شاه پس از کشته شدن او و استیلا زنده و تسلط قاجاریه بر زنده بیشتر ذخایر خزانه صفویه و نادرشاه دستخوش غارتگران شد و متلاشی گردید . خزانه موجوده در دربار قاجاریه در حقیقت همان باقیمانده خزانه نادرشاه است که شهریاران قاجاریه نیز بر آن افزوده اند . از نوادر و تحف خزانه نادرشاه که در دربار قاجاریه بوده است :

(۱) گوهر گرانبهای موسوم **دربای نور** و آن تکه الماسی است در شکل مربع مستطیل ساخته شده است که هیچگونه عیب قیمتی ندارد، وزن آن هفده مثقال و ده دانه است، این گوهر گرانبها در درج طلایی مکمل بسیصد و هفتاد و چهار تکه از الماس قیمتی و چهار دانه از یاقوت .

(۲) **تخت محمد شاه هندی** - و آن بردوبله طلا استوار شده است و ازدوازه تکه مرصع بانواع جواهرات ترکیب یافته است و بر آن تکه زمردی آویخته شده است که وزنش ۳۰ قیراط تا ۲۵ قیراط میرسد .

(۳) **انفیه دان زهره** - این انفیه دان در هند نیز از طلای خالص بکار آورده اند که تماماً تیکه های الماس گرانبها و زمرد پر قیمت مرصع است و وزنش ۲۸ مثقال و چهار دانه است، این تحفه محمد شاه هندی بنادر شاه تقدیم کرده است. نادر شاه چند کتاب خطی نفیس هم از هندوستان با خود آورده که در کتابخانه سلطنتی قاجاریه بوده ...

خزانه دولت قاجاریه و تحف گرانبهای آن

این خزانه شامل باقی مانده خزانه صفویه و خزانه نادر شاه با افزودگی محدودی که در زمان ناصرالدین شاه ازمیان رفته و باقی را در اطاق محکم مخصوصی در دربار و در جمبه های بسیار مصونی گذاشتند و بجز شاه آنها را به شرایط خاصی احدی نمیتواند آنها را ببیند یا نگاه بدارد البته این برنامه تا پیش از اندک زمانی صورت قانونی و پارلمانی بخود گرفته بود و اجرا میگردید ولی از آن تاریخ تا کنون از اوضاع و چگونگی آنها آگاهی درستی نداریم . در هر صورت بر طبق احصائیه رئیس دربار و بیوتات سلطنتی قاجاریه که نگارنده ملاحظه کرده کلیه جواهرات و تحف موجوده در خزانه از اینقرار است :

مجموع شمارش جواهرات بزرگ و کوچک

پنجهزار و چهار صد و هجده تکه است که بیشتر تکه های بزرگ آنها شامل چندین تکه از جواهرات متنوعه گرانبها میباشد : مانند گوهر نامی معروف به «سردار قزاقی» يك تکه است ولی محتوی شصت و هشت تکه از جواهرات پر قیمت و نفیس میباشد . از معروفترین این نفایس (۱) **دربای نور** (۲) **تخت محمد شاه هندی** (۳) انفیه دان زمرد که ذکر شده است . (۴) تاج کیانی است که بانواع جواهرات آرایش شده است و آنرا با گوهر دریای نور در موقع تاجگذاری شاه وقت میآوردند .

و از آنجمله (۱) **دو کره جواهرات** و آن عبارت از دو کره جواهر بزرگ و کوچک است که ناصرالدین شاه بساختن آنها بر طبق کره زمین و نقشه های آن دستور داده بود و کره بزرگ از آنها بسا جذاب و زیبایست که از بهترین نفایس و ذخیره های شاهانی بشمار رفته است . ساخت خود کره از طلای خالص هیجده عیاری است و در آن نقشه های قاره های پنجگانه زمین باضافه نقشه های دریائی و رعایت تمیزات بانواع جواهر با بهترین تصویرات و نگارشات تصویر شده است، کره مزبور بوسیله خطهای فلکی نصف النهاری به بیست و چهار قسم و در هر قسمتی ۲۵ تقسیم شده است که تماماً با الماس و لعل و زمرد و یاقوت مرصع گردیده است . کلیه انواع جواهرات که در این کره بکار برده اند از اینقرار است : الماس ۱۵۴۷۹ تکه بوزن ۲۸۱۲ قیراط بجز ۹ اند، یاقوت ۲۷۹۳۳ تکه در وزن ۳۷۵۳ قیراط، زمرد ۵۰۲۴ تکه در وزن ۱۲۶۹۰ قیراط، لعل ۳۹۵ تکه در وزن ۲۳۸۹ بجز ۱۲ اند، زر خالص ۶۲۹۴ مثقال بجز ۶ دانه .

(ب) **سردار قزاقی** - و آن سردار است از قماش ماهوت سیاه رنگ که بر آن ۶۸ تکه الماس نفیس ترصیح کرده اند .

(ج) **سردوش الماس یا تاجماه** این سردوشی محتوی چند تکه ازالاماس که در وزن ۱۱۲ قیراط و ۴ اند درآمده است ، شاه آنرا در مجالس رسمی سلام و غیره ها در بر میکند .
(د) **پیش کلاه سه خواهران** - و در آن سه تکه الماس نفیس که در گوهردان خالص طلائی گذارده اند و زیر آن سه تکه الماس صورت دوعدد شیر و دوعدد از صورت خورشید که با تکه های نفیس الماس مرصع شده است مجموع وزن این سه تکه الماس ۱۲۰ قیراط و ۱۲ اند است .

(ه) **پیش کلاه** - از زرخالص مرصع بتکه های نفیس ازالاماس نباتی رنگ و در میان آن الماسی است بوزن ۱۱۱ قیراط و ۸ اند و بالای آن تاجی است که در آن صورت شیر و خورشید مرصع بانواع جواهرات است، شاه در موارد رسمی آنرا بکار میبرد .

(و) **شماره کلمه تسبیح های مروارید و زهره** - یکصد تسبیح است که در میان آنها تکه های نفیس از مروارید بوزن یک مثقال یافت میشود ، چنانکه نیز در بین آنها یک تکه بزرگ زمرد یافت میشود که در وزن ۳۸۹ و نیم قیراط میباشد .

(ز) **تکه های الماس و زهره** - که بشماره هزاران میرسد و برخی از آنها نگین انگشتر یادگمه جامه است یا اینکه در زنجیر ساعت یا غلاف شمشیری آویخته شده است، چنانکه برخی از این تکه های الماس بوزن ۱۵۰ قیراط تا ۳۰۰ قیراط هم میرسد .

(ح) **دسته های شمشیرهای مرصع** - که در حدود یکصد دسته شمشیر مرصع بانواع جواهرات است .

(ط) **زرخالص مرصع** - و آن بسیار است که از آن آبخوریهای معروف بصراحی و سرهای قلیان کوناگون بشمار ساختند .

(ی) **مجموع وزن مروارید آویخته و افشاندن شده خزانه** - که در تسبیح ها و جامه ها و شمشیرها و غیره است ۲۲ من ایرانی امروز است (۶۷ کیلو) چنانکه مروارید افشاندن شده در کیسه های سر بسته و صندوقهای خاص در این خزانه گذاشتند .

موزه سلطنتی قاجاریه

در دربار قاجاریه که به ارك مینامیدند عمارت بسیار مجلل و باشکوهی است معروف بکاخ گلستان که در آن اطاقهای موسوم به **طالار عاج و طالار بلور و طالار نارنجستان** و اطاق موزه است در طول ۴۳ ذرع و پهنا ۱۸ ذرع
بسیاری از سکه های باستانی و مجسمه های نفیس و تصویرات زیبا و جذاب در آن دیدم از جمله نفایسی که در آن بوده مجسمه کرگدن بزرگی است از مس و ساعت بزرگ که رقاص آن فیل خود متحرک با حرکات شگفت آور بوده است و نیز در آن یازده عدد صندلی قدیمی ساخت اروپا و چین و ایران و مقادری از ظروف و آلات و قالیچه های پر قیمت یافت میشود که از تحف و نوادر جهان بشمار میرود و از بهترین نفایس آن :

تخت طاوس این تخت بشکل مربع مستطیلی است که برهشت پایه استوار است و

دارای دوپله است و بر آن چهارده گنبد بدرزای ۲۷۵ سانتیمتر و پهنای ۱۷۷ سانتیمتر و همگی تخت مزبور از يك قطعه طلای خالص ساخته شده است و بر آن رسم و نگارهای زیبایی گل و لاله و حیوانات متنوعه و در آن اشعار مطبوع نگاشته شده است . شماره جواهرات آن از اینقرار است :

الماس ۱۴۴۴ تکه زمرد ۱۴۳۱ تکه لعل ۸۵۶ تکه یاقوت ۱۵۸ تکه و برسمت فوقانی این تخت تاجیست از فلز و جلو آن از زر خالص که بامینا منبت کاری شده است . این تاج نخستین تاجیست که برای آقا محمد شاه قاجار
و اما راجع بقیمت تخت و آنچه ذکر شده است بمبلغ يك کروور ونیم است و برخی دیگر بتحقیق ... از ۱۰ میلیون الی ۲۰ میلیون گفته اند .

سفارتخانه ها

قدیمترین سفارتخانه ها سفارت عثمانی و بعد سفارت روس بود محل سفارت روس در بازار عباس آباد (باغ ایلچی) بود ولی پس از کشته شدن سفیر روس بدست مردم متعصب شهر محل سفارت بمركز شهر و به پامنار (بانك روس فعلی) انتقال یافت .

سفارت میلاقی انگلیس در قلهك را محمد شاه قاجار در سال ۱۲۵۱ به سرجان كمپبل وزیر مختار انگلیس بخشید و يك قسمت را ناصرالدینشاه بآن اضافه نمود .

سفارتخانه میلاقی عثمانی و فرانسه در تجریش و سفارت اطرش در رستم آباد بود که تابستانها بآنجا انتقال پیدا میکردند و این هنگامیکه شاه و دربار بقصد میلاق تهران را ترك میگفتند .

جزو کاروان سلطنتی حرم خانه شاه بود (فتحملیشاه-۱) گویاهفتصد زن عقدی وصیغه داشته) قسمت مهمی از سوکولیاها و زنهای محترم شاه بوسیله کالسکه هائیکه از داخل بوسیله برده سیاه مستور بود نیربکهای میلاقی منتقل میشدند ، هنگام حرکت فراشها و یساوان فریاد میزدند « دورشو » « کورشو » عابرین و کسبه پشت بکاروان و رو بدیوار ایستاده و چشمهای خود را می بستند .

انتظامات شهر - سابقاً شهر بوسیله کلانتر و داروغه اداره میشد محل داروغه روزها در چهارسوق بزرگ بود و شبها کزمه و شیکردها با آهنکهای بیدارباش ، هوشیارباش یکدیگر را آگاه و مردم را ناراحت مینمودند .

مشاغل - در دوران استبداد بهترین مشاغل را از نظر احترام عمومی مأمورین دولت یعنی مستوفیها - میرزاها - فراشها (یوزباشی - پنجه باشی - دهباشی، باشی) و غیره داشتند . پس از مشاغل دولتی بهترین شغل پیشه‌وری بود که شرح آنها گذشت .

کسبه مورد احترام مردم بودند در معاملات راستگو و درست کردار و مورد اعتماد بودند .

کنت دو گوینو سفیر فرانسه در ایران در کتاب خود بنام سه سال در ایران مینویسد: « بعد از میرزا آقا یکی از بزرگترین طبقات شهر نشین ایران کسبه هستند که نزد مردم خیلی »

۱ - ملك ابن سعود پادشاه کشور عربی سعودیه معلوم نیست چند زن داشته که فعلاً ۱۵۰ فرزند ذکور زنده از آنها دارد .

«احترام دارند. کسبه ایرانی مردمانی درستکار و امین میباشند و من در طول مدت اقامت خود»
 «در ایران از هیچیک از آنها تقلب ندیدم» .
 «یکی از علل درستکاری ایرانی اینست که برخلاف میرزاها سرنوشتهشان بتصادف نیست»
 «بلکه زندگی ثابت و مطمئنی دارند» .
 «کسبه ایرانی غالباً پسر بعد از پدر شغل آباء و اجدادی را قبول مینمایند و هر کاسبی که»
 «میرد قطعاً برای فرزند خود سرمایه باقی میگذارد و کم اتفاق میافتد که فرزند کاسب ثروت»
 «موروثی را بیادبدهد بلکه غالب چیزی هم بر آن افزوده و برای وارث خود باقی میگذاردند» .
 «یکروز در تهران بازرگانی را دیدم که بیول فرانسه هیجده هزار فرانک طلا بیازرگان»
 «دیگر داد و همینکه دیگری قبض نوشته بیازرگان اول تسلیم نمود طلبکار خشمگین شد و قبض را»
 «پاره کرد و گفت حاجی آقا مگر شما امین نیستید که بمن قبض میدهید» .
 «یکمرتبه دیگر هم که در تهران بودم یکی از بازرگانان همدان که بهیچوجه او را نمیشناختم»
 «و حتی اسم او را نشنیده بودم مبلغ پنجهزار فرانک از سکه های قدیم ایران بوسیله یک چارپادار»
 «برای من فرستاد و بعد معلوم شد حتی از چارپادار حامل سکه ها هم رسید نگرفته و این نشانه»
 «آن بود که بمن اعتماد کامل دارد و تا خود شخص امین و درستکار نباشد دیگری را»
 «امین نمیداند» .

هوای تهران

موریه انگلیسی در کتاب خود مینویسد: هوای تهران بجهت نزدیکی آن بکوه البرز و دریای خزر که پشت کوه البرز است مختلف میباشد و در تابستان نهایت ناسازگاری را دارد، زمین شهر پست و بارطوبت و شوره زار است .
 فصل گرما جز عجزه در شهر کسی نمینماید، آب تهران نیز تعریفی ندارد البته این اظهار نظر مربوط بهنگامیست خانه های سردابی کم کم بمحارت در سطح زمین تبدیل شده باطلاقیهای متعددی در شهر بود، اصطبل های بی شماری مملو از دام (گاو و کوسفند و اسب و الاغ و شتر) در شهر بود و در حقیقت هر سه نفر یک دام داشتند. ولی کم کم هوای تهران تا اندازتی لطیف شد و علت آنهم آن بود که سی قنات آب از دامنه های البرز بطهران کشیده شد زمینهای بایر داخل شهر مزروع شد، خیابانها درختکاری و روزی دو مرتبه آب پاشی میشد، اسفالت وجود خارجی نداشت، شيروانی کم بود .

و با اینکه میلاق شمیران نزدیک تهرانست آنچه خاطر دارم جز متعینین و خوش نشین ها کسی تابستان بشمیران کوچ نمیکرد مگر روزها و شبهای تعطیل والا باغهای داخل تهران وزیر زمین هائیکه سابقاً میساختند هوای مطلوبی داشت .

ولی از سال ۱۳۱۴ ارتباط بین شهر و شمیران از دوره (پهلوی و قلهک) تأمین گردید موضوع رفتن میلاق مخصوصاً بین ثروتمندان شهر و بازرگانان و پیشه وران رواج یافت و در سال ۱۳۲۰ که جمعیت تهران بی تناسب رو با زیاد گذارد موضوع خرید زمین و ساختن خانه و تبدیل باغها و اراضی با ماکن مسکونی در قسمتهای مختلفه شمیران حتی لشکرک و میگون و اوشان و کرج رواج گرفت و تابستانها مخصوصاً روزهای تعطیل در حدود یک چهارم جمعیت تهران به میلاقات اطراف میروند هوای تهران فعلاً در تابستانها گرم و گاهی تا ۲۴ درجه میرسد زمستانها اغلب بیشتر از ۱۰ درجه زیر صفر را نشان میدهد .

درفصول بهار وپائیز هوای تهران معتدل ومطلوب است (درخرداد واسفندگاهی بادهای خطرناکی ازسخت قزوین میوزد که چنارهای عظیم وشيروانیهای بزرگ را ازجا میکنند) .
مقدارمتوسط بارندگی به ۲۵۰ میلیمتر میرسد ولی آن سرمای شدید وبرفهای سنگین بیابایی گذشته دیگر درتهران دیده نمیشود .

فشارهوا درحدود ۶۵۲ میلیمتر درجه هوا ۴۲ و ۱۱ و حدمتوسط ۱۵۵۵ میگردد. هوای تهران بطورمتوسط ۴۴ روز مستعد بارندگی و ۱۱۰ روز هوا ابر و ۲۵۵ روز هوا صاف است. روزهای یخ بندان درتهران حداکثر در بعضی سالها ۷۴ روز حداقل ۲۷ روز حد متوسط ۴۴ روز میباشد .

ارتفاعات آب باران و ذوب برف که در تمام سال میبارد بطورمتوسط ۲۲۲ میلیمتر وحد اکثر مقداری که در ۲ ساعت دیده شده ۳۰ میلیمتر بوده است .
درجه تابش آفتاب در تابستان ۴۸ و ۷ درجه و در زمستان ۵۲ و ۳ درجه میباشد . درازی روزهای تابستان بطور متوسط در حدود ۱۴ ساعت ونیم و در زمستان بطور متوسط ۹ ساعت ونیم میباشد .

جمعیت تهران در سنوات مختلفه متغیر و روبزونی بوده است . لردگرن که در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه بتهران آمده مینویسد در تهران سرشماری علمی بعمل نیامده ولی از روی میزان نان و آب ومسجد و حمام و امارات دیگر میتوان جمعیت آنرا تا دو بیست هزار وقدری بیشتر تخمین زد . بعضیها معتقدند که از ۱۷۵ هزار تجاوز نمیکند ، بیست سال پیش جمعیت آنرا ۱۲۰ هزار نفر نوشته اند ، از این جمعیت تقریباً همه مسلمان وشیعهداند ، فقط چهار هزار یهودی در پایتخت اقامت دارد ... یهودیها در تهران ده کنیسه و چند مدرسه دایر کرده اند ، بیشترشان دلال وتاجر و طبیب هستند . شماره ازمیهای پایتخت قریب هزار نفر است ، دارای دو نمازخانه هستند . گبرها یا پارسیان قریب چند صد نفر هستند

اما فرنگیهای مقیم تهران تا سال ۱۸۵۱ منحصر بکارمندان تجارتخانه ها و چند نفر تاجر و چند افسر متخصص بود ، هنگام اقامت من تعداد آنها بیانصد نفر میرسد که بغیر از کارمندان رسمی سفارتخانه ها و چند بازرگان محترم بقیه از همان ولگردها وماجر احوهای مشهور اروپا بودند که در تهران هم مانند قاهره واسلامبول دنبال شکار بلند شده اند .

یک سفارت کبرا از طرف سلطان عثمانی وشش سفارت فرنگی دایر است : سفارت انگلیس ، روس ، آلمان ، فرانسه ، اطریش ، ایتالیا ، دولت هلند هم یک کاردار دارد ، در بار پادشاهی منتظر وزیر مختار بلژیک میباشد

باید دانست که غیر از نمایندگان روس وانگلیس و عثمانی سایر نمایندگان سیاسی کمترین مشغولیتی در این شهر ندارند ، ممکن است از طرف دولت متبوع خودشان بطور محترمانه باین شهر شرقی تبعید شده اند تا ضمناً در صدد استراحت وتجدید قوا برآیند .

راجع با اهمیت تهران از نظر پایتخت بودن میگوید : پاره ای به آغامحمدخان قاجار اعتراض دارند که این شهر بی استعداد را مرکز حکومت دایوش و کورش نموده وبازه برخلاف حسن انتخاب او را ستایش میکنند . چیزیکه هست باید موضوعاً از هم تفکیک نمود : از جنبه صحی وسیاسی شهرچندان خوبی نیست آبش کم است ... حاجی میرزا آغاسی وزیر محمد شاه کوشش کرد آب جاجرود و کرج را بطهران برساند ، اقدام اولی بواسطه اعتراض دهاقین ورامین وبی آب ماندن

مزارع جنوب تهران و اقدام دومی بوسیله عزل حاجی بی نتیجه ماند (در مرآت البلدان نوشته شده: هم در این سال بامرهمایون اعلیحضرت محمد شاه از رود کرج تا شهر تهران که هفت فرسنگ مسافت است نهری بزرگ بامخارج کزاف بطرف شهر جاری کرده . از بالای باغ نگارستان گذرانیدند که از دروازه شمیران بشهر می نشست و بر سر نهر تیمناً جشنی ملوکانه گرفتند ولی نگارنده اطلاع دارد که ابتکار این عمل با حاجی بوده کما اینکه نهر دیگری هم از کرج به یافت آباد کشید که هنوز جریان آب آن باقیست) و تهران با تشنگی و برشتگی سابق باقی ماند ، بیشتر آب نوشیدنی تهران بوسیله قناتهاست که از کنار البرز سرچشمه میگیرد . این رشته قناتها مسافت زیادی در جویهای گوناگون غلطیده و بیماریهای تیفوئید و اسهال و غیره را برای سکنه پایتخت بامرغان میفرستد ، طریقه تنظیف پایتخت از کثافات و فضولات غیر صحتی ولی بهتر از سایر شهرهای ایرانست . معمولاً در خانه های تهران یکی دو چاه بمق ۱۵ تا ۲۰ متر میکنند (خانه من ۱۲۷ متر است و چهار چاه دارد- نگارنده) و همینکه اینها پر شد چاهای دیگری حفر میکنند ، چون خاک تهران رسوبی و قابل نفوذ میباشد سرایت محتویات این چاهها بآبهای نوشیدنی و آب انبارهای خانگی و حوضها بدبختیهای زیاد ایجاد میکند، معیناً تهران ۳۰۰۰ با از سطح دریا مرتفع میباشد . هوای زمستان و پاییز و بهار آن از این نظر قابل تمجید و در تابستان هم تیلانهای کوهستانی نزدیک در دسترس عموم قرار دارد ...

نگارستان یا جایگاه تابلوهای نقاشی . این عمارت سابقاً خارج تهران بوده، اکنون که شهر بزرگ شده توی تهران افتاده است ، پادشاه تاجر منش فعلی بسیاری از اراضی این باغ سلطنتی را بر بردم فروخته است این باغ و عمارت در روزگار فتحعلیشاه بانی و مؤسس آن بسیار آباد بوده و حالا رو بخرابی میرود، آن موقع چندین ساختمان بنام : کلاه فرنگی، استخرهای بزرگ چنارهای بلند و بالاتر از همه حمام و صفا مرمر نگارستان عیش گاه پادشاه ایران بود . سر برتر آزر کر در سال ۱۸۱۸ موفق بدیدن نگارستان شده و بحمام مرمر هم سری زده است . در وسط حمام بزرگ کاشی و اطراف حوض صفا های مرمر سر اشیب ساخته بودند که پادشاه پادشاهان پری پیکران عریان را از فراز صفا مرمر بدرون حوض میکشید .

گردگزن میگوید من پس از چندین سال بتماشای آن باغ و حمام شورانگیز رفتم ، صدای قهقهه لعبتان ماه منظر از در دیوار بگو شم خورد و لحظه ای خود را در میان آن بربرویان افکنده ییاد روزگار خوش آنان سرمست شدم و سپس بحال طبیعی آمده بتماشای تابلوهای نقاشی نگارستان شتافتم ، فتحعلیشاه عشق غریبی داشت که در دیوار ایران را باشکال خود و یک فوج پسرانش منقش سازد ، شکل فتحعلیشاه همیشه باتاج و ریش و شمشیر و سینه بند و بازو بند و قبای دراز و خنجر دیده میشود . در یکی از تابلوهای نگارستان فتحعلیشاه روی تخت طاوس نشسته پسرهایش که شماره آنها در این تابلو به پنجاه میرسد در اطراف تخت صف کشیده اند . نمایندگان انگلیس یعنی **سرجان ملکم** ، **سرها فور دجونس** ، **سرگور اوزلی** در یکطرف و حریف فرانسوی آنها **ژنرال گاردان** در طرف دیگر ایستاده اند .

بهر حال در سال ۱۸۳۵ برابر ۱۲۵۱ هجری در یکی از اطرافهای همین عمارت نگارستان میرزا ابوالقاسم قائم مقام پسر میرزا بزرگ قائم مقام وزیر محمد شاه را بامر قبله عالم خفه کردند . شکفت آنکه سه تن از پادشاهان قاجار (فتحعلی - محمد - ناصرالدین) سه صدر اعظم خود را (حاجی ابراهیم قوام شیرازی - میرزا ابوالقاسم قائم مقام - میرزا تقی خان امیر کبیر) هلاک نمودند ؟ ! در صورتیکه

هریک از این صدراعظم‌ها برای استقرار سلطنت ولینعت‌های خود کوششهای فراوانی نموده بودند . (انتها) .

قریه تهران تدریجاً با بخت و اقبال همقرین گشته و بر اثر توجه سلاطین روآبادی گذاشت و جمعیت آن با آمدن و مهاجرت عده زیادی از مردم سایر نقاط کشور رو به فزونی گذارد بدین ترتیب :
 در سال ۱۲۶۲ شمسی اواخر سلطنت ناصرالدین شاه که تهران سرشماری شده نفوس آن ۱۰۶،۴۸۲ نفر بوده است و بعد در سالهای ۱۲۷۰ ، ۱۳۰۱ ، ۱۳۱۱ که بوسیله شهرداری و در سال ۱۳۱۸ بوسیله اداره کل آمار و در سال ۱۳۲۱ بمنظور جیره بندی تهران سرشماری شده جمعیت آن بشرح زیر بوده است :

سال	مرد	زن	جمع
۱۲۶۲	۴۴۷۷۲	۴۶۰۳۷	۱۰۶۷۴۸۲
۱۲۷۰	—	—	۱۶۰۰۰۰
۱۳۰۱	۹۵۸۵۴	۱۰۰۴۰۱	۱۹۶۲۲۵۵
۱۳۱۱	۱۳۳۹۴۰	۱۳۱۱۹۹	۲۶۵۱۳۹
۱۳۱۸	۳۱۲۰۳۸	۲۲۸۰۴۹	۵۴۰۰۸۷
۱۳۲۱	۳۷۹۱۵۲	۳۱۹۹۵۸	۶۹۹۱۱۰

ولی فعلاً (۱۳۳۲) جمعیت تهران از یک میلیون نفر بیشتر است . چون ساکنین دهات و کشاورزان تمام نقاط ایران برای اینکه کمتر زحمت بکشند و از فراوانی نعمت تهران استفاده نمایند بطهران روی آورده و فرضاً بهیچ کاری دسترسی نداشته باشند تکدی و سایر امور کم زحمت را پیشه خود میسازند .

ملاکین و صاحبان عنوان شهرستانها هم — برای استفاده از نعمت امنیت و آسایش باعواید مختصری قناعت کرده هر یک در شهر و اطراف تهران پارکی تهیه کرده و شهرستانها و آبادیها و رعایا را بی صاحب گذارده اند .

بخش ششم - شرح دهستانهای اطراف تهران

۱ - حومه تهران

حومه تهران از ۱۹ قریه تشکیل شده که همگی در اطراف شهر تهران قرار گرفته و دارای هوای معتدل ، محصول آن بیشتر صیفی کاری و سردرختی است .

اینک دهات خاوری شهر تهران

دولاب - این دهکده پیشینه تاریخی دارد و زمانیکه تهران اهمیتی نداشته آنجا آباد بوده و بر تهران مزیت داشته و فعلاً بر اثر توسعه تهران جزو شهر شده است عمارات چهارصد دستگاه در قسمت شمالی آن بنا شده .

فرح آباد ، قصر فیروزه ، دوشان تپه که در زمان قاجاریه بنا شده ، تفرجگاه شاهان و شاهزادگان بود .

قصر فیروزه را پهلوی فقید بگورستان زرتشتی ها اختصاص داد مشروط بر آنکه مردگان را در زیر خاک بگور نمایند ، اطراف فرح آباد شکارگاه خاصه شاه است در جلگه باختری دوشان تپه که سابقاً محل جنگ هفت لشکر و میدان اسب دوانی بود ، فرودگاه بزرگ هوایی نظامی و محل آموزشگاههای فنی و خلبانی و کارخانه طیاره سازی شهپاز می باشد .

سلیمانیه قریه ایست در خاور دولاب که اینک آنهم بشهر متصل شده ، قسمتی از چهارصد دستگاه در زمین های سلیمانیه واقع شده که بانک ملی آنها را ساخت و با قساط طویل المده بکارمندان دولت فروخت .

امامیه که آنهم در شمال چهارصد دستگاه و بشهر اتصال یافته و ساختمانهای تهران **فوق** در اراضی آن واقع شده و یک واحد هواپیمائی نظامی در زمین های امامیه واقع و تأسیساتی دارند .

دهستانهای شمالی شهر تهران :

عشرت آباد ، جمشید آباد ، عباس آباد ، جلالیه که مقربادگانهای نظامیست . قسمت زمینهای عباس آباد که سابقاً متعلق بحاج مرزا آقاسی بوده و از آب کرج آنرا آبیاری مینمود بعداً جزء خالصه دولتی شده بود توسط بانک کشاورزی بافسران ارتش فروخته شد و اینک یکی از بزرگترین مهم تهران شده و تدریجاً رو با آبادانی میرود .

یوسف آباد که بیمارستان شماره ۱ ارتش در آن محل ساخته شده و زمین های آن بین کارمندان دولت تقسیم و با قساط فروخته شد این قسمت نیز بصورت برزن مهمی درآمد .

در قسمت خاوری جاده پهلوی و تپه های شمال باختری عباس آباد از طرف وزارت کشاورزی چند سالیست که جنگل مصنوعی ایجاد شده و اگر تاثر رسیدن درختها مراقبت شود در آتیه محل بسیار مصفاائی خواهد شد و هوای تهران را تغییر خواهد داد .

فصر قاجار و حشمتیه که محل پادگان نظامی وزندان شهر بانی و بی سیم و دستگاہ فرستنده رادیو تهران میباشد .

بهجت آباد و معینیه و یوسفیه بشهر متصل شده اند، امیرآباد که بنام کسوی دانشگاه نامیده میشود شمال این قسمت اداره لوله کشی آب و مرکز آن اسپریس اسب دوانیست و سابقاً رژه باشکوه سوم اسفند در این میدان انجام میشد .

دهستان باختری شهر عبارتند از :

مهرآباد که سر بازخانه و فرودگاه بزرگ کشوری در آن قریه ساخته شده اکبرآباد سلسبیل فعلاً داخل شهر است .

امامزاده حسن که روزهای ۲۸ صفر زیارتگاه جمعیت زیاد است **جی و پریانک** تدریجاً از صورت حومه خارج و بشهر متصل میشود .

دوربست یا طرشت یا درشت - تاریخ تهران در صفحه ۳۹ مینویسد: این قریه را در این زمان درشت میخوانند و ازدهات نامی و آباد تهران امروز هم می شمارند ، یک فرسنگ از طهران دور میباشد و از آن بقریه کن نیز یک فرسنگ است. از مردمان معروف دوربست . عبدالله بن جعفر بن محمد بن احمد بن موسی بن جعفر ابو محمد دوربستی ، قبر وی تاکنون در آنجا معروف نیست.

نوربخشیه در دوربست - فرقه نوربخشیه از فرقه های نامی متصوفه است و به سید محمد نوربخش که سرسلسله و پیشوای صوفیان در عصر خویش بوده منسوب است سید محمد نوربخش در طرشت یادوربست تولد یافته و هفت اقلیم گفته که سید محمد نوربخش در ایام جوانی بری آمده و در قریه سلفان اقامت کرده و گروه بسیاری از مردمان آنحال به او ارادت داشتند و از نسل ایشان در آندیار بازماندگان بسیاری مانده است .

دهستانهای جنوبی تهران :

قریه **نازآباد** که یک قسمت آن فرودگاه قلعه مرغی و تأسیسات هوایی نظامیست ، یک قسمت آن کشتارگاه و یک قسمت آن بلورسازی و سیلوی شهر و انبار بنیه را تشکیل میدهد . در زاویه جنوب خاوری شهر **نچف آباد** واقعت که دستگاہ کامل گیرنده و فرستنده بی سیم در آن محل است .

بطور کلی بر اثر توسعه شهر آبادیهای اطراف تهران جزو شهر شد و قسمت جنوبی شهر صیفی کاری میشود و گورستان چهارده معصوم و **آب انبار قاسم خان و آب هتکا** به تأسیسات کوره های آجر پزی هوفمان اختصاص داده شده .

وجاده حضرت عبدالعظیم در زمان حکومت سپهبد رزم آرا آن مرحوم اطراف خیابان آنرا درخت کاری و مصفا نمود .

اینک نظر اجمالی بدهستانهای بخشهای تهران :

۴ - بخش کرج

دهستان **ساوجبلاغ** از شمال محدود است به **طالقان** و کوههای **فشند** از خاور به

ارنگه از جنوب خاوری به **شهریار** از جنوب و جنوب خاوری به **ساوه** و از باختر به **قزوین**. مرکز این بخش **کرج** و خاک آن از سه قسمت متمایز تشکیل میشود .

الف) رود **گردان** که از کوههای طالقان سرچشمه گرفته و بطرف جنوب باختری امتداد یافته و پس از عبور از **فریه گردان** و **ینگه امام** وارد **خرود** قزوین میشود .

ب) رود **کرج** که در خاور این منطقه جاریست و اراضی اطراف آنرا مشروب مینماید، قسمتی از آب آن بتهران و یافت آباد میآید و مازاد آن بدریاچه حوض سلطان میریزد .

ج) رود **القادر** که از کوههای القادر سرچشمه گرفته و بطرف جنوب خاوری جاریست و پس از آنکه **شهریار** و **فشاپویه** را آبیاری کرد بدنباله کرج متصل میشود .

نزهة القلوب مینویسد: «**ساوجبلاغ** ولایتی است که در او ان **سلاجقه** مآل به ری میداده و در عهد مغول سوی شده ، هوا بنفایت خوب دارد ، اکثر آیش از قنوات است ، میوه و غله بسیار میباشد ، و نانش درغایت نیکو و حقوق دیوانی او ۱۲ هزار دینار مقرر است . و مردم آنجا چون اکثر صحرائشینند مقید بذهب نیستند و از اعظم قوای آنجا : **انچیم آباد** ، **سنقر آباد** و **خراو** است ، در سنقر آباد سادات عالی نسب و حسباند و الحال خراب است . انتهای» .

کرج مرکز **ساوجبلاغ** و در سه راهی تهران - چالوس - قزوین در ساحل باختری رودخانه واقع شده - مسافت آن تا تهران ۳۹ کیلومتر و تا قزوین ۱۰۱ کیلومتر است .

جمعیت آن در حدود پنجاه هزار نفر ، مذهب آنها شیعه و فارسی زبانند و در فصل گرما به نسبت قابل ملاحظه ای نفوس آن زیاد میشود . دانشگاه کشاورزی و کارخانه قند در قسمت جنوب باختری آن واقعست ادارات دولتی آن عبارتند از : بخشداری - شهرداری - کلانتری - دارائی - گروهان ژاندارمری - آمار - شعبات بانک ملی و کشاورزی - دامپروری - بهداشت - فرهنگ - پست و تلگراف و تلفن - دامپزشکی . سه دبستان و یک دبیرستان دارد .

کارخانه های آن عبارتند از کارخانه قند سازی - سیم سازی - مقسوا سازی - مشروب سازی .

از طرف جنوب هم یک راه نیمه شوسه به اشتهارد و زرنند امتداد دارد . راه آهن تهران - آذربایجان از جنوب کرج میگردد و ایستگاه معتبر راه آهن آن در جنوب آن واقعست .

از آثار قدیم کلوانسرای شاه عباسی و بنای امامزاده حسن میباشد . در تمام ساعات روز اتوبوس خط تهران بکرج رفت و آمد مینماید .

رودخانه کرج که از آبهای کچسرویک قسمت از آبهای کندوان سرچشمه گرفته و قسمتی از اراضی دهات **ارنگه** و **ساوجبلاغ** و **شهریار** و **فشاپویه** و شهر تهرانرا مشروب مینماید . چندینست تأسیسات لوله کشی و برق تهران و ایجاد منبع چاه آب در مسیر این رودخانه شروع شده .

این تأسیسات شامل یک سد مخزنی ببلندی ۱۷۰ متر و بگنجایش ۱۵۰ میلیون متر مکعب است ، آب ذخیره شده را باگرداندن سه دستگاه توربین ۸۰۰۰ کیلوواتی مورد استفاده تهیه ۲۴۰۰۰ کیلووات برق قرار گرفته و پس از آن باید برای کشاورزی و آب مشروب تهران بمصرف برسد .

ساختمان این سد ۲۲۳ میلیون مترمکعب آبراکه هر سال بصورت سیل به مسیله قم میریزد و یا تبخیر میشود مورد استفاده قرار میدهد ساختمان این سد در نوع خود از شاهکارهای فن مهندسی میباشد .

درمدخل شهر کرج پل قدیمی بزرگی بر روی رودخانه بنا شده است . شهر کرج از دو قسمت قدیم و جدید تشکیل شده و قسمت قدیمی آن که قصبه کرج است دارای ساختمانهای کهنه و در کتب تاریخ هم اسم آن ثبت است .

نزهة القلوب « کرج و گره رود از اقلیم چهارم است طولش از جزایر خالدات (مذمه) و عرض آن از خط استوا (لد) بودلف عجللی بوده بعد هارون الرشید ساخت کوه سمند بر طرف شمال آنجاست و در پای آن کوه چشمه بس بزرگ است ، آنرا چشمه کینخسر خوانند ، مرغزادی عریض و طویل دارد ۶ فرسنگ در ۳ فرسنگ آنرا مرغزار گیتو خوانند و در آن حدود قلمه محکم بوده آنرا فرزین خوانند ، حقوق دیوانی یک تومان و یکمزدینار است . انتهای .

قسمت جدید شهر که در سر راه واقعه شده دارای فلکه و چهار خیابان ساختمانهای جدید خیابانهای اسفالتی مهمانخانه و باغچه های مصفا میباشد . از مؤسسات مهم کرج : دانشکده کشاورزیست ، مزارع نمونه ، لابراتوار گیاه شناسی ، انگل شناسی در قسمت جنوبی آن دایر شده است .

در قریه حصارک (دو کیلومتری باختر کرج) بنگاه سرم سازی و در حیدرآباد (پهلوی حصارک) بنگاه دامپروری بتربیت و ازدیاد نژادهای مخصوص حیوانات از قبیل گوسفند مریئوس ، گاوهای اسکاتلند ، الاغهای قبرسی و مرغ و خروس امریکائی مشغول است . در جنوب کارخانه قند مقدمات ساختمان عظیم کارخانه بزرگ ذوب آهن فراهم شده و بیشتر بناهای اصلی آن ساخته شده و ماشین آلات و دستگاههای اولیه آنهم وارد شده بود که جنگ جهانی و واقعه شهریور ۲۰ حمله ناجوانردانه عملیات ساختمانی کارخانه مزبور را متوقف ساخت و رفته رفته بیشتر ائات و ماشین آلات موجوده از بین رفت و بزرگترین خسارت بدستگاه صنایع کشور ما وارد شد . و نیز یک کارخانه مقوا سازی در کرج دایر شده است .

دهستان ساوجبلاغ از ۱۷۶ قریه و به سه دهستان پخش میشود :

الف) اشتهارد دارای ۹ قریه است که در جلگه واقع و هوای آن معتدل و برای زراعت از آب قنات استفاده مینمایند محصول آن : گندم ، جو ، حبوبات ، سیب زمینی و چغندر است ، گوسفند داری و تربیت سایر حیوانات و طیور خانگی در این محل متداول است ، در دهستان مزبور یک دبستان دایر میباشد ، قصبه اشتهارد از محلهای قدیمی و سابقاً آباد بوده است و اکنون قریب ۵۴۹۱ نفر جمعیت دارد .

ب) برغان از ۷ قریه کوهستانی تشکیل شده که هوای آن سرد و ثیلاقی و برای زراعت از آب رود اغشت و چشمه استفاده مینمایند و چون این دهستان کوهستانیست و زمین کافی برای زراعت غلات ندارند و مختصری غلات و حبوبات زراعت میشود ، لکن در عوض باغهای زیاد داشته که همه نوع میوه های ثیلاقی دارد ، مخصوصاً کوجه آن معروف است ، در مراتع آن کله های گوسفند نگاهداری میشود .

درقریه برغان يك دبستان دایراست و يك پل تاریخی از آثار زمان شاه عباس روی رود برغان باقیست .

ج (ساوجبلاغ دارای ۱۵۰ قریه است : که پنج ده آن در کوهستان و بقیه در جلگه واقعت و هوای آن معتدل و برای زراعت آب رودخانه کرج و گردان و قنات و چشمه استفاده مینمایند .

محصول آن غله بطور وفور و حبوبات و صیفی کلای و چغندر و پنبه و سیب زمینی است ، مخصوصاً سیب زمینی فشند معروف است . و اغلب دهات و باغهای میوه و اشجار تبریزی و چنار آن مشهور است . و تربیت حیوانات اهلی و طیور خانگی نیز در این دهستان معمول است . در ساوجبلاغ ۱۱ دبستان دولتی ۲۳ مکتب خانه بطور قدیم دایراست . بطور کلی در تمام حوزه کرج ۵۱ دبستان مختلط ۱ دخترانه ۲۹ پسرانه يك دبیرستان دخترانه و يك دبیرستان پسرانه دائر است .

برغان و فشند شش فرسخ شمال باختری کرج صنایع دستی آنها عبارتست از کرباس بافی ، جوراب بافی ، گیوه چینی و جاجیم بافی ، عسل این دهات خوب است . و نیز در دهستان فشند و دهنو مخصوصاً درقریه آبيک معدن زغال سنگ وجود دارد که مشغول استخراج آن هستند .

۳ - بخش شمیران

دهستان شمیران از شمال محدود است برشته کوههای البرز که بشکل قوس از خاور به باختر میگردد. از جنوب بدهستان غار و دهات حومه شمالی و از باختر به کن و از خاور به لوسان . دهات شمیران در دره های سرسبز مصفاى منشعب از کوههای البرز قرار گرفته و کلیه آنها دارای آب و هوای میلاقی و در تابستان عده زیادی از سکنه تهران برای فرار از گرما به میلاقات شمیران پناه میبرند ، مخصوصاً پس از شهریور ۳۲۰ با ایجاد ساختمانهای جدید و باغهای زیبا و احداث جاده های اسفالتی نزدیک است که ساختمانهای اطراف خیابانهای شمیران بشهر تهران متصل شود .

قراء شمیران که در دره های سرسبز و مصفا و متعدد دامنه های جنوبی البرز قرار گرفته ، در بهار چشمه سارها و آبشارها طراوت مخصوصی بآن داده و مازاد آب آن بمصرف زراعت قسمتی از دهات غار و فشا پویه میرسد . دره های معروف دامنه البرز عبارتند :

دره پس قلعه ، دربند ، امامزاده قاسم که قصبه تجریش در امتداد آن قرار گرفته . دره هفت حوض ، درکه که آبادیهای اوین و باقره و ونک در امتداد آن قرار گرفته . دره یونجه زار و فرح زاد و دره شاه آباد و دره داراباد .

کثرت ساختمانهای میلاقی و ازدیاد باغها در تجریش و سایر نقاط شمیران مانند **دز اشوب** ، زرکنده ، دروس ، قلک موجب کم آبی شده بطوریکه ساکنین بعضی از نقاط مزبور ناگزیر بوسیله حفر چاه و نصب تلمبه برقی آب مصرفی خود را تأمین مینمایند .

و نیز تپه های خشک الهیه بر اثر آبی که بوسیله لوله از قنات های جدید و لنجک آورده شده محل گردشگاه و تروتمندان و دارای کافه رستوران و سالونهای مجلل برای شب نشینی آماده شده .

دهستان شمران از ۶۰ قریه تشکیل شده که ۳۰ قریه آن کوهستانی و بقیه درجلگه واقع است ، هوای آن در ۱۷ قریه کاملاً سرد و سایر دهات دارای هوای خنک و معتدل هستند و برای زراعت از آب رودخانه و قنات و چشمه و چاه استفاده مینمایند . محصول این قسمت ها میوه های سردرختی ، صیفی کاری و حبوبات و کمی غله است .
دردهات شمران ۶ دیرستان و ۱۷ دبستان دایراست .

آثار و اماکن قدیمه و بقاء متبرکه آن که معروفیت دارد درخت چنار معروف (امامزاده صالح درتجربیش ، ساختمان باغ فردوس (که فعلاً بقطعات تقسیم و یک قسمت آن دیرستان شده است) قصرهای سلطنت آباد - صاحبقرانیه ، منظریه ، ضرابخانه که ازدوره قاجاریه باقیست . و ازساختمانهای جدید کاخهای سعدآباد که باسبک و اصول مهندسی جدید ترتیبات داخلی آن بسیار زیبا و باشکوه ، قالیهای کرمان و کاشان وخراسان بابهترین طرز و نقش درقریه سعدآباد ساخته شده و میهمانخانه بزرگ و باشکوه در بند وویلی اطراف آن که دارای مناظر بسیار زیبا و با طراوت میباشد .

درسلطنت آباد کلاخانه مهم اداره تسلیحات که قسمت مهم آن مهمات سازیست ولی ازساختن وسایل یدکی واسبابهای فلزی هم بی اطلاع نیستند ، برق کلاخانه سلطنت آباد روشنائی شمران را تأمین و مقداری هم به برق تهران کمک میدهد .
در قریه شاه آباد بیمارستان مخصوص و آسایشگاه مسلولین دایراست . در نیاوران هم بیمارستانی جهت بیماران امراض روحی دایر گردیده .
منطقه اقدسیه به اردوگاه دانشکده افسری اختصاص دارد .

۴ - بخش شهریار

دهستان **شهریار** از شمال محدود است به ساوجبلاغ از خاور بدهستان غار از باختر بشهرستان ساوه از جنوب بدهستان **فشاپویه** . این دهستان دارای ۱۳۲ قریه است که همگی درجلگه واقع و فقط درباختر آن ارتفاعات کمی که دنباله کوههای **فمک** ساوه است قرار گرفته .
هوای این دهات معتدل و برای زراعت از آب قنات و بعضی دهات ازمازاد آب کرج و رودخانه القادر که درشهریار **بسیاه آب** معروف است استفاده مینمایند و رود شور هم از جنوب شهریار میگذرد . محصول آن غله ، حبوبات ، چغندر ، سیب زمینی ، صیفی کاری ، میوه های درختی مخصوصاً انگور فراوانی دارد ، تربیت حیوانات اهلی و پرنده خانگی نیز در این دهستان متداول است ، ولی بواسطه بدی طرز آبیاری دهات در اطراف رودخانه ها باطلاقها و آبهایمرا که تولید **پشه مالاریا** نموده و از اینرو دردهستان شهریار بیماری نوبه (مالاریا) فراوان است که تدریجاً به گندزدائی آن مشغولند .
درشهریار ۳۲ دبستان و ۲ دیرستان دایراست . در رباط کریم خرابه های معبد موسوم بتخت رستم از عهد اشکانیان باقیست .

۵ - دهستان طالقان

دهستان **طالقان** از شمال و خاور ب **بخاک مازندران** از جنوب به ساوجبلاغ از باختر به قزوین محدود است .

طالقان در دره **شاهرود** واقع شده و ناحیه کوهستانیست که هوای آن سردسیر و زمینهای زراعتی آن محدود و بواسطه کودی مجرای رود شاهرود کمتر از آب آن استفاده میشود. رود شاهرود از باختر کرده **کندوان** سرچشمه گرفته بطرف خاور جاریست و اغلب دهات طالقان در کنار شعب آن واقع شده‌اند. شاهرود درمنجیل وارد **قزل اوزن** شده بنام سفیدرود از کیلان عبور نموده بدریای مازندران میریزد.

طالقان از دهستانهای کهن و نزهة القلوب آنرا اینطور تعریف میکند:

«طالقان ولایت سردسیر است در شرقی قزوین، طولش از جزایر خالدات (فد م ه) و عرض»
 «آن از خط استوا (لوی) در کوهستان افتاده است و کلاتها و دیهیمها معتبر کمتر میباشد، حاصل»
 «آنجا غله و اندکی جوز و میوه بود، قهیا، کن و کرج از توابع آنجاست. انتهی» .
 دهستان فعلی طالقان دارای ۷۹ قریه است که همه آنها در کوهستان واقع و هوای آن سردسیر و برای زراعت از آب چشمه و قنات و کمی از رودخانه شاهرود استفاده مینماید. محصول آن غله و حبوبات و سیب زمینی است و بعلت کمی محصول اهالی طالقان بیشتر احتیاجات خواربار خود را از ساوجبلاغ و برنج را از مازندران تهیه مینمایند و بواسطه بیلاقی بودن و وجود مراتع در تابستان اغلب احشام ساوجبلاغ بحدود طالقان میروند.

در این دهستان سه دبستان دولتی و ۲۵ مکتبخانه دایراست. از اذنبه قدیمی در یک فرسخی شمال ده **هرنج** آثار قلعه خرابه روی کوه دیده میشود که بقعه منصور معروف است.

جوستان که در کنار شاهرود است تکیه‌ای دارد که بقعه امامزاده هرون در آن واقع است و درهای حرم امامزاده از نظر تاریخی و صنعتی قابل اهمیت است.
 همچنین بنای امامزاده یوسف که تاریخ بنای آن معلوم نیست در مرزعه بادامستان آبادی **دشته** است بنای آن از نظر تاریخی قابل توجه است.
 در این قریه چشمه آبشوری، وجود دارد که پس از خارج شدن آب از چشمه در مجاورت هوا تبدیل به نمک شده و از آن نمک استخراج مینمایند.

۶ - بخش ری

این دهستان که به غار معروف است از شمال محدود است به کوه **سه پایه** و حومه تهران از باختر به **شهریار** از جنوب به **فشاپویه** از باختر به **ورامین**.
 رودخانه های **کن، کرج و رودشور** از شمال باختری وارد این دهستان شده و از جنوب باختری آن خارج میشوند، ولی بیشتر اراضی دهستان غار از آب قنات که از جنوب تهران سرچشمه میگیرند مشروب میشود.

جاده شوسه تهران قم، جاده ورامین، جاده تهران - مشهد از دهات غار عبور نموده و اغلب دهات غار را بهم متصل مینمایند، بعلاوه شهری وسیله راه آهن حضرت عبدالعظیم که در ازی آن ۸۳۶۵ متر است (امتیاز این خط را یک کمپانی بلژیکی در اواسط سلطنت ناصرالدینشاه بدست آورد و قصد داشت آنرا تا قم امتداد دهد حوادث و وقایع اتفاقیه او را منصرف نمود) بیابنخت وصل میشود و راه آهن سرتاسری کشور هم که بمازندران و شاهرود میرود از شهری میگذرد و در محل مزبور یک ایستگاه راه آهن ساخته شده است.

مرکز دهستان غار قصبه ری است چون مدفن قطب‌الموحدین ابوالقاسم حضرت عبدالعظیم (ع) و حمزه بن موسی (ع) و امامزاده طاهر میباشند. زیارتگاه مردم شهرهای مجاور است، اراضی اطراف امامزاده عبدالله، ابن بابویه، بی بی زبیده که در شمال حضرت عبدالعظیم هستند مدفن عده زیادی از بزرگان و سلاطین و علمای دینی میباشند.

حضرت عبدالعظیم در زمان **متوکل** خلیفه عباسی (که نسبت به سادات و آل محمد (ص) بغض زیادی داشت) به ری آمده و در سنه ۲۳۹ هجری قمری رحلت فرمود، مرقده مطهرش در دوره قاجاریه بنا شد و دارای گنبد طلا و ضریح نقره است، در داخل گنبد کچ ببری و آئینه کاری زیباتر است که از نظر صنعت قابل توجه است.

علاوه از جنبه مذهبی بیشتر اهمیت شهرری بواسطه قدمت تاریخی آنست که از شهرهای بسیار قدیمی ایران و سابقاً فوق‌العاده آباد و پرجمعیت بوده، در تهران شهر ری را **داجس** و کتاب اوستا با **سوم** نامیده شده و بزرگترین شهر زمان خود محسوب میشده (آثار خرابه‌های آن دلیل این مدعاست) در دامنه جنوبی کوه بی بی شهر بانو مقبره ایست که اهالی آنرا قبر بی بی شهربانو دختر یزدگرد سوم شاهنشاه بدبخت ساسانی میدانند، در شمال خاوری کوه مزبور قلعه زرتشتی است که طبق آئین مذهبی زرتشتیان مرده‌های خود را (در سطح آن قلعه که در بلندی واقعست و بانردبان میتوان داخل آن شد) در محوطه‌های کوچک کوچک می‌نشانند و روی صورت او پارچه میانده‌ازند. من شخصاً داخل این قلعه را تماشا کردم یک منبرکلی در محوطه جنوبی و یک چسب عمیق در قسمت شمالی سطح قلعه است که محل استخوانهای مرده هاست محل وحشتناکی است.

زیرا چندین مرده زن و مرد را دیدم که نشسته بمن نگاه میکنند و یکی دو نفر هم بیهلو افتاده‌اند و ده‌ها باز و قوچ و کلاغ هم روی چینه دیوار انتظار مراجعت منرا داشتند بدر و دیوار هم لعنت‌هایی شده بود بکسی که تغییری در وضع آنها بدهد، آفتاب غروب کرد خواستم باد و نفری که بامن بودند خارج شویم دیدیم در پیچه ورودی را که هنگام ورود بالا قیدی چفت کرده بودیم دیگر باز نمیشود بالاخره معلوم شد که رمزی در کار است هر چه بفکرمان رسید عمل کردیم غفلتاً در بازشد والا خیال میکردیم باید در این مکان بمانیم و دعا کنیم فوراً یکنفر زرتشتی بپیرد شاید مرگ او موجب خلاصی ما باشد اینجاست باید ممنون علم شد اگر عامی و بیسواد بودیم امکان نداشت بتوانیم رمز بازشدن در را پیدا کنیم.

زرهاة القلوب در مورد ری مینویسد: «تومان ری، این تومان را سوای ری نبوده‌است»، «اکنون که ری خرابست و دامین شهر آنجاست و مواضع دیگر که ذکرش بیاید هر یک قصبه‌شده» «و حقوق دیوانی آنجا هفتصد تومان بوده و ملک ری بعظمتی بوده که حکومتش در اول عمر سعد» «علیه‌اللعنة باعث قتل امیر المؤمنین حسین بن علی رضعنها شد و آن حکایت مشهور است. ری از» «اقلیم چهارم است و ام‌البلاد ایران و بجهة قدمت آنرا شیخ‌البلاد خوانند طولش از جزایر خالدهات» «(عوك) و عرض از خط استوا (لهل) شهر گرمسیر است و شمالش بسته و هوایش متعفن و آبش» «ناگوار در او و با بسیار بوده‌است. انتهی» در ظرف چند سال اخیر مجدداً شهر ری رو با بادی رفته و اکنون شهر نامبرده مرکز بخشداری و اغلب ادارات دولتی و بانکها در آنجا شعبه دارند. بیمارستان فیروزآبادی در حضرت عبدالعظیم، این بیمارستان مجهز بتمام وسایل جدید دارای کلیه بخشهای جراحی، داخلی، مسری، گوش و حلق و بینی، چشم پزشکی، دندان پزشکی و غیره

چندین سال است که دایر شده و بیماران بی بضاعت اطراف در آنجا مجانی معالجه و بستری میشوند. جمعیت آن در سال ۱۳۲۱ - ۱۶۰۵۷۰ نفر بوده است .

دهستان غار ۱۴۰ قریه دارد که فقط یک قریه آن در کوهستان و بقیه در جلگه واقع است ، هوایش معتدل و برای زراعت از مازاد آب رودخانه های کن و کرج استفاده نموده و علاوه هریک از دهات قناتی مخصوص بخود دارند ، محصول آن غلات ، حبوبات ، چغندر ، پنبه مخصوصاً سبزیکاری و صیفی کاری آن زیاد است .

دردهات غار کله داری و گاوداری معمول است و یک قسمت از شیر و ماست مصرفی شهر تهران از آنجا تأمین میشود، اخیراً باغهای جدید احداث و اشجار میوه زیادی دردهات این دهستان غرس شده است . در دهستان مزبور یک دبیرستان و ۲۲ دبستان و ۱۴ مکتب خانه دایر است . از سال ۱۳۱۳ کارخانه بزرگ سیمانسازی در نزدیکی قریه دولت آباد شروع بکار نموده و با دودسته کارگر که تعداد بیشتر از هزار نفر است شبانه روز مشغول کار میباشد کارخانه های دیگری در این دهستان هست که شرح آن بعد بیاید .

دهستان فشاپویه از شمال محدود است به غار از جنوب بدریاچه قم و کویر از خاور بدهستان و رامین از باختر بدهستان **شهریار** و کوههای حسن آباد و **کنارگرد** (از شمال باختری بجنوب خاوری) این دهستان امتداد یافته، مازاد آب رودخانه های کرج ، کن و رودشور از دهستان مزبور میگذرد ولی بیشتر آب زراعتی دهات فشاپویه بتوسط قنات که در محل حفر شده تأمین میشود ، دهستان فشاپویه دارای ۵۴ قریه است که دو قریه آن در کوهستان و بقیه در جلگه واقع و هوای آن معتدل متمایل بگرمی است ، محصول آن غلات ، حبوبات ، پنبه ، چغندر ، صیفی کاری و سیب زمینی میباشد و اشجار آن بیشتر انار و انجیر و سایر میوه ها کمتر است، تربیت حیوانات اهلی و طیور خانگی هم بین ساکنین دهات معمول میباشد ، در این دهستان سه دبستان دایر است .

۷ - بخش کن

مرکز این بخش کن در ۱۴ کیلومتری شمال باختری پایتخت و ابتدای دره سولقان دامنه کوه است ، سردسیر، جمعیت آن در حدود پنجهزار و پانصد نفر، شیعیه و از پنج محله بنام سرآسیا، اسمعیلیان، درقازی، میانده، بالون تشکیل میشود این محلات در خاور رودکن محصول عمده آن توت و انجیر و انار، صیفی کاری و غلات است .

ادارات دولتی آن : بخشداری، دسته ژاندارمری، نماینده بهداری، آمار، پست، محضر رسمی و یک دبستان شش کلاسه دارد .

از آثار قدیمی چند تکیه، دو چنار کهن، علاوه بر آب رودخانه هفت قنات دارد .

حدود کن، **سولقان**، **ارنگه** و **لورا** از شمال بخاک **مازندران** و از جنوب بدهستان **غار** از خاور بشیران و حومه تهران و لواسان و از باختر به **ساوجبلاغ** و **شهریار** محدود است .

اراضی این دهستان در دره کن که از کوههای **رندان** و **سنگان** شروع شده واقع و این دره نسبتاً خشک است و فقط در بهار سیلاب زیاد دارد که پس از مشروب نمودن قسمتی از مزارع غار و فشاپویه بمسئله قم میریزد .

اراضی **ارنگه و لورا** در دره وسطی رود کرج و دره **شهرستانک** واقع رودخانه کرج از کچسر در شمال تا **حصار** در جنوب و از دهستانهای مزبور عبور مینماید و آبهای دره شهرستانک در محلی موسوم به دو آب وارد رودخانه کرج میشود .

دره **ارنگه** دارای مناظری زیبا و باغهای متعدد و اشجار زیاد بوده و راه مخصوص چالوس از کنار رودخانه کرج از دهستان **ارنگه** و لورا عبور مینماید. دهستان نامبرده دارای ۲۱ قریه است که بین دهستانها تقسیم میشود .

الف) دهستان **ارنگه** مرکز آن بهمین نام ۲۲ کیلومتری شمال خاوری کرج ، کوهستانی، سردسیر ، سکنه ۷۸۸ نفر . شیعه فارسی ، دو دبستان دارد ، مسجد و تکیه و سه چهار بقعه قدیمی دارد .

این دهستان دارای ۳۱ قریه است که همگی در کوهستان واقعند برای زراعت از آب رودخانه کرج و چشمه سارها استفاده مینمایند و بواسطه کمی زمین زراعتی غله آن کم است بیشتر محصول آن سردرختی و اشجار میوه و در مراتع آن گله‌های گوسفند و گاو نگاهداری میشود .

ب) **کن و سولقان** - سولقان یک فرسخ شمال کن و ۱۶ کیلومتری شمال شوسه تهران - قزوین . کوهستانی ، سردسیر ، سکنه آن ۱۵۰۰ نفر ، شیعه .

دهستان کن و سولقان از ۲۱ قریه تشکیل شده که ۹ قریه آن کوهستانی و سردسیر و ۱۲ قریه آن در جلگه واقعست ، هوای آن معتدل و برای زراعت از آب رودخانه و قنات و چشمه سارها استفاده مینمایند . محصول آن غله ، حبوبات ، صیفی کاری ، چغندر و پنبه است . باغها و اشجار فراوان دارد ، مخصوصاً در قصبه کن انار و انجیر بحد وفور بدست میآید .

در شمال کن و سولقان و سنگان و کیگا و بقعه امامزاده داود است ، که در تابستان عده زیادی از اهالی تهران برای زیارت و انجام نذورات بآنجا میروند ، ولی جاده شوسه تا یونجه زار بیشتر کشیده نشده در این دهستان ۴ دبستان و دو مکتب خانه دایر است .

ج) **لورا و شهرستانک** که از ۱۹ قریه تشکیل شده هوای آن سرد و تپلاقی است . برای زراعت از آب رودخانه و چشمه سارها استفاده مینمایند ، هوای آن سرد و تپلاقیست ، اراضی زراعتی آن کم و بیشتر باغ و اشجار میوه دارد .

از قراء معروف این دهستان یکی **شهرستانک** است که خیلی قدیمی بوده و شکارگاه و تپلاق تابستانی ناصرالدینشاه بوده است .

و دیگری **گچسار** که در ابتدای تونل **کندوان** واقع شده و اخیراً مهمانخانه آبرومندی در آنجا بنا شده ، اهالی تهران در تابستان برای استفاده از خنکی هوا و مناظر طبیعی در آنجا گردش و استراحت مینمایند .

دهات لورا و شهرستانک بین دو دره واقع شده : اولی دره سرچشمه رودخانه شهرستانک که از قله توچال شروع شده و آبشارهای زیبا و متعددی دارد ، قریه شهرستانک را از اطراف محصور و بتوسط گردنه‌های صعب‌العبور بسایر نقاط مربوط میسازد ، در رودخانه شهرستانک ماهی قزل‌آلا فراوان دیده میشود .

دیگری دره لورا که سرچشمه اصلی آبهای جاری در این دره کوههای **کلون بسته** میباشد و آبهای آن در نزدیکی کندوان در قریه کچسر با آبهای کندوان یکی شده بطرف جنوب سرازیر

ودر دو آب برود شهرستانك اتصال یافته . رودخانه اصلی كرج را تشكيل میدهد . در این دهستان فقط يك دبستان دولتی دایراست .

۸ - بخش لواسان

دهستان لواسان و رودبار قصران - از شمال محدود است بفاك مازندران ، از جنوب بشیران ، از خاور بدماوند ولاریجان از باختر به کن و شهرستانك . کوه کلون بسته از شمال لواسانست و از سه طرف سه رودخانه جاری میشود : یکی دره رودبار که سرچشمه های جاجرود را تشكيل میدهد و از جنوب لواسان میگذرد ، دیگری دره لورا و شهرستانك که رود كرج را تشكيل میدهد ، سومی رود لار که از دره لار گذشته و بدریای مازندران میریزد . هر يك از قسمتهای این دهستان بوسیله كرده های سخت که در زمستان مسدود از برف است بهم متصل میشود مانند **گردنه افجه** بین رودبار ولار و كرده **خرسنگ** بین رودبار و شهرستانك ، كرده **قوچك** بین رودبار و شیران که اخیراً جاده شوسه از این كرده به **شمشك** میروند و كرده **توچال** بین لواسان و تهران .

اراضی لار که در شمال خاوری واقع شده بواسطه ارتفاع زیاد و برف و سرمای شدید آبادیش كم ولی دارای مراتع وسیع در کنار رودخانه لار بوده و چراگاه طبیعی (که بهنای آن ۷ کیلومتر و درازای آن ۶۰ کیلومتر است) تشكيل داده و در تابستان بیشتر گوسفند داران اطراف تهران و چادر نشینان برای استفاده از مرتع مزبور بدره لار میروند .

رودخانه لار دارای چشمه های متعدد مانند **ملك چشمه** و **سفید آب و چهل چشمه** است عرض این رودخانه در دره لار زیادتر از رود هزار است ولی در آن درخت دیده نمیشود و در کوههای آن حیوانات وحشی و درنده و شكار فراوان است و ارتفاع این دره از دریا قریب سه هزار متر است . بعضی جاده های کاروانرو بین لواسان و مازندران از این دره میگذرد ، در اغلب نقاط آن رگه های زغال سنگ در سطح زمین نمایان و در بالای خطالرأسهای بعضی رشته کوههای آن آثار خرابه های قدیمی دیده میشود .

دهات لواسان در شمال جاجرود واقع مزارع متعدد مشروب میشود و در قسمت رودبار چشمه سارهای متعدد جاری و از سه دره بنام **فشم** و دره **میگون** و دره **آهار** آب جاریست که پس از اتصال برودخانه **جاجرود** از **لشگرک** بطرف لواسان کوچک جریان یافته و **رامین** را مشروب میکند .

در زمان پهلوی فقید در نظر بود در لشگرک با ایجاد سد ، آب و برق تهران تأمین شود ولی چون هزینه آن زیاد میشد طرح آن متوقف ماند .

دهستان نامبرده از ۹۱۵ قریه تشكيل شده که بین بلوك مشروحه زیر تقسیم شده است :

الف) دهستان **رودبار قصران** که دارای ۱۵ قریه و همگی در کوهستان واقع و هوای آن سرد و بیلاقیست و برای زراعت از آب رودخانه و چشمه سارها استفاده مینمایند محصول آن غلات ، حبوبات و مخصوصاً میوه های سردسیر است ، در تابستان عده زیادی اهالی هنگام شدت گرما از تهران بدیهستانهای آنجا پناه میبرند ، در این دهستان ۳ دبستان دولتی و ۱۳ مکتب خانه

دایراست . درقریه شمشك معدن زغالسنگ موجود است که توسط بانک صنعتی باآخرین اسلوب فنی ازآن زغالسنگ استخراج میشود .

(ب) **دهستان سیاهرود** از ۳۲ قریه کوهستانی تشکیل شده که هوای آن سرد و برای زراعت از آب رودخانه وچشمه سارهای متعدد استفاده مینمایند، محصول آن گندم، جو، سیبزمینی وحبوبات میباشد، باغهای میوه فراوان دارد، اشجار چنار، تبریزی، افرا و نارون بسیار است، تربیت حیوانات اهلی وپرند ه های خانگی معمول است. دراین دهستان شش مکتب خانه دائر است .

(ج) **لواسان بزرك** - دارای ۱۳ قریه کوهستانیست که هوای آن سرد و بیلاقی و برای زراعت از آب رودخانه وچشمه استفاده مینمایند، محصول آن غلات، حبوبات و میوه میباشد . در مراتع آن گله های گوسفند نگاهداری میشود . دراین دهستان يك دبستان دولتی وه مکتب دایر است .

(د) - **لواسان کوچک** از ۳۱ قریه کوهستانی تشکیل میشود هوای آن سرد و بیلاقی و برای زراعت از آب رودخانه وچشمه سارها استفاده مینمایند . محصول آن غلات، حبوبات و میوه های سردرختی است مرکز آن قصبه **افچه** است دراین دهستان سه دبستان و سه مکتب خانه دایر است . جمعاً ۲۴ دبستان و يك دبیرستان .

۹ - بخش ورامین

دهستان ورامین از شمال محدود است به لواسان ازجنوب به **کویر و مسیله** ازخاور به **گرمسار** و ازباختر به **غار و فساپویه** درشمال آن **سیاه کوه** و دنباله کوه سه پایه قرار گرفته و رودخانه جاجرود از دره های آن کوه میگردد، اراضی ورامین تماماً ازرسوبات رودخانه تشکیل شده و بهمین مناسبت فوق العاده حاصلخیزاست .

رود جاجرود پس ازگذشتن از **پار چین** در **کبود گنبد** بچند شعبه مجزا ازیکدیگر تقسیم شده و هر يك از آنها بمصرف آبیاری قسمتی از اراضی ورامین میرسد -۱- تقسیم آب جاجرود

مرآت البلدان مینویسد :

۱ - «جاجرود دره ایست در چهارفرسخی تهران براه مازندران وشکارگاه معروف»
«سلاطین قاجار بود فتحملیشاه در سال ۱۲۱۳ هجری بنای عمارت کاروانسرا در جاجرود دستور»
«داد و چون برای توقف اوموقع شکار محلی نداشتند درکنار آبادی معروف به **شکر ییک**»
«بنایی درجنب سنگی برای اوساختند در هر سال دوسه مرتبه برای شکار کبک و تیهو بجاجرود»
«میرفت و بطهران بازگشت میکرد، محمدشاه قاجار نیز سالی یکی دوبار باین شکارگاه میآمد»
«ودرست غربی دره بساختن قصر عالی مشتمل بر حرمخانه و دیوانخانه و حمام و باغ هم دستور»
«داد در کوه های نزدیک این قصر کله کله قوج و میش وحشی که بادغالی موسوم است و بز کوهی»
«وتکه یافت میشود و ازخوزستان و اماکن گرمسیر بفرمان شاه دراج آوردند و در جاجرود»
«رها کردند و این دراجها بومی شده زاد و ولد زیاد نمودند و بعداً نیز از مازندران **هرال** و»
«ازست خراسان و یزد چندتن گورخر آوردند و در جنگل جاجرود سردادند . رود جاجرود از»
«مغرب بمشرق جاریست و در کلمه **جائج** شرحی از آن نگاشته شده، در دو معبر این رودخانه»

بین کلیه دهات ورامین بطورمتساوی نیست و فقط دهاتی که از سالهای پیش دارای حق آب از رودخانه جاجرود هستند از آب آن استفاده مینمایند، ولی موقعیت خاک ورامین طوریت که اگر آب رودخانه بقدرکافی باشد تمام دهات سیراب میشوند. پهنای این دهستان ازخاور بیاخر ۳۶ کیلومتر، مرکز آن شهرورامین، جمعیت آن درحدود چهارهزارنفر است.

ورامین ازقراعهکهن ایرانست که درکتب و تواریخ اسم آن زیاد برده شده.

نزهةالقلوب درمورد ورامین میگوید «ورامین درماقبل دهبی بوده است و اکنون قصبه»
«شده و دارالملک آن تومانگشته، طولش ازجزایر خالدات (عزکه) و عرض آن ازخط استوا»
«(لهلط)، درآب و هوا خوشتر از ری است و درمحصول غله ونبه بی مانند، اهل آنجا شیعه»
«اثنی عشری اند و تکبر برطبعشان غالب است. انتهی».

ازآثار و ابنیه قدیمی درورامین: امامزاده یحیی، مسجد ورامین، برج علاءالدین و قلعه ایرج وغیره که درمحل مشهور و مخصوصاً مسجد ورامین ازحیث قدمت و آثارمعماری قابل توجه میباشد، درداخل مسجد مزبورکاشی هائی بکاررفته که دارای جلدی فلزبست و قسمتی از آنها را دزدیده اند، بنای مسجد متعلق به سه دوره مختلف است، بنای اصلی در دوره سلجوقیان و تاریخ آن قرن ششم هجری است و قسمتی که دارای کنبه مخروطی است از آثار دوره غزنویان، قسمتهای دیگری که این دو بنا را بهم متصل نموده جدیدتر است، و برای ساختن قسمت سوم مقداری ازکاشیهای قدیمی را خراب و دوبناراً بهم وصل کرده اند و کاشیهای این بناها دارای جلدی فلزی میباشد که درنوع خود بی نظیر و در بناهای قدیمی ایران کمتر کاشیهای بظرافت کاشیهای امامزاده یحیی دیده میشود، کاشیهای مسجد مزبور سه نوع است.

کاشیهای رنگ، کاشیهای برنجی رنگ، کاشیهای قرمز رنگ مانند مس و این کاشیها در تزئینات داخل محراب و سقف بکاربرده بطوری باهم ترکیب نموده اند که از لحاظ صنعتی فوق العاده جالب توجه میباشد، بعقیده بعضی از متخصصین این کاشیها از کاشیهای مساجد آسیائی و بناهای ایتالیا بهتر و نفیس تر است و چون در اطراف این ابنیه در دوره مغول هم ساختمانهایی شده ممکن است طول مدت تکمیل آنها را از ابتدای سلجوقیان تا آخر دوره مغول دانست. یک برج خرابه در آنجود دیده میشود که کتیبه آن از کاشی و زمینه آجری دارد. این بنا واسطه بین معماری زمان مغول و دوره آق قویونلو و قره قویونلو است از قرار معلوم معماران و نقاشان خارجی هم نقشه زیادی از طرز بنا و کاشیکاریهای مسجد ورامین برداشته اند.

« * پل محکمی بسته شده یکی در معبر گلندوئک و لواسان و یکی دیگر حاجی میرزا بك از »
« فراشهای خلوت خانه های ناصرالدین شاه در معبر بزرگ مازندران از راه سرخ حصار به »
« بوم هند دماوند ساخته است و خاصیت ایندو پل اینست که در ایام بهار و طغیان آب از »
« مازندران بطهران و از آن بطبرستان و لواسانات و نور و کجور جلو گیری مینماید و پلهای دیگری »
« نیز بر روی این رودخانه بسته شده است. در اغلب کوهها حیوانات درنده مانند پلنگ و خرس »
« وغیره هاست - از طهران بواسطه دوره جاجرود میرفتند یکی از راه سرخ حصار که راه »
« معمول جاجرود است کالسه و عرابه الی قصر سلطنتی با کمال سهولت و آسانی میآید، یکی »
« راه مخصوص و شکارگاه پادشاه است. هیئت و موقع جاجرود طوری واقع شده که هنگام »
« تشریف فرمائی موبک شاهانه ببلتزمین رکاب خوش میگردد. انتهی»

شهر ورامین از چند سال باینطرف رو بآبادی گذارده مخصوصا از تاریخ تاسیس کارخانه قند ورامین و کارخانه تصفیه روغن و ایجاد مزارع نمونه از طرف وزارت کشاورزی و تقسیم املاک بهلوی بین رعایا با اتساع کم و طویل‌المده برآبادی آن افزود (کارخانه قند ورامین که از سال ۱۳۱۷ شروع بکار نموده بود به محل دیگری انتقال یافت) محصول کارخانه روغن نباتی ۸۰۰ تن روغن در سال است .

در دهستان ورامین سه دبیرستان دولتی و ۱۷ مکتب خانه دایراست دهستان ورامین که از ۲۰۹۷ قریه تشکیل شده بین چهار بلوک بشرح زیر بخش شده :

الف) **دهستان بهنام پازوکی** دارای ۳۵ قریه است که همگی در جلگه واقع شده و هوای آن معتدل کمی مایل بگرمی است برای زراعت از آب رودخانه جاجرود و قنات استفاده مینمایند محصول آن غله ، حبوبات ، سیب زمینی ، چغندر و صیفی کاریست . این دهستان محل قشلاق ایلات اطراف و زمستان کله های گاو و گوسفند در آن نگاهداری میشود .

ب) **دهستان بهنام سوخته** - دارای ۳۴ قریه است که سیزده ده آن در کوهستان و دارای هوای معتدل و قیه در جلگه واقع شده و هوای آن کمی گرم است ، برای زراعت از آب رودخانه جاجرود و قنات استفاده مینمایند ، محصول آن غلات ، حبوبات ، سیب زمینی ، چغندر ، پنبه و صیفی کاریست اشجار باغ میوه هم بسیار دارد .

ج) **دهستان بهنام غرب** - دارای ۶۸ قریه همگی در جلگه و هوای آن گرم و برای زراعت از آب رودخانه جاجرود و قنات استفاده مینمایند ، محصول آن غلات و حبوبات بحد و فور و چغندر و پنبه و سیب زمینی ، میوه ، اشجار و صیفی کاری میباشد ، در مراتع آن زمستانها کله های گاو و گوسفند نگاهداری میشود .

د) **دهستان بهنام وسط** - از ۶۳ قریه تشکیل شده و در جلگه واقع و هوای آن کمی گرم و برای زراعت از آب رودخانه جاجرود و قنات استفاده مینمایند ، محصول آن غلات و حبوبات بحد و فور و چغندر و پنبه ، سیب زمینی ، صیفی کاری میوه و اشجار میباشد ، در مراتع این دهستان کله های گاو و گوسفند نگاهداری میشود .

بخش هفتم = سوانح و حوادث تهران

وقایع و حوادث تهران بسیار است و شرح آن چندین جلد کتاب را اشغال مینماید آنچه از نظر تاریخ مورد توجه است بطور خلاصه یادآور میشویم :

قضیه رژی

ناصرالدین شاه در آخرین مسافرت خود در اروپا امتیاز انحصار تنباکو و توتون ایران را در ۱۳۰۸ هـ ق برای مدت پنجاه سال بیک شرکت انگلیسی معروف به رژی REJY واگذار نمود که پانزی هم پس از آمدن شاه به تهران مأمورین خود را بشهرها و دهات فرستاد و شروع به جمع آوری و بسته بندی توتون کردید . مردم نزد علما رفتند و گفتند امروز تنباکورا انحصار نمودند فردا نمک پسفردا نان و آب و گوشت را بانحصار اجانب میدهند و پول آن خرج مسافرت فرنگ یا نیاز خانهای قشنگ خواهد شد. مرحوم میرزای آشتیانی حکم بحرم استعمال دخانیات کرد بدین مضمون « بسم الله الرحمن الرحیم الیوم استعمال تنباکو و توتون بای نحوکان در حکم محاربه با امام زمانست عجلاله فرجه . میرزا حسن شیرازی » این حکم در ایران منتشر شد و همه اطاعت کردند .

مردم نیز غوغا راه انداختند و جلوی قصر گلستان اجتماع نمودند و گویا بنایب السالطنه بی حرمتی نمودند . نایب السالطنه وارد ارك شد و دستور داد درب ارك را ببندند مردم هجوم آوردند آقا بالاخان معین نظام که لقب سردار افخمی داشت (پدر سر لشکر خسرو پناه) بسربازان افواج تحت امر خود دستور تیراندازی داد جمعی کشته شدند ولی غوغا فرونشست ناصرالدین شاه بحاج میرزا حسن مجتهد آشتیانی که در تهران نفوذی داشت و قصد ترك ایران را نموده بود مراجعه و خواهش نمود که از مسافرت منصرف شود و در نتیجه جلساتی که در این مورد تشکیل دادند لغو امتیاز و شش کرورد تومان خسارت کمپانی را دولت قبول کرد و چون پولی در بساط نبود کمركات جنوب را نزد بریتانیای کبیر گروگذارند . این اولین قرضه ایران باجنبی بود و بدبختی ملت ستم دیده از این تاریخ شروع میشود . شنیدم در آن هنگام این خبر بمیرزای بزرگ که اعلم مجتهدین و مقیم نجف بودند داده شد ایشان گریستند و فرمودند وای بحال ایران ، چون انگلیسها نقطه حساس و مقام نافذ را بدست آوردند جدیت خواهند نمود که بین عامما فساد ایجاد کرده و طبقه روحانی را مفتضح نمایند .

کشته شدن ناصرالدین شاه قاجار

ناصرالدین شاه چهارم پادشاه خاندان قاجاریه در ۲۲ ذی قعدة ۱۲۶۴ قمری بخت سلطنت نشست بنابراین روز ۲۲ ذی قعدة ۱۳۱۳ نیم قرن از سلطنت او میگذشت در شهرهای ایران و نمایندگیهای اروپا مشغول تهیه جشن پنجاهمین سال پادشاهی او بودند تشریفات مفصلی تهیه شده بود ، سکه های طلا و نقره یادگار جشن ضرب شده بود (یکی از آنها نزد من است . نگارنده) که سه روز پیش یعنی بعد از ظهر روز جمعه ۱۸ ذی قعدة ۱۳۱۳ هنگامیکه در حرم حضرت عبدالعظیم

بطرف حرم امامزاده حمزه میرفت بدست میرزا رضای کرمانی مقتول شد. معمول ایران بلکه کلیه کشورهای مشرق زمین چنین بود هنگامیکه پادشاه کشته میشد یا میمرد انقلاباتی در کشور روی میداد، ولی کاردانی و درایت صدراعظم (امین السلطان) موجب شد که مردم از مرگ ناصرالدینشاه در روزهای اول مطلع نشدند زیرا او نمش را در کالسکه نشانده و عینک بچشمهایش زد و مرتب با او صحبت میکرد و گاهی در حین حرکت آب می طلبید و بدهان شاه مرده میگذازد. میرزا رضا از مرده و اخلاص کیشان سید جلال الدین اسدآبادی (معروف بافتنان) بود. او مردی بود که با اساس سلطنت استبداد ایران مخالف بود بخصوص کینه ناصرالدینشاه را بدل داشت. بهر تقدیر میرزا رضای کرمانی در تهران (سوم ربیع الاول ۱۳۱۴) اعدام گردید دوستان او شیخ احمد روحی و میرزا آقاخان کرمانی بمجرد ورود بایران محمدعلی میرزای ولیعهد در تبریز آنها را گرفت و یک ماه قبل از اعدام میرزا رضا با فجعترین وضعی آنها را کشت. شیخ جمال الدین راهم مسموم نمودند.

انقلابات مشروطیت

علاءالدوله حاکم تهران بدستور عین الدوله صدراعظم در زمان سلطنت مظفرالدین شاه در روز دوشنبه ۱۴ شوال ۱۳۲۳ بعلمت ترقی قند تجار قند فروش تهران را در اداره حکومتی احضار و با آنها اهانت فراوان نمود. و چند نفر را بچوب می بندد منجمله حاج سید هاشم تاجر معروف به سید قندیرا سخت میزند این واقعه در تهران سروصدائی راه میاندازد. مردم قیام کرده و هیاهو راه میاندازند که همین سروصدا منجر بشروطه خواهی شد. سید جمال الدین واعظ در بالای منبر از مشروطه و قانون و عدالتخانه و مجلس شورا صحبت مینمود سید محمد طباطبائی و سید عبدالله بهبهانی و شیخ محمد واعظ بیانات او را تسائید و تصدیق میکردند و مرحوم شیخ فضل الله نوری با این نوع مشروطه مخالف بود.

عین الدوله چند تن از خطبا و ناطقین را که معمولاً معمم بودند تبعید نمود و خواست شیخ محمد واعظ راهم تبعید کند که مردم دخالت و ممانعت نمودند سربازان تیراندازی کردند سیدی کشته شد (۲۸ ربیع الاخر ۱۳۲۴ قمری).

شاید اولین مرتبه بود که بازار تهران بعنوان اعتراض بر علیه رفتار دولت بسته شد و مردم در مسجد جامع اجتماع کردند - تجار و پیشه وران در سفارت انگلیس (قلهک) بست نشستند تدریجاً این جمده در حدود شانزده هزار نفر شدند در شهر هم ولوله ای بود. اتابک مردم مسجد جامع را محاصره نمود از رساندن آب و نان جلوگیری کرد چند نفری کشته شدند علما به حضرت عبدالعظیم و قم مهاجرت کردند مردم هم با آنان هم آهنگ شده پایتخت از تجار و اهل علم خالی شد. بالاخره صدراعظم تغییر کرد شاه که شخصاً خواهان مشروطه بود تسلیم شد و در تاریخ ۲۰ ذیقعد ۱۳۲۴ قمری (پنج روز پیش از مرگ مظفرالدین شاه) قانون اساسی مشروطیت را پادشاه امضاء نمود و ولیعهد (محمد علی میرزا) نیز آنرا صحه گذارد و انقلابات تهران و تبریز و دیگر شهرستانها پایان پذیرفت.

بمباران مجلس شورای ملی

از روزیکه محمد علی میرزا بر اریکه سلطنت نشست و تاج کیانی بر سر نهاد و خود به

مشیرالدوله گفت این تاج بصرمن سنگینی میکند زمزمه مخالفت بامجلس را آغاز نمود و معتقد بود که مجلس شورایملی باید باشد ولی در سیاست دخالت نکنند به نصب و عزل وزرا هم کاری نداشته باشد. لذا میرزا علی اصغر خان امین السلطان اتابک اعظم را که در اروپا مشغول گردش و تفریح بود بتهران احضار و پس از استعفای مشیرالدوله او را به نخست وزیری انتخاب نمود مردم اذوا ناداضی بودند زیرا قروضی از بیگانگان گرفته و کشور را مقروض کرده بود از طرف دیگر او را همه قیده شاه میدانستند لذا بدست عباس آقانا می در جلوی مجلس شورایملی او را کشتند.

روز بروز روابط مجلس و ملت با دربار و شاه تیره تر میشد انجمن های ملی تشکیل مجاهدین انتخاب شدند. مسجد سپهسالار پر بود از مجاهد و انجمن شاه هم اوضاع شهر را سخت دید به باغشاه نقل مکان نمود. شاپشال معلم روسی او - حسین پاشا خان امیر بهادر وزیر چنگ او - پالکونیک لیاخوف فرمانده روسی قزاقخانه او را بر مقاومت در برابر ملت تشویق میکردند تا اینکه چنگ رسمی شروع شد بختیاری های طرفداران شاه در اطراف تهران با قوای مجاهدین بریاست محمد ولیخان سپهسالار در نبرد بودند یکدسته دیگر بختیاریهای ملی با سیلاخورها و قزاق ها در پایتخت درگیر بودند روز پنجم ۱۴ خرداد ۱۲۸۷ برابر ۴ جمادی الاول ۱۳۲۶ چنگ شدت پیدا کرد مجلس بتوپ بسته شد - ملك المتكلمین - میرجهانگیر خان صوراسرافیل در باغشاه کشته شدند در تهران کشتار زیاد شد بالاخره باقرخان و ستارخان تبریزی و قوای سپهسالار رشتی و بختیاریهای طرفدار مجاهدین و ملیون قوای دولتی و مستبدین را شکست دادند روز ۲۸ تیر ۲۳ شعبان ۱۳۲۶ شاه و همراهانش به سفارت روس پناهنده شدند و ملت احمد میرزا را که کودکی بیش نبود در حالیکه از ترس گریه میکرد بشهر آورده و بیادشاهی انتخابش کردند. در این کیرودار روس و انگلیس پیمان ۱۹۰۸ را منعقد و ایران را بین خود قسمت کردند.

کودتای ۱۲۹۹

در دوران کوتاه مشروطیت جوان هرج و مرج رواج گرفت بعضی از جرائد و نویسندگان عفت قلم را رعایت نمیکردند، ثروتمندان مالیات مقرر را نمیدادند، باره می از قلدرها مانند شیخ خزعل و غیره زیر بار حکومت مرکزی نمیرفتند تقریباً تمام طبقات ناراضی بودند، شاه نمیتوانست سلطنت کند لذا احمد شاه مرتب کسالت را بهانه کرده اروپا میرفت، دولت نمیتوانست حکومت کند و بیای سقوت میکرد تراکه در شمال، میرزا کوچک خان و احسان الله خان و خالو قربان درگیلان، اقبال السلطنه در ماکو، سمیتقو در آذربایجان و کردستان طغیان کردند خلاصه در تمام اکناف و اطراف ایران ناامنی و انقلاب بود.

تا اینکه در نیمه شب دوشنبه سوم حوت ۱۲۹۹ نیروی قزاق که مأمور سرکوبی اشرار و متجاسرین گیلان بودند بموجب طرح تنظیم شده قبلی بفرماندهی رضاخان میرپنج (پهلوی فقید) بدون اطلاع و اخطار قبلی تهران را اشغال نمودند. در این هنگام نیروی پایتخت عبارت بود از دورژیمنان منظم (فوج ۱ یوسف آباد و ۲ باغشاه) و یک باطالیون (گردان سوم) ژاندارم که کلنل کرب سوئدی ریاست آنها را عهده دار بود و یک بریکاد (تیپ) سرباز که کلنل لومبرک سوئدی سرپرستی آنها را بهمه داشت و بریکاد فوق العاده بفرماندهی سردار انتصار (مظفر اعلم) و گارد نصرت و گارد اقدس (مأمور گلستان) - ۱۰ - و در حدود پانصد

۱ - نیروی پلیس جنوب عبارت از دو تیپ منظم بفرماندهی انگلیسها در فارس و کرمان

و اصفهان بودند.

آژان (پاسبان) بریاست ژنرال وستداهل سوئدی .
نیروی ژاندارم که اصولاً مداخله و دفاعی نمود نیروی بریکاد یعنی سربازها هم در اطراف خندق باختری شهر موضع گرفته بودند ولی بدون آنکه گلوله‌ای از دهانه توپ یا تفنگ آنها خارج شود همان شبانه بادریافت حقوق عقب افتاده بسربازخانه مراجعت نمودند .
فقط پاسبانها که در جریان عمل نبودند هنگامیکه قزاقها خواستند نظمیه (شهربانی) و کمیساریا (کلانتریها) را اشغال کنند مختصر مقاومتی نموده بآنها و قزاقها چند نفری تلفات وارد شد .

در میدان توپخانه (سپه) از طرف قزاقها دو تیرتوپ شلیک شد و سقف یکی از اطاقهای شهربانی خراب شد .

اهالی تهران که در خواب ناز بودند در اثر شلیک توپ و رگبار مسلسل از خواب بیدار شده از همسایگان میپرسیدند چه خبر است مهتاب آنشب را خوب بخاطر دارم که چقدر درخشان بود .
نگارنده صبح زود بخانه رئیس مدرسه نظام (مرحوم سرتیپ محمد باقر امیر نظامی) رفته ایشانرا در کالسکه خود نشاند بطرف مدرسه نظام (قسمتی از کاخ دادگستری فعلی) روانه شدیم ولی در خیابان فردوسی يك وکیل باشی قزاق پرید جلوی کالسکه و پهلوی کالسکه چی نشست و مارا برد بقزاقخانه (ستاد ارتش فعلی) آن مرحوم رفت نزد میرنج رضاخان پس از ده دقیقه برگشت قیافه آرام و خندانی داشت ، پرسیدم چه شده و چه باید بشود مرحوم خندید گفت هر چه هست خیر است فعلاً مدرسه نظام سه روز تعطیل است .

سرتیپ وستداهل نیز همانموقع بفرح آباد نزد احمد شاه رفته و کسب تکلیف نموده بود ، احمد شاه گفته بود برای انتظامات شهر پاسبانها با قزاقها تشریک مساعی نمایند .

صبح همانروز در جلوی دوازده دروازه شهر و اطراف سفارتخانهها یکمده قزاق ایستاده بود . زندانیهای شهربانی آزاد شده بودند مسلسلها در ایوان شهربانی بحال حاضر باش بودند ، مردم دچار هت و وحرت غریبی شده بودند قریب یکصد نفر از اعیان و رجال منجمله مرحوم مدرس و نصرت الدوله دستگیر و زندانی شدند .

عصر روز چهارم اسفند سید ضیاءالدین طباطبائی مدیر روزنامه رعد عمامه را کنار گذارد . سروصورت اصلاح کرده و کلاه پوستی بر سر فرمان رئیس الوزرائی را در دست گرفته بطرف کاخ ایبض روان بود .

آقای حسین مکی در کتاب خود مینویسد :

روز چهارم حوت نزدیک غروب باماموریتی که از طرف سید ضیاءالدین رضاخان میرنج بسرهنگ باقرخان (مرحوم سرهنگ باقر نیک اندیش معروف به باقر بی - نگارنده) داده شده بود بکاخ فرح آباد میروند و تقاضای تشریف بحضور شاه مینمایند ، شاه او را بار میدهد .

شاه همینکه فهمید نماینده پیشوایان کودتاست پرسید :

شماها چرا بطهران آمدید ؟

جواب داد : بمنظور تقویت حکومت مرکزی و اجرای اوامر اعلیحضرت همایونی .

شاه پرسید : این رضاخان میرنج کیست و چطور آدمی است ؟

— شخصی است کاملاً شادوست و وطنپرست .

شاه : پس میگویند شما بالشویک شده اید ؟

— خیر . قربان ، خلاف عرض کرده‌اند ، ماهمه شاهدوست و وطنپرست هستیم و برای اجرای اوامر اعلیحضرت همایونی و حفظ استقلال و وطن حاضر بجانبازی میباشیم .

شاه : پس چرا بدون اجازه من حرکت کردید .

قربان ، اولاً باآنکه مدتی مدید در سنگرها و بیابانها تا آنجا که توانستیم فداکاری و جانبازی کردیم ، جراید هوچی مرکزی جانفشانی ما را منظور نداشتند و همه گونه تهمت بامیزدند ، اینک آمدیم که مراتب را برض خاکپای مبارک برسانیم و استدعا کنیم که سربازهای شاهدوست بیش از این طاقت توهین ندارند .

دوم اینکه حکومت مرکزی را تقویت کنیم تا اوامر شاهنشاه در تمام کشور بدون هیچگونه تأملی اجرا شود «در اینوقت و لیمهد وارد شد و تعظیم کرد ، شاه اشاره کرد و ولیمهد بطرف مشرق اطاق رفت و ایستاد» .

سوم آنکه ما خود را برای سرکوبی باغیان و دشمنان شاه و دولت حاضر کرده ایم و آماده ایم قشون منظمی تشکیل دهیم .

شاه : شما که چنین نیت و اراده ای دارید چرا شب پیش بازار را غارت کردید «گویا شب پیش در اثر نزاع بین قزاقها و یکنفر زرگر جمعه آئینه زرگر شکسته و مقداری طلاهای او حیف و میل شده بود — نگارنده» .

خیر ، قربان خلاف عرض شد . اینهم یکی از همان موارد است که حقیقت را برخلاف عرض کرده اند (صدق السلطنه که با سرهنک شرفیاب بود تصدیق نمود) .
شاه : در اینصورت خاطر ما خوشوقت است .

سرهنک باقرخان اظهار کرد غیر از این نیست ، شاه اظهار کرد خیلی خوب بروید .

بعد سرهنک باقرخان عرض کرد ، استدعائی هم دارم : اگر اجازه بفرمائید برض برسانم ، شاه گفت بگو . سرهنک باقرخان اظهار داشت برای اینکه خاطر مبارک آسوده گردد بایستی دولتی تشکیل و جبران گذشته بشود .

شاه پس از اندکی تفکر و قدم زدن میگوید : خیلی خوب ، کی را در نظر دارید ، سرهنک باقرخان اظهار داشت بعقیده غلامان : سید ضیاءالدین مدیر روزنامه رعسله بد نیست . شاه باز اندکی تأمل کرده و دندان را بر روی لب فشار داد و باقیافه گرفته شروع بقدم زدن کرده گفت بگوئید بکاینه حکم او را بنویسند ...

« نظر ب اعتمادیکه بحسن کفایت و خدمتگذاری جناب میرزا سید ضیاءالدین داریم ، معزی الیه »
« درای مقام ریاست وزراء برقرار و منصوب فرموده و اختیارات تامه برای انجام وظایف ریاست »
« وزرائی بمعزی الیه مرحمت فرمودیم . جمادی الثانی ۱۳۳۹ » .

دستخط زیر نیز روز سه شنبه ۴ حوت از طرف احمد شاه از قصر فرح آباد صادر و مقرر گردید که بتمام ایالات و ولایات مخابره شود .

« حکام ایالات و ولایات در نتیجه غفلت کاری و لاقیدی زمامداران دوره های گذشته که »
« بی تکلیفی عمومی و تزلزل امنیت و آسایش را در مملکت فراهم نموده ، ما تمام اهالی را از »
« فقدان هیئت دولت ثابتی متأثر ساخته بود مصمم شدیم که بتعمین شخص دقیق خدمتگذاری که »
« موجبات سعادت مملکت را فراهم نماید بیحرانهای متوالی خاتمه بدهیم » .
« بنابراین باقتضای استعداد و لیاقتی که در جناب میرزا سید ضیاءالدین سراغ داشتیم »

«هموم خاطر خود را متوجه معزی‌الیه دیده ایشان را بمقام ریاست وزراء انتخاب و اختیارات تامه»
«برای انجام وظایف خدمت ریاست وزرائی بمعزی‌الیه مرحمت فرمودیم . شهر جمادی‌الآخر»
«۱۳۳۹ احمد شاه» .

رئیس‌الوزرا و رئیس دیویزیون قزاق هر يك اعلامیه‌های مفصلی انتشار دادند قوام‌السلطنه والی خراسان توسط مرحوم کنل محمدتقی‌خان و صارم‌الدوله والی کردستان دستگیر و بتهران فرستاده شد مصدق‌السلطنه والی فارس بحکومت کودتا تن‌در نداده و در بین خوانین بختیاری مخفی شد.

جمهوری

چندی بود که از ایالات و ولایات تلکرافاتی از طرف مردم (که قطعاً بر حسب اشاره مأمورین دولت مخصوصاً نظامیان بود) بر کرم‌مخا بره و از سلطنت قاجاریه مخصوصاً احمد شاه اظهار تفر نموده و تقاضای جمهوری مینمودند که سردار سپه رئیس آن باشد و این عمل بیشتر تقلید از جمهوری ترکیه و ریاست جمهوری مصطفی کمال‌پاشا (آتاتورک) بود . بدیهی است دولت و سفیر شوروی در این مورد بیکار ننشسته و تبلیغاتی بنفع سردار سپه مینمودند .

در تهران هم اجتماعاتی میشد که رهبران آنها سهراب زاده بود مجلس شورا هم جمعی از وکلا بر رهبری مرحوم سید محمد تدین با این نتمه هم آواز و دم‌ساز شدند کلاً جمهوری کم‌کم بالا گرفت تا اینکه حتی روز جمعه اول فروردین سردار سپه و ارتش و مأمورین دولتی بسلام محمد حسن میرزای ولیعهد (آن هنگام احمد شاه در فرنگستان بود) نرفتند و سلام آنسال در بارخیلی تق و لوق بود .

روز دوم حمل ۳۰۱ که گویا مصادف با میلاد مسعود حضرت حجة (ع) بود جمعیت زیادی در حدود سی هزار نفر (که قسمت اعظم آنها مخالف جمهوری بودند) باشمارهای جمهوری وضد جمهوری بمجلس آمدند آن هنگام من دانشجوی دانشکده افسری بودم و بسالباس مبدل در این تظاهر بیطرفانه شرکت نموده و خود را بداخل مجلس رساندم .

داخل مجلس و محوطه جلوی بهارستان ملو از جمعیت بود حاج آقا جمال واعظ اصفهانی و خالصی زاده که از مخالفین سرسخت جمهوری بودند سوار بر الاغ بمجلس آمدند . ساعت چهار بعد از ظهر سردار سپه که تنها در درشکه نشسته بود بمجلس آمد سربازان جلوی بهارستان ادای احترام نمودند و جمع قلیلی فریاد زدند زنده باد اعلی حضرت سردار سپه رئیس جمهور ولی فوراً مورد ضرب و شتم مردم واقع شدند .

در داخل مجلس هم بطرف سردار سپه آجری پرتاب شد که بدستور ایشان سربازان بمردم حمله کرده عده‌ئی را کتک زدند الاغ حاج آقا جمال در اثر ضربات سرنیزه سقط شد عده زیادی از مردم بکلانتری که در محوطه بهارستان بود جلب و بقیه مردم پراکنده شدند .

سردار سپه هم بطرف سرسرای مجلس روان گردید ، مؤتمن‌الملک رئیس مجلس باتغیر و تشدد زیاد بایشان گفت : این حرکات چیست ، چرا سربازان مردم را در خانه خودشان کتک میزنند .

سردار سپه جواب داد: من رئیس دولت حفظ انتظامات و جلوگیری از اغتشاشات بامن است . رئیس مجلس گفت : تو رسمیت نداری ، الآن تکلیف‌ت را روشن میکنم در حالیکه از شدت تغیر میلرزید ، فریاد زد: سید محمود زنگ مجلس را بزن تا تکلیف رئیس دولت را معلوم کنم . سردار سپه که دید قاضیه را باخته باکمک و کلای موافق خود درصدد رفع و رجوع و

استمالت برآمد . باطاق علما و نمایندگان اصناف تهران که در یکی از اطاقهای مجلس نشسته بودند رفت و گفت :

حال که ملت ایران جمهوری نمیخواهد منم اصراری ندارم ، ولی آقایان باید تکلیف من واحمد شاه را معین کنند زیرا با این ترتیب دیگر من نمیتوانم با او کار کنم .
در این هنگام جمع زیادی باچوب وچماق بمجلس ریخته وباشعار ما دین نبی خواهیم -
جمهور نمیخواهیم آقایان علما را بمنزیشان رسانند .

سردار سپه به بوم هن رفت و بر حسب اصرار وکلا چند روز بعد بقم عزیمت نمود و از علمای مقیم قم (عده از علمای تهران هم بقم رفته قصد مهاجرت را داشتند) از آقایان علما تحبیب نمود و قول داد دیگر در اطراف تغییر رژیم و تبدیل سلطنت بشروطه اقدامی نکند و پس از مراجعت بتهران بیانه ای هم در این خصوص صادر نمود اینک قسمت اخیر آن بیانه : «... اینستکه بتمام»
«وطنخواهان وعاشقان آن منظور مقدس نصیحت میکنم که از تقاضای جمهوریت صرف نظر کرده»
«و برای نیل بمقصد عالی که در آن متفق هستیم باهم توحید مساعی نمایم» .

رئیس الوزرا وفرمانده کل قوا - رضا

قتل مائزور ایمبری کنسول امریکا در تهران

موضوع امتیاز نفت شمال در مجلس شورایی مطرح بود و کمیانیهای امریکائی برنده شناخته شده بودند . در این ضمن شهرت پیدا کرده بود سقاخانه آشیخ هادی معجزه کرده و مردم برای تماشا اطراف آن جمع ومعدودی تظاهرات مذهبی میکردند بازار ومجلات را بهمین مناسبت چراغانی کردند دسته های از مجلات دیگر بطرف سقاخانه میرفت شمار بعضی از آنها این بود «سقاخانه شیخ هادی از معجز ابوالفضل کور شده چشم بابی» .

بعد از ظهر جمعه ۲۷ سرطان ۱۳۰۳ (۱۵ ذیحجه ۱۳۴۰) مائزور ایمبری imBriE مادر مرده ازمه جا بی خبر بقصد عکس برداری از اداره کنسولگری (محل بیمارستان رضانور فعلی) بادوربین عکاسی بحدود سقاخانه آمد که از این اجتماع عکس برداری نماید . مردم از عکس برداشتن جلوگیری میکنند آن بدبخت سرسختی میکند در این موقع آن دستی که باید فوراً دخالت کرده و مردم را تحریک مینماید مردم بطرف کنسول و رفیقش هجوم آورده ولی آنها بداخل درشکه ای پریده بطرف خیابان استخر فرار میکنند ولی مردم دست از تعقیب برنداشته باچوب وسنگ او را مجروح میکنند بالاخره کنسول را با اتومبیل بیمارستان شهربانی میبرند ولی ازدحام مردم بآنجهام رفته و کار او را یکسره میکنند اینموضوع در جهان بشریت غوغائی راه انداخت و در تهران چند نفر محرک اعدام شدند ودولت ازدولت امریکا عذرخواهی نمود وحکومت نظامی در تهران اعلام شد.

بلوای نان

چندی بود که محرکین قصد داشتند بر علیه دولت سردار سپه سروصدائی راه بیاندازند ، تصادفاً در سال ۳۰۴ موضوع نان تهران بملت کمی غله کمی سخت شده بود روز چهارم مهر دختر حاجی کلاتر نامی چادز دورکمر ورو بنده دور کردن بیچیده چوب بلندی دست گرفته عده ای از زندهای چاله میدان را برداشت فریاد الجوع الجوع بلند کرد . بطرف بهارستان روان شدند مردم هم بآنها تاسی بسته در عقب سر آنان رهسپار شدند بطوریکه جلوی مسجد که رسیدند قریب دوهزار زن وهشت هزار مرد بودند .

مرحوم مدرس که آن موقع طرفدار سردار سپه بود (پهلوی فقید در این موقع نخست وزیر ایران بود) بدولت اطلاع میدهد که از غامله و هجوم مردم بمجلس جلوگیری کند سردار سپه بمجلس آمده در حالیکه پهلوی مدرس قرار گرفته بود مدرس هر چه مردم را نصیحت کرد مؤثر واقع نشد لذا سردار سپه اجازه تیراندازی داد بدو چند رگبار مسلسل رو بهوا شد ولی چند نفری فریاد زدند مردم نترسید این تیرها پنبه است بزنی بکشید اینها ما را از کرسنگی خواهند کشت مردم باسنگ و چوب بطرف سربازان حمله کردند مجدداً چند تیر بطرف جمعیت شلیک شد که یکنفر سید کشته و چندین نفر مجروح شدند . مجدداً حکومت نظامی اعلام و جمعی بنام محرک دستگیر و تبعید شدند.

خلع قاجاریه و پادشاهی رضا شاه کبیر

هنگامیکه سردار سپه از جمهوریت مایوس و منصرف شد بیکارنشست و دست با اقدامات و تبلیغاتی بر علیه احمد شاه زد و سودای سلطنت را در کله اش پروراند مردم هم بطور کلی از خدومات او مخصوصاً امنیت کشور و سرکوبی اشرار و یاغیان فوق العاده راضی و از احمد شاه و سلسله قاجاریه تنفر داشتند . زیرا در دوران سلطنت این هفت پادشاه لطمات زیادی بکشور وارد شده بود قفقاز از دست رفت . افغانستان از ایران مجزا شد و خیلی صدمات دیگر...

این بود که در سال ۱۳۰۴ کم کم فکر خلع قاجاریه در مغزها پیدا شد و مأمورین دولت و عمال آنها در تقویت این فکر کوشا بودند ، مجلس پنجم هم غالب و کلایش از برگزیدگان دولت و طرفداران سلطنت سردار سپه بودند مدتها در اطراف آن صحبت شد تا در جلسه پنجشنبه هفتم ابان طرحی بامضاء عده زیادی از وکلای دایر بخلع قاجاریه پیشنهاد شد. آنروز مذاکرات بتنیجه نرسید و مخالفین مجلس را (بعلت تیراندازی جلوی مجلس و کشته شدن واعظ قزوینی) از اکثریت انداختند .

مجلس سه ربع ساعت پیش از ظهر شبیه نهم ابان تشکیل شد (مؤمن الملك حاضر نشد و سید محمد تدین نایب رئیس مجلس را تشکیل داد) و پس از مذاکرات زیاد ماده واحده با اکثریت آراء تصویب شد :

« مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت ، انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام و »
 « حکومت موقتی را در حدود قانون و قوانین موضوعه مملکتی بشخص آقای رضاخان پهلوی »
 « واگذار میکند ، تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول بنظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر »
 « اصول ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود . »

و سر لشکر عبدالله خان امیر طهماسبی حکومت نظامی تهران - سرتیپ مرتضی خان یزدان پناه فرمانده لشکر مرکز و سرهنگ محمد درگاهی رئیس شهربانی ولیعهد را ملاقات و او را با وضع بدی و ادا بخرج از ایران نمودند .

مجلس مؤسسان که عده آن ۲۳۰ نفر بود در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۰۴ برابر ۱۹ جمادی الاول ۱۳۴۴ تشکیل و پس از چهار جلسه مواد لازم قانون اساسی تغییر و رضای پهلوی سر سلسله خاندان پهلوی انتخاب گردید روز ۲۵ آذر ۳۰ جلوس نمود و روز ۴ اردیبهشت ۱۳۰۵ تاجگذاری کرد و روز ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ مستعفی و از طرف متفقین بجزیره موریس و سپس به ژانسونبورگ تبعید گردید .

در دوران سلطنت این پادشاه بزرگ که محققاً در ردیف بزرگترین سلاطین ایرانست در

تهران حوادث مهمی روی نداد مگر واقعه شهریور ۱۳۲۰ .

حادثه خونین شهریور ۱۳۲۰

از وقایع شهریور ۲۰ همه کس آگاه است اینجا بطور مختصر تکرار میشود . روز دوشنبه سوم شهریور دولتین روس وانگلیس باتبانی قبلی در ساعت چهار بعد از نیمه شب از اطراف بکشور بلا دفاع ایران حمله کردند (حمله به کیلان و مازندران روز سه شنبه چهارم و بغراسان روز چهارشنبه پنجم شهریور صورت گرفت) و سفرای روس وانگلیس در ساعت ۴ صبح منصور نخست وزیر ایران را از خواب بیدار نموده و با پیژاما او را ملاقات و یادداشت های دولتین خود را تسلیم نمودند .

ولی دولت مرکزی نگذارد اهالی تهران تا عصر آنروز از این حادثه هولناک مطلع شوند . بعد که خبر منتشر گردید و دولت دستور خاموشی شب را داد مردم متوحش شدند البته ستون پنجم روسها هم بیکار ننشسته (یکی دو ماه قبل چندین هزار نفر ترک و فارس زبان را روسها از کشور خود بیرون کرده و آنها را بنام ایرانی بودن تحویل مقامات ایرانی دادند که در تمام ایران پخش شدند و بین آنها مأمورین مخصوص شوروی بود که برای يك چنین روزی خود را آماده میکردند) ضمن انتشار اخبار دروغ (روسها بزن و دخترها ترحم نمیکنند - مردهارا میکشند ، خانه هارا آتش میزنند و چنین وچنان میکنند) بروحشت مردم افزوده تاجائیکه قریب سی هزار نفر از اعیان و اشراف بقم و اصفهان و یزد و دهات جنوبی پناه بردند . دولت منصور سقوط کرد و دولت فروغی روی کار آمد این مزد خدماتی بایران نمود ولی توانست از ورود اجانب بیاینتخت و سقوط پهلوی جلوگیری کند .

چون کشتی اقبال شهریار مقتدر ایران بر اثر طوفان حوادث و هجوم تاجوان مردانه ارتش های روس وانگلیس بایران در هم شکست روزه ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ رضاشاه کبیر که از صولتش شیران بیشه شجاعت خواب راحت نداشتند بنفع فرزند ارشد و ولیمهدش محمد رضاشاه پهلوی استعفا نمود و تاج و تخت کیانی را بفرزند برومندش واگذار نمود و پس از واگذاری کلیه اموال منقول و غیر منقول بشهریار جوانیخت از طریق اصفهان - یزد - کرمان - بندرعباس از ایران طرد گردید آزادی بعد از مشقت و تحت قید و انضباط بودن سالیان دراز تبدیل به افسار گسیختگی شد احزابی تشکیل شد که احصاء آنها مشکل است بعضی آنها بدست اجانب و نفع بیگانگان بود تشکیل شد دائماً حوادث و اغتشاشاتی بود که یکی بعد از دیگری لطمات شدیدی بایران وارد نمود . اشرار تقویت شدند تاجائیکه صولت السلطنه در خراسان ادعای سلطنت نمود . خسرو قشقائی پسر مرحوم صولت السلطنه که مرد وطنپرستی بود به تیپ سمیرم حمله نمود افسران راکتت افراد را متواری و اسلحه و مهمات اموال آنها را غارت کرد مردم دائماً متزلزل و هیچکس در کنار راحت و ساحل فراغت نیارمید . تهران هم هر روزش یکرنگ بود حادثه ای پشت حادثه دیگر کشتی تهرانپهرا چهارموجه ساخت ، هربهاری که آفتاب فروردین میتابید يك انقلاب تابستانی ددر و هر خزان که خورشید روه بیمهری شروع مینمود يك آشوب زمستانی در بر داشت . گرانای اجناس ، حضور ارتش های بیگانه ، هجوم مردم گرسنه دهات و دیگر شهرستانها بیاینتخت ، بیماریهای ساری مسانند تیفوس و تب راجمه و رواج فسق و فجور مزید بر بلا و ابتلای اهل پاینتخت شده مردم را دچار نکبت و وبال ساخته بود . از پروردگارتوانا مسئلت داریم که این حوادث تکرار نشود

حوادث بعد از شهریور

بطور کلی پس از دور شدن پهلوی فقید از ایران و حمایت علنی ارتش شوروی مقیم ایران از حزب توده و رجاله بازیها وضع ایران بخصوص تهران هر آن قابل انفجار بود و صدها وقایع اتفاق افتاد مانند «واقعه ۲۱ آذر» حکومت قوام که جمعی جلوی مجلس کشته شدند و واقعه هشتم فروردین ۳۰ که توده ایها در جلوی مجلس با نیروی انتظامی درگیر شده و چهار نفر مقتول و چهار نفر مجروح شدند یا حادثه ۱۴ دی که مصدق برای گرفتن اختیارات خود راه انداخته بود قتل هژیر و دهقان و رزم آرا ترور بی نتیجه فاطمی و غیره ولی مهمترین واقعه سه حادثه است که شرح داده میشود :

۳۰ تیر ۱۳۳۰

روز ۲۶ تیر مصدق السلطنه قصد داشت ضمن معرفی کابینه ، خود را بعنوان وزیر جنگ معرفی کند شاه زیر بار نرفت و اظهار داشته بود وزیر جنگ باید مرد نظامی یا اقل شخص توانائی باشد شما بیمار هستید و از زیر پتو خارج نمیشوید . او هم افکار را تحریک نمود و اعلامیه ای صادر کرد که چون وزارت جنگ را بن نمیدهند قطعاً از این کار منظوری دارند منم استعفا میدهم ، مجلس هم بقوام السلطنه رأی داد فرمان اوصار شد اعوان و اطرافیان مصدق و وکلای مجلس طرفدار او روز دوشنبه ۳۰ تیر را تعطیل عمومی اعلام کرده و مردم در خیابانها اجتماع نمودند بتحرک وکلای موافق مصدق و ماجراجویان مردم بطرف سربازان حمله کردند بالنتیجه زد و خورد سختی در خیابانهای تهران در گرفت قریب ۳۲ نفر کشته شدند و صد و چند نفر مجروح گردیدند قوام ناچار باستعفا شد مصدق حرف خود را سبز کرد و وزارت جنگ را هم ضمیمه نخست وزیری و سپهبد نقدی و سپهبد آق اولی را همه کلاه ارتش نمود اولی خیلی خشک و با انضباط بود دومی هم ماهی پنج هزار تومان بانک سپه پایند با کمک مصدق ارتش را بروز سیاه نشانند و اعمال ناروائی انجام شد .

جلوی کاخ سفید شاه

روز نهم اسفند ۱۳۳۱ کاسه صبر شاه لبریز شد چون مدتی بود بنام لایحه کمیسیون ۸ نفری مصدق نظر داشت که اختیارات شاه را محدود کند و بگوید تمام اختیاراتی که قانون اساسی بشاه داده تشریفاتی است اقلیت زیر بار نرفتند مصدق هم هر روز بهانه ای میتراشید . گاهی میگفت علیاحضرت ملکه مادر باید از ایران خارج شود شاه گوش میداد گاهی بوالاحضرت شاهدخت شمس ایراد میگرفت زهانی شاهدخت اشرف بالاخره همه را از اطراف شاه تارومار کرد .

بهانه اخیرش آن بود که علاء هم از وزارت دربار باید برود اینها موجب شد که شاه بمصدق گفت قصد خروج از کشور را دارد او هم با کمال وقاحت مقدمات سفر را فراهم نمود حتی اتومبیل اتانیه شاه از راه زمین ببنداد رفت قرار بود که بعد از ظهری شاه با طیاره عزیمت نماید . معلوم نشد این خبر از چه ناحیه ای در شهر پیچید (میگویند چون شاه بساحه الاسلام بهبهانی قصد تودیع داشت ایشان مردم را متوجه وخامت اوضاع نمودند) غفلتاً جمعیت شهر بدور کاخ اجتماع کرد مردم گریه کنان فریاد میزدند ما شاه خود را میخواهیم ما نخواهیم گذارد پادشاه از کشور

خارج شود دکتر مصدق که در کاخ سفید بود و این اوضاع را مشاهده کرد از در مخفی خود را بنزله رساند و اعلیحضرت همایونی عصر آنروز در برابر مردم نطقی ایراد کردند که بمنظور احترام و خواسته های شما از سافرتی که بمنظور ممالجه خود و ملکه بود منصرف شدم و معلوم نشد محرک چه کسانی بودند که قسمتی از جمعیت در حدود هزار نفر بطرف خانه مصدق رفتند (شعبان جعفری در بازپرسی گفته بود قصد ما این بود که دکتر مصدق را ببریم در بار تا او دست شاه را بیوسد و مانع حرکت بشود) تیراندازی از طرف محافظین منزل شروع شد یکنفر کشته و چند نفر مجروح شدند ولی مردم هجوم بردند دکتر مصدق با دکتر فاطمی با پیژامه بدو خود را بستاد ارتش رسانده و از آنجا با همان حالت رفت بمجلس شورا و قصد تحصن در مجلس را داشت .

واقعه روز سه شنبه ۲۸ مرداد

برای تشریح این واقعه مهم بایستی کمی بعقب برگشت : روز ۲۹ فروردین (سال ۳۲) سر تیب افشار طوس رئیس شهر بانی که از منسوبان دکتر مصدق بود مفقود گردید . پس از چند روز جنازه او در تپه های تلو از زیر خاک بدست آمد در طی این چند روز عده ای از امرای ارتش و ده دوازده نفر اشخاص متفرقه دستگیر و زندانی شدند و بطوریکه انتشار دارد و متهمین بعداً اظهار نمودند آنها را مورد آزار و شکنجه (برای گرفتن اقرار) قرار داده اند و از جمله متهمین اصلی مانند حسین خطیبی عضو حزب زحمتکشان و سر تیب بایندر ، مزینی ، زاهدی و دکتر مزنه ، آقای دکتر مظفر بقائی استاد دانشگاه و رهبر حزب زحمتکشان و نماینده مجلس شورایی (از تهران و کرمان) را محرک این جنایت معرفی نمودند بنا بر این عده ای از افسران بازنشسته و جمعی از روشنفکران که این صحنه را ساختگی میدانستند رفتند در صف مخالفین دکتر مصدق . در مجلس هم زمزمه ناراضیتی شروع شد بطوریکه در انتخابات هیئت رئیسه که باید فراکسیون نهضت ملی صد درصد موفق شود نشد و میراشرافی از مخالفین سرسخت دولت که مدیر روزنامه آتش هم بود با ۴۰ رأی بسمت کلبرداز انتخاب شد منتها چون دیگری هم ۴۰ رأی داشت میراشرافی را انتخاب نکردند همچنین حسین مکی نماینده اول تهران که از مخالفین معقول و بیصدای دولت بود با چهل رأی بسمت نماینده ملت در بانک ملی انتخاب شد .

دکتر بقائی پس از چندین جلسه نطق در مورد اینکه قتل سر تیب افشار طوس صحنه سازیست اسنادی بمجلس سپرد تا در کمیسیون دادگستری بررسی شود . دولت هم تقاضای سلب مصونیت از دکتر بقائی را نمود که باید بدو در کمیسیون دادگستری بآن رأی گرفته شود .

در انتخاب هیئت رئیسه و کمیسیونها ، بیشتر اعضای کمیسیون دادگستری از مخالفین دولت بودند در این جریان عده ای از منفردین دو فراکسیون بنام اتحاد و کشور تشکیل دادند که وضع آنها بمرای دکتر مصدق روشن نبود و موقعیکه مجلس رأی مخفی میگرفت اینها بمخالفین دولت کمک میکردند .

در این بین یکنفر از مخالفین دکتر مصدق را استیضاح نمود و وزیر کشور هم گفت میآئیم در مجلس و پاسخ میدهیم .

ولی دکنر متوجه شد که اگر چه ظاهر مجلس بنفع و تحت تأثیر اوست لکن بطوریکه در مورد انتخاب مکی و میراشرافی دیده شد بهیچوجه فراکسیونهای اتحاد و کشور و منفردین مورد اعتماد

نیستند و ممکن است استیضاح منجر بسقوط دولت او بشود بخصوص آنکه نظیر افراد مخالف دولت (مانند حائری زاده، مکی، دکتر بقائی) در صف موافقین او وجود نداشت اینها مردمانی حراف، نطاق، مطلع، منتقد و دارای وجهه. لذا یگانه چاره دکتر مصدق این بود که مجلس را منحل کند. انحلال مجلس يك راه داشت و آن این بود که طبق مواد قانون اساسی (که در مجلس مؤسسان که در سال ۱۳۲۸ تشکیل شد و باره‌ئی از مواد قانون اساسی را تصحیح و تکمیل نمود) شاه فرمان صادر کند.

اما دکتر مصدق کراً در دوره ۱۶ مجلس مؤسسان آنسال را قانونی نمیدانست و این مواد را مضر بحال مشروطیت میدانست و کراً طرحهایی تهیه کرد که مجلس شورا را آن مجلس را لغو نماید ولی نمایندگان زیر بار نرفتند بهلاوه معلوم نبود اگر اوتقاضای انحلال مجلس را مینمود شاه تصویب کند زیرا قوام السلطنه هم در همان روزهای بحرانی و غوغای اواخر تیرماه ۳۳۰ همین تقاضا را نمود ولی اعلیحضرت همایونی فرموده بودند این اختیاری را که ملت بمن داده جز در موارد خیلی ضروری از آن استفاده نخواهم کرد.

يك راه دیگر بساقی بود آنهم این بود که و کلا کلیه استعفا نمایند ولسی اقلیت زیر بار نرفت.

فکر بکری بخاطر مصدق رسید، آن رفرا ندیم و جلب نظر مردم در باره مجلس بود. لذا اخطار کرد که از مردم خواهم پرسید و روز ۱۲ مرداد در تهران رفرا ندیم انجام گرفت در تهران ۱۰۱،۳۹۶ نفر با انحلال مجلس ۶۸ نفر با بقای آن رأی دادند.

روز ۲۰ مرداد هم در سایر شهرستانها رأی گرفتند بیشتر از يك میلیون نفر رأی موافق دادند و رویم گرفته موافقین در حدود دو میلیون نفر و مخالفین بیش از چند صد نفر نبودند در این روز چند نفر در ملایر و یکنفر در مشهد کشته شدند. رأی دهندگان بیشتر احزاب توده و چپی بودند که هر نفر چندین مرتبه رأی بصندوق انداخته بودند.

این موضوع بسیار که در هیچیک از قوانین ما بآن اشاره‌ای نشده شاه را متوحش نمود. اقلیت در مجلس متحصن شدند روزنامه‌های طرفدار دولت و جرائد توده دست چپی در باره با یاد فحش و ناسزا گرفته و علناً بشاه فحش میدادند و اظهار عقیده میکردند رفرا ندیم دیگری برای تغییر رژیم لازم است. جز اقلیت و چند نفر از منقر دین بقیه و کلام استعفا داده و در رفرا ندیم شرکت نمودند.

اعلیحضرت همایونی در این هنگام در قصر ایلانی کلاردشت بودند وقتی وضع را بدینمنوان دیدند فرمان نخست و زیری سر لشکر فضل الله زاهدی را در تاریخ ۲۲ مرداد صادر نمودند ولسی برای خود او فرستادند (در این موقع سر لشکر زاهدی از تحصن مجلس خسار ج و مخفی بود و مصدق برای دستگیری او جوایزی تعیین کرده بود).

نیمه شب ۲۵ مرداد سرهنک نهیری فرمانده واحدهای گارد شاهنشاهی رونوشت فرمان را در منزل دکتر مصدق باو داد. نخست وزیر فوراً امر بدستگیری او داد و چون هاشم دکتر فاطمی وزیر خارجه و چند نفر از طرفداران دولت دستگیر و بعد آزاد شده بودند این واقعه را دولت باشاخ و برکی کودتای نظامی نیم بند شکست خورده معرفی کرد گارد سلطنتی را منحل و خلع سلاح نمود. شاه و ملکه هم بدون اطلاع قبلی باطیاره بمقداد عزیمت نمودند. وزیر خارجه به سفرا دستور داد شاه فراری را دیدن نکنند و در روزنامه باختر امروز و در رادیو نسبت باو اهانت و بی احترامی کرد.

فراکسیون نهضت ملی هم که برای انجام تشریفات قبول استعفای خود از حضور در مجلس سر باز زده بودند در میدان بهارستان جمعیت تهران را خبر کرد. هر يك نطقهائی نموده مردم را بر علیه شاه و دربار تحريك نمودند احزاب توده و چپی ریختند مجسمه های پهلوی فقید و اعلیحضرت همایونی را شکسته عکس شاه هر کجا بود پاره کرده صحبت از شورای سلطنتی و تغییر رژیم کردند .

رئیس جمهور امریکا ضمن نطق خود از اوضاع ایران اظهار نگرانی نمود . سفیر امریکا که چندی بود بامریکا رفته بود روز ۲۶ مرداد وارد تهران شد او و پارهائی از سفرای دیگر مصدق اخطار کرده بودند که دولت او را قانونی نمیدانند زیرا رونوشت فرمان انتصاب زاهدی را در جرایم طرفدار دولت دیده بودند .

در سایر شهرستانها هم دستجات چپ نظیر عملیات باینتخت را مرتکب شده بودند ، خلاصه همه کس تصور میکرد که کازتمام است و رژیم جمهوری عقرب اعلام خواهد شد حتی توده ایها اسم آنها هم گذاشته بودند (جمهوری سوسیالیستی ۱۷ ایرانستان) .

بگیر و ببند شروع شد دکتربقائی را از بهارستان بزندان عشرت آباد بردند ، کفیل وزارت دربار (ابوالقاسم امینی) را بزندان افکندند او هم نامردانه نامه ای بدولت نوشت و بشاه توهین کرد تا آزاد شد .

ناگاه روز ۲۸ صبح جمعی زولیده و زنده پوش از چالمیدان حرکت کرده و فریاد میزدند زنده باد شاه (باید دانست که روز پیش باحزاب چپی دستور داده شده بود که فعلا دست از نظار بردارند بنابراین هیچکدام برای عکس العمل آماده نبودند و غافلگیر شدند) جمعیت بخیبان لاله زار و شاه رسید مردم هم گروه گروه بآنها می پیوستند تا مقارن ساعت ۱۳ که ادارات تعطیل شد مستخدمین ناراضی و سربازها با این جمعیت هم آهنگ شدند ، سر لشکر زاهدی هم پس از مدتی آفتابی شد روی یکی از تانکها نشسته ایستگاه رادیو را تصرف نموده و جمعیت را رهبری کرده و خود را بسمت نخست وزیری معرفی کرد .

د. این گیرودار فراکسیون نهضت ملی و هیئت وزرا در منزل نخست وزیر جمع بودند بدو قضیه را سرسری گرفته و حتی هنگام اشغال رادیو بر رئیس ستاد دستور میدهند اجامر او باش را از استودیوی رادیو خارج نمایند که ناگاه فریاد زنده باد شاه مرده باد مصدق خانه ۱۰۹ نخست وزیر را بلرزه در می آورد . سرهنگ ممتاز محافظ خانه دکتر مصدق از ورود مردم بخانه دکتر جلوگیری نموده و تانکهاییکه او اسناد و اشیاء قیمتی خود را جمع آوری کند بامردم و سربازان مسلح بمبارزه میپردازد در حدود ۵ نفر (منجمله یک سرهنگ و یک نفر ستوان) کشته میشوند و مصدق و یارانش بوسیله نردبام بخانه مهندس پناهنده میشوند پس از یکی دوز مصدق و یارانش دستگیر (فقط دکتر فاطمی بدست نیامد) اعلیحضرت همایون هم بمجرد اطلاع از مرگ پناهنده و پس از یکی دوز توقف در عراق در میان فریاد شرف و زنده باد مردم بیابنتخت وارد گردید .

ولی حزب توده بکمک حزب نیروی سوم و بان ایرانیست وعده تی از بازارها همه روزه اغلال میکنند و در حدود چهارصد نفر انسان دستگیر بقلعه فلک الافلاک ، خرم آباد و جزیره خارک تبعید شدند .

در همین اوقات ورزشکاران چپی که بفستیوال اروپا رفته بودند بایران بازگشتند در مرز سرجمله آنها را تراشیده بطهران فرستادند پس از تحقیقات عده تی از آنها زندانی بقیه آزاد

کردیدند. یکی دومرتبه هم بازار (ظاهراً از ترس غارت حزب توده) ولی باطناً برای سقوط دولت بسته شد ولی دولت بخراب کردن طاق بازار اقدام نمود که نیمه کاره ماند و بازارها هم باز شد. تا این تاریخ هنوز اوضاع آرام نیست و فرمانداری نظامی بشاقت عمل در تهران برقرار است.

بخش هشتم = دهم

۱ - حرفه و پیشه و هنر

مرآت لبلدان در وقایع سال ۱۲۷۸ تهران مینویسد :

« يك لوله توپ خاندار جبهه نمونه از فرانسه ایشباع شد با تفنگهایی که ایشباع شده بود بدار الخلافه میآوردند که از روی همان توپ توپهای خاندار متعدد در دارالخلافه بسازند، جبه خانه و قورخانه دارالخلافه رونقی دارد و مهندس روسی بجهت تسهیل عمل کارگران ، راه آهن از کوره توپ ریزی تا کارخانه توپ سوراخ کنی ساخته که لوله توپ از این کارخانه تا کارخانه دیگر در کمال سهولت حمل میشود و محتاج بحمل عراده و زحمت کارگرها نیست ... در چاشنی سازخانه نیز مشغول ساختن چاشنی تفنگ هستند و قرار شد در کارخانه تهران سالی ده کروور چاشنی ساخته شود .

کارخانه ریسمان رسی و شماعی و کاغذ سازی و بلور سازی و غیره با تمام نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم نهایت رونق را دارد .
وشکری که در کارخانه شکر ریزی مازندران ساخته اند نهایت خوب و قندهای تیکه عمل آورده اند تفاوتی با قند روسی ندارد . انتهی .»

بطور خلاصه مهندسین فرانسوی و انگلیسی که در زمان صفویه و فتحعلیشاه قاجار در ایران کارخانه های اسلحه سازی و مهمات سازی تأسیس نموده اند خیلی از هوش و ذکاوت کارگران ایرانی تعریف و تمجید نموده اند ولی در حال صنایع دستی یا کارگاههایی در تهران معمول نبود. ولی در زمان پهلوی ققید موضوع کار و کارگر در تهران رونقی بسزا گرفت که اگر دنبال میشد تهران تدریجاً بیک شهر صنعتی تبدیل میگردد .

در سال ۱۳۱۶ مقدار ۱۳,۴۲۴ تن ماشین آلات و افزار بکشور وارد شد بدبختانه کم کم واردات کارخانه رونق میگیرد ولی بجای آن ورود اشیاء لوکس افزوده شد .

مثلاً در سال ۳۱۸ (۴۴۴) عدد اتومبیل بیبهای هفت میلیون ریال وارد کشور شد ولی اینکه اخیراً بچندین هزار و ۱۸۰ میلیون ریال رسیده است . بالاخره در سالهای اخیر صدها میلیون ریال ارز بدون احتیاج از کشور خارج و بهمان اندازه افراد فقیر و ملت پریشان گردید .

صنایع ایران

وضع کار و کارگر در کلیه ایران مخصوصاً در سه نقطه آبادان ، اصفهان ، تهران صورت مخصوصی بخود گرفته تا آنجا که برای نظم و ترتیب و نظارت در پیشرفت امور و ازدیاد بهره کار

و ارتباط بین کارگر و کارفرما وزارت کار تشکیل و قوانینی درخصوص وظایف کارگر و کارفرما و بیمه کارگران و غیره از مجلس شورای ملی گذشت .
 در اوایل سلطنت پهلوی فقید کارخانه های مهم ایران منحصر بکارگاههای نفت آبادان و کارخانه بارچه بافی وطن اصفهان بود ولی شاهنشاه فقید که در پیشرفت صنایع کشور دقت خاصی داشت موجبات توسعه کارخانه های دولتی را فراهم مینمود .

اینک کارخانه های تهران و اطراف تهران

سه کارخانه نساجی

۱ - کارخانه نساجی صنایع الدوله ۲ - ریسانریسی و بارچه بافی تهران ۳ - جیت سازی .

سیزده کارخانه کشیافی و جوراب بافی

۱ - شرکت پیرایش ۲ - شرکت محدود ۳ - امیدوار جورابچی ۴ - منصور ریمان
 ۵ - برادران جورابچی ۶ - حقیقت ۷ - نیکفر ۸ - کشیاف صبا ۹ - شهپر ۱۰ - قدس
 جورابچی ۱۱ - بافندگی ارجمند ۱۲ - کشیافی غلامعلی ۱۳ - جورابچی و برادران .

دوازده کارخانه مشروب سازی

۱ - آرکو ۲ - شمس ۳ - مجیدیه ۴ - البرز ۵ - خورشید ۶ - سه گانه
 ۷ - آربول ۸ - تهران ۹ - میر ۱۰ - میهن ۱۱ - ایران ۱۲ - یگانه .

سه کارخانه قند

۱ - کارخانه قند کرج ۲ - کهریزک ۳ - ورامین (که بعداً منتقل شد) .

کارخانه های مهم دیگر

۱ - کارخانه دخانیات ۲ - کارخانه سیمان .
 ۳ - کارخانه های اسلحه سازی و مهمات سازی ارتش .
 ۴ - کارخانه جوهر نمک ۵ - کارخانه تصفیه مس غنی آباد .
 ۶ - کارخانه گلیسرین دولت آباد ۷ - کارخانه تصفیه روغن ورامین .
 ۸ - کارخانه تعمیرات ونک ۹ - کارخانه شمالی امین آباد .
 ۱۰ - کارخانه سم سازی امین آباد ۱۱ - کارخانه آجر نسوز کرج .

کارخانه کبریت سازی فرشته - کبریت سازی شرق .
 کبریت سازی اکیباتان (در ایران ۳۵ کارخانه کبریت سازی و محصول آن ۲۳۰ میلیون
 جمبه است) .

صابون سازی باه

صابون سازی داروگر

بلورسازی توکلی - بلور سازی اسد - بلورسازی مکا - بلورسازی ماک - بلورسازی محمود کاشانی - بلورسازی بنی هاشمی - بلورسازی تهران - بلورسازی خورشید .

کارخانه چرمسازی تهران - شرکت سهامی - چرمسازی روک .
 کارخانه اسلانیاس (درایران ده کارخانه چرمسازی تأسیس شده) .
 محصول کارخانه های نوشابه سازی ایران سالیانه ۱۰ میلیون بطر عرق و شراب ، کنیاک و آبجو . فقط از این مقدار ۱۵۰ هزار بطر الکل صنعتی می باشد .
 با همین سم است که ما با نتحار تدریجی مشغولیم ؟ !

۲ - زیارتگاه و مزارها

درایران مشاهد و مزارهای زیادی دیده میشود که بعضی از خود میبرسند اولاد ائمه اطهار درایران چه میکردند .

باید دانست که این آفازاده ها و آل علی بمللی در دوران مختلفه بایران روی آوردند زیرا بنی امیه و بنی عباس که غاصب خلافت بودند اولاد علی را مورد اهانت و تحقیر قرار میدادند لذا عده زیادی از سادات عظام درایام ولایتعهدی حضرت امام رضا علیه السلام از حجاز و بین و عراق بعزم خراسان حرکت نمودند اما هنوز غالب آنها بمقصد نرسیده بودند که واقعه شهادت حضرت رویداد لذا بنا بر اشاره خلیفه حکام و امرا کلیه سادات را دستگیر و بعضی را مقتول ساختند . مهمترین کاروانیکه بطور دسته جمعی حرکت مینمودند دو قسمت بودند :

اول - جماعتی که با حضرت فاطمه ملقب بمعصومه بنت موسی بن جعفر (ع) همراه بودند و در حدود ساوه مورد تعرض لشکر مأمون واقع مقتول و یا پراکنده شدند . همچنین ساداتی که در اثر فشار حکومت جابره حجاج بن یوسف ثقفی در عراق بایران پناه آوردند .

دوم - دومین دسته از سادات عظام که با هیمنه خاصی از حجاز وارد ایران شدند اتباع و همراهان امامزاده احمد بن المرسی الکاظم (ع) معروف بشاه چراغ هستند .

امامزاده های شهرری عده بیشماری بوده اند که غالباً در دوره سلاطین آل بویه در امور دولتی و عمومی هم شرکت داشته اند اسامی و نسب آنان در کتاب منتقلة الطالبیه و جنة النعیم مفصلاً درج شده .

اینک مقابر امامزاده ها و بقاع و اماکن متبرکه که شهرری و تهران و اطراف تهران را که با جغرافیای تهران - ری ارتباط دارد بترتیب مینویسیم :

بقاء و اماکن متبرکه که تهران و حومه

- ۱ - حضرت عبدالعظیم با چهار واسطه اولاد امام حسن (ع) مدفون در شهر ری .
- ۲ - امامزاده حمزه اولاد امام موسی کاظم (ع) >>>
- ۳ - امامزاده طاهر نواده حضرت سجاد (ع) >>>
- ۴ - امامزاده عبدالله با چهار واسطه اولاد حضرت سجاد (ع) >>>

- ۵ - ابن بابویه ابو جعفر محمد بن حسین بن موسی بن بابویه در شمال خاوری ری
- ۶ - بی بی زبیده اولاد امام حسین (ع) کنار جاده تهران - ری
- ۷ - امامزاده هادی مسجد ماشاءالله باچند واسطه اولاد امام موسی کاظم شمال شهر ری
- ۸ - دو برادران باهفت واسطه اولاد امام حسن مجتبی (ع) شهر ری
- ۹ - سه دختران جنوب باغ سراج الملك »
- ۱۰ - امامزاده ابوالحسن فرزند امام جعفر صادق (ع) آب اندرمان شمال باختری ری
- ۱۱ - جوانمرد قصاب در منصور آباد شهر ری
- ۱۲ - بقعه چهل تن دولاب
- ۱۳ - سید ملك خاتون خواهر امام رضا (ع) مسگر آباد دولاب
- ۱۴ - امامزاده اهل بن علی اولاد امیر المؤمنین علی (ع) » »
- ۱۵ - امامزاده معصوم صالح فرزند حضرت سجاد (ع) فرح زاد شمیران
- ۱۶ - امامزاده ابوطالب باچند واسطه اولاد امام حسین (ع) » »
- ۱۷ - امامزاده داود عماد بن جعفر بن نوح بن عقیل بن هادی بن حضرت سجاد (ع) شمال فرح زاد
- ۱۸ - امامزاده مطیب باسه واسطه اولاد امام موسی کاظم (ع) تپه اوین
- ۱۹ - امامزاده عزیز فرزند محسن بن موسی کاظم (ع) » »
- ۲۰ - امامزاده سید محمود ولی باچند واسطه اولاد حضرت سجاد (ع) کوههای درکه
- ۲۱ - امامزاده ابراهیم پس قلمه شمیران
- ۲۲ - امامزاده صالح فرزند امام موسی کاظم و چنار کهن تجریش
- ۲۳ - امامزاده قاسم از اولاد امام حسن (ع) بین تجریش و دربند
- ۲۴ - امامزاده علی اکبر از اولاد امام زین العابدین (ع) چیزر شمیران
- ۲۵ - امامزاده اسمعیل بن زکریا در » »
- (تپه چیزر پیش از اسلام محل آتشکده ایرانیهای مقیم ری بوده)
- ۲۶ - امامزاده چهار برادران (سالم ، ابوطالب ، رضا و رحیم) از اولاد شیت فرزند کاظم بن حضرت سجاد (ع) در تپه های لویزان شمیران
- ۲۷ - امامزاده حسن فرزند امام حسن (ع) در جی علیا باختر تهران
- ۲۸ - امامزاده عبدالله فرزند ابوالفضل العباس (ع) » »
- ۲۹ - امامزاده معصوم فرزند امام محمد باقر (ع) بریانک »
- ۳۰ - امامزاده عین علی وزین علی باچند واسطه اولاد امام حسین (ع) در پونک
- ۳۱ - بقعه شیخ عبدالله (از علمای معروف) در طرشت
- ۳۲ - هفت چنار (آنها را اهالی متبرک میدانند) در بریانک
- ۳۳ - امامزاده ابراهیم از اولاد امام موسی بن جعفر (ع) بازار عباس آباد پایتخت
- ۳۴ - امامزاده زید فرزند امام حسن مجتبی (ع) » خیاط ها
- ۳۵ - امامزاده سید محمد ولی » ارسی دوزها
- ۳۶ - امامزاده سید ناصرالدین خیابان خیام
- ۳۷ - امامزاده سید اسمعیل فرزند زکریا اولاد امام موسی کاظم (ع) بازار آهنگرها
- ۳۸ - امامزاده غیبی بازار
- ۳۹ - امامزاده یحیی باغ پسته بك

۴۰- مقبره بیرعطا	سه راه دانگی
۴۱- چهل تن	بازار
۴۲- هفت دختران	خیابان سیروس
۴۳- چهارده معصوم	باغچه علیجان خیابان ناصر خسرو
۴۴- سقاخانه نوروخان	پهلوی مسجدشاه
۴۵- چنار پنجملی (محل دخیل بستن زندهای درباری قاجاریه)	داخل عمارت گلستان

تکیه دولت

تکیه دولت که تا چند سال پیش باقی بود محل عزاداری دربار بود. بدو دارای سقف چوبی بود و چون اطاقهای اشکوب چهارم بواسطه سنگینی سقف شکست برداشته بود لذا طبقه چهارم آنرا برچیدند و مهندسین اروپایی نقشه‌ای برای این فضای بزرگ کشیده و سقف آهنی آلمان سفارش دادند و این سقف بیول آنروز (۱۲۰ هزار تومان) خریداری شد و مبالغ گزافی هم هزینه برداشت تا آنرا در محل پیچ و مهره و سوار کردند.

تکیه دولت بدو چهار طبقه داشت که دورتادور آن بالاخانه‌های متعدد قرار گرفته بود و مانند اپراها و تئاترهای بزرگ فرنگی بالاخانه‌ها صورت لوزی داشت و در هر طبقه‌ای نیز تعداد زیادی از این بالاخانه‌ها ساخته شده و اردین از دالاینکه از بیرون بالاخانه‌ها بیکدیگر متصل میگردد وارد میشدند.

در اطاقهای اشکوب اول شاه و اهل حرم و اندرون می‌نشستند. جلو تمام بالاخانه‌ها که خانمهای درباری نشسته بودند پرده زنبوری کشیده میشد و چون شاه همه روزه در مجلس تعزیه حاضر میگردد لذا پیش از حضور شاه مراسم آغاز نمیشد، نشانه آمدن شاه هم این بود که چسراغ مخصوصی برابر بالاخانه مقر شاه بالماس درشتی که روی کلاه شاه بود پرتو می‌انداخت و در نتیجه تلؤلومی دست میداد و تماشاچیان از دیدن اشعه می‌فهمیدند که اعلیحضرت وارد جایگاه مخصوص شده‌اند.

در وسط تکیه محل وسیع کردی بود که یک متر از سطح زمین بلندتر بود و این محل فی الواقع صحنه تئاتر و اختصاص بشبه خوانها داشت.

دورتادور این سکوراهرومی بود خیابان مانند پهنای چهارمتر که اختصاص به عبور تخت‌روان یزید و حجله قاسم پالکی و کجاوه اسیران و تاخت و تاز شمر و ابن‌سعد و حرکت فیل و شتر و اسب داشت.

بعد از این خیابان باز هم سطح زمین بلندتر میشد و در این محل خانمهای تماشاچی با رو بند سفید می‌نشستند. دورتادور تکیه بصورت پله ساخته شده بود، در برابر این پله‌ها (یعنی پشت سر جمعیت) طاق‌نماهای متعدد ساخته شده بود که اعیان و اشراف و حکام ولایات تزئین کرده و بنام آنها اختصاص داشت. چراغهای بزرگ و پر نور فضای تکیه را همچو روز روشن می‌ساخت.

شبه خوانی همیشه مجزون نبود بعضی اوقات مخصوصاً روزهاییکه سفرا و مأمورین بیگانه دعوت داشتند تعزیه‌های خنده دار مانند یوسف - زلیخا و سلیمان - بلقیس که دیوها با کلاه و ماسکهای عجیب و غریب و ادا و اطوار خنده دار شرکت میکردند خوانده میشد.

از سقف تکیه اطاقک زیبایی که مزین بگل و لاله بود باقرقره و طناب جبرئیل یا حضرت

سلیمان را بالا و پائین می‌آورد یا بیغمبر بآن وسیله بمعراج میرفت .
 پیش‌از شروع تعزیه دسته موزیک عزیزالسلطان که آلات آن از نقره ساخته شده بود و
 ملکه انگلستان برای شاه بارمغان فرستاده بود بناوختن آهنگهای مخصوصی شروع کرده و دور
 تکیه گردش میکردند . سپس اسبهای یدکی باطاقه شالهای گران قیمت وزین و برک مرصع عبور
 کرده بعد دسته زنبورکخانه می‌آمد سنگ میزدند .
 باید دانست تمام دستگاہهای موزیک بطور کامل باتمام گوشه‌ها در این تعزیه خواننده
 میشد که امروز کمتر خواننده‌ها مطلع بآن نکات دقیق و حساس آن هستند و بجه‌های کاشی را بزحمتی
 آماده و تعلیم میدادند .
 در شب آخر تعزیه در تکیه را می‌بستند و قرق میکردند و شاه و عزیزسلطان بوسط صحنه
 می‌آمدند و خواهه باشی میرفت جلوی طاق‌نمای اعیان و بزرگان و هریک از صاحبان طاق‌نما مبالغی
 بول طلا بابت هزینه تعزیه تقدیم شاه مینمودند .

۳ - آب تهران

موضوع آب تهران از زمان آغامحمد خان قاجار کسب اهمیت نمود و همیشه مطمح نظر
 اولیای امور بوده است . در اواسط سلطنت محمد شاه (۱۲۵۵ ه . ق) حاجی میرزا آغاسی
 دونهربزرگ از رودخانه کرج جدا کرده بتهران آورد . یکی از آن نهرها اذمانه البرز عبور و از
 شمال طرشت گذشته بقریه عباس‌آباد منتهی میشد و هنوز آثار آن نهرباقیست .
 پس از عزل میرزا آغاسی از آوردن آب جلوگیری و آن نهر بی‌استفاده شد .
 دیگری نهریست که از زیر جساده قزوین گذشته تاقریه یافت آباد ادامه یسافت و
 هنوز هم دایر است .

از این تاریخ بیعد آب تهران منحصر بچند رشته قنات وقفی و غیروقف شده و اهالی از حیث
 آب در مضیق افتاده بودند تا آنکه میرزا عیسی وزیر اقدام بحفر چندین قنات نمود .
 در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه چند نفر اروپائی امتیاز حفر چاههای عمیق را گرفته و در
 شمال تهران شروع بکار نمودند ولی در ضمن عمل مته چاه‌کنی شکست و بواسطه نبودن وسائل و
 مشکلات دیگر صاحب امتیاز موفق بادامه کلانشد و دیگر در موضوع آب اقدامی بعمل نیسآمد
 تا سال ۱۳۰۰ زمان نخست وزیری آقای سید ضیاءالدین که شهرداری تهران سروصورت اساسی
 قانونی بخود گرفت و برای تنظیم امر آبیاری اقداماتی بعمل آورد و در نظر بود بدو سدهی در
 جاجرود بسته شود ولی چون هزینه آن نزدیک دومیلیون تومان میشد و شهرداری هم سرمایه
 نداشت لذا موضوع معوق ماند ولی در سال ۱۳۰۶ که خشکسالی بود و آب تهران خیلی کم شد
 مجدداً فکرش قوت کرج قوت گرفت و پس از بررسی‌های لازمه مجرائی از بالای پیلقان قریه
سرجوب کشیده شد که نزدیک جمشیدآباد ظاهر میشود . طول آن ۵۳ کیلومتر که ۲۰ کیلومتر
 آن زیر زمین است و از کلک وارد در مجرای متوازی میشود که هر ثانیه یک متر مکعب آب وارد
 مجرای شهر میشود.

در سال ۱۳۲۵ موضوع لوله‌کشی که سالها بود در اطراف آن صحبت میشد بصورت جدی
 بمرحله عمل درآمد و تاکنون قریب صد میلیون تومان هزینه آن شده و با شرکت سرالکساندر کیپ
 بیمن انجام آن بسته شده است و محتمل است تا سال ۱۳۳۳ (اگر حوادث و وقایعی مانع ادامه کار

نشود) امر لوله کشی پیاپیان برسد و در همین حدود مبلغ هزینه بقایای کار تا اتمام آنست اینک منابع آن ساخته و پرداخته و نزدیک با تمام است .

سه منبع بزرگ سه قسمتی در یوسف آباد - بهجت آباد - عباس آباد که هر یک شصت هزار متر مکعب آب میگیرد .

و سه منبع کوچک دو قسمتی در قصر قاجار - جلایه - عشرت آباد که هر یک چهل هزار متر مکعب آب میگیرد .

طول لوله کشی تهران ۳۶ کیلومتر لوله فولادی ازمخزن تا مجرای کرج و ۸ کیلومتر از مجرا تا تصفیه خانه ششصد کیلومتر لوله اصلی و ۳۰ کیلومتر لوله فولادی فرعی و تا پایان سال ۱۳۳۲ هفتاد و پنج درصد کار لوله کشی با تمام رسیده . وضع آب تهران فعلاً بصورت اسفانگیزی در آمده و هیچکس از خطر بیماریهای تیفوئید و غیره مصون نیست مگر آنکه آب را شخصاً جوشانده و تصفیه نماید .

آب تهران از دو منبع تأمین میشود :

الف) از رودخانه کرج حداقل ۱۲۰ و حداکثر ۱۴۰ سنک .

ب) آب قنات که از قناتهای مشروحه زیر بدست میآید :

- | | | | |
|--------------------|--------------------|--------------------|--------------------|
| ۱ - قنات مخلص آباد | ۲ - قنات وزیر | ۳ - قنات بهجت آباد | ۴ - قنات کرجی |
| ۵ - قنات کریم آباد | ۶ - قنات کونریه | ۷ - قنات دارا آباد | ۸ - قنات نجف آباد |
| ۹ - قنات یوسف آباد | ۱۰ - قنات سلیمانیه | ۱۱ - قنات مجیدیه | ۱۲ - قنات سردار |
| ۱۳ - قنات ناودانک | ۱۴ - قنات ولنجک | ۱۵ - قنات باغ کوکب | ۱۶ - قنات دیبا |
| ۱۷ - قنات بانک سبه | ۱۸ - قنات باغ صبا | ۱۹ - قنات اراج | ۲۰ - قنات گل افشان |

وقناتهای وقفی مانند :

- | | | | |
|---|------------------------|------------------------------|------------------|
| ۱ - قنات شاه | ۲ - قنات سنگلج | ۳ - قنات مهرگرد | ۴ - قنات پامنار |
| ۵ - قنات حاج علیرضا | ۶ - قنات نظامیه | ۷ - قنات مدرسه سببسالار | ۸ - قنات بر بانک |
| ۹ - قنات اکبر آباد | ۱۰ - قنات ناصر الملک | ۱۱ - قنات جنت آباد رحمت آباد | ۱۲ - قنات پونک |
| ۱۳ - قنات صدقه | ۱۴ - قنات صاحب الزمانی | ۱۵ - قنات حاج محمد علی | ۱۶ - قنات ناصری |
| ۱۷ - قنات شهاب الملک و قناتهای باغشاه ، امیر آباد ، شمیران ، سفارت انگلیس و روس . | | | |

و چون این آبها کفایت احتیاج تهران را نمیداد لذا شهرداری و اشخاص بحفر چاههای عمیق اقدام نمودند که قابل ملاحظه ای بآب تهران نمود .

چاههای عمیق سازمان لوله کشی :

- | | | | |
|-------------------|------------------|--------------------------------------|------------------|
| ۱ - میدان شهناز | ۲ - میدان فردوسی | ۳ - آتش نشانی | ۴ - دروازه قزوین |
| ۵ - خیابان کاشانی | ۶ - پشت شهرداری | ۷ - خیابان بهار که جمعاً ۷۵ اسب قدرت | |
- موتور آنهاست .

چاههای عمیق شخصی که در تهران تاکنون حفر شده که عمق آنها گاهی از صد متر هم تجاوز کرده و هر یک پنج یا شش سنک آب دارند .

- ۱ - چاه عمیق کاخ همایونی ۲ - دخانیات ۳ - بیمارستان بازرگانی
 ۴ - باغ بی سیم نجف آباد ۵ - کانون آموزش ۶ - شیروخورشید باغ فردوس
 ۷ - خیابان جهان پناه ۸ - سلسبیل تخته سه لائی ۹ - یخچال زیبا دولاب
 ۱۰ - باغ سهام الدوله ۱۱ - زمردی ۱۲ - الهیه فخرالدوله
 ۱۳ - باغ فردوس شمیران ۱۴ - باغ کوب قلهک ۱۵ - معنوی قیطره
 پرآب ترین قناتها قنات مخلص آباد ، قنات شاه و قنات وزیراست که هر یک بیش از ۸
 سنک آب دارند .

همچنین چاه عمیقی در شیخان شمیران زده شده که در حدود ۵۰ سنک آب دارد .

پست و تلگراف

ایران یکی از کشورهای کهن است که بایجاد پست مبادرت ورزیده است آنچه محقق است دولت ایران از آغاز تشکیل سلطنت هخامنشی ها بیک و چابهارها را بترتیب خاص و بنابقتضیات آزمان بوجود آورده است ولی پست بصورت امروزی تقریباً هشتاد سال پیش (اواسط سلطنت ناصرالدینشاه) تأسیس شده است و روز بروز بطرف کمال می رود و از همان تاریخ هم تبر پست بچاپ رسیده و مورد استفاده قرار گرفته است و امروز خطوط پستی در تمام نقاط ایران دایر بوده و بیشتر از دو هزار فرسنگ چه بوسیله راه آهن و اتومبیل و راههای دریائی و چه بوسیله بیک سوار و پیاده و پست هوائی قبول مراسلات و محمولات مینماید .

تا سال ۱۲۹۱ هجری قمری پست ایران بدست چاپارچی اداره میشد و او هم زیر نظر وزیر ارتباط کار میکرد بدین ترتیب که گیرنده و فرستنده نامه هر دو مبلغی باید بپردازند ، بعلاوه موقع چاپ کردن تبر صد هزار تبر هم برای خود چاپارچی باشی طبع میکردند .

بالاخره در سال ۱۲۹۲ پستخانه ایران را بشخص اطریشی موسوم به (جی . ریدر) واگذار کردند و برای اولین مرتبه پست ایران هفته یکدفعه از تهران به تبریز، رشت حرکت میکرد . در سال ۱۲۹۴ ه . ق . دولت ایران بعضویت پست بین الملل پذیرفته شد و همان سال (ستاهل) نام روسی بجای (ریدر) آمد، مدت ریاست ستاهل خیلی کوتاه بود بعداً بدست ایرانیها یا مستشاران باژیکی اداره میشد بطوریکه در هفتاد سال پیش ۷۳ پستخانه در ایران دایر بود .

تلگراف - در سال ۱۲۷۶ که ناصرالدینشاه از مسافرت اروپا برگشت بکرشته سیم تلگراف بین تهران و سلطانیه و سپس تا تبریز دائرگشت و تا سال ۱۲۷۹ تساجلفا کشیده شد . چندی بعد کمپانی هند و اروپای انگلیسی سیمهای تلگراف جلفا - بوشهر را احداث کرد که در زمان پهلوی فقید بدولت ایران واگذار شد .

مطبوعات تهران

اساساً تاریخ روزنامه نگاری با کشمکشهای دسته ها و طبقات و اختلافات حزبی توأم بوده و غالباً مدیران یا صاحبان امتیاز و نویسندگان گرفتار مشقات و سختیها شده و گاهی برشداید غلبه جسته و منویات خود را بروفق دلخواه بموقع اجرا گذارده اند . البته بعضی در راه رسیدن بمقصود فدا شده اند و عده می شاهد فتح و ظفر را در آغوش گرفته بهدف نهائی خود رسیده اند . چنانکه میرزا جهانگیرخان شیرازی مدیر و نویسنده روزنامه انقلابی صوراسرافیل و مدیر

روزنامه (روح القدس) و متین السلطنه صاحب امتیاز و ناشر روزنامه (عصر جدید) و رکن الاسلام مدیر روزنامه (کوکب ایران) محمد مسعود مدیر روزنامه (مرد امروز) و احمد دهقان مدیر مجله (تهران مصور) شربت ناگوار شهادت را چشیده و نیز کسانی همچون مجد الاسلام کرمانی مدیر روزنامه (ندای وطن) و میرزا حسین خان صبا مؤسس ستاره ایران و کسان بسیار دیگر تبعید شدند یا بزنندان افتادند.

از طرف دیگر مردان دیگر بندروه ارتقاء رسیدند مانند مرحوم داور مدیر روزنامه (مرد آزاد) سید حسن تقی زاده نویسنده مجله (کاوه) سید ضیاء الدین مدیر روزنامه (رعد) مرحوم سید محمد تدین مدیر روزنامه (صدای تهران) دشنی، مسعودی، فرامرزی و غیره به مقام و کسالت، سفارت و وزارت و نخست وزیری رسیدند.

اولین روزنامه با سم روزنامه (وقایع اتفاقیه) در ربیع الثانی ۱۲۶۷ هجری بنا بشوق مرحوم امیر کبیر در تهران منتشر شد. همچنین روزنامه (دولت علیه ایران) بمدریت ابوالحسن خان غفاری در تهران انتشار یافت.

خلاصه آنکه ظهور روزنامه در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه شروع و اوایل سلطنت مظفرالدین شاه بر قدرت و نفوذ مطبوعات فارسی افزوده شد. مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی روزنامه (عروة الوثقی) و پرنس ملکم خان روزنامه (قانون) و مؤید الاسلام (حبل المتین) را در خارج انتشار داد. ولی خریداران آنها بیشتر تهرانیها بودند.

بعد از اعلام فرمان مشروطیت و دایر شدن دارالشوای ملی روزنامه های زیادی بظهور رسیدند و پس از بمباران مجلس از بین رفتند، مانند: ندای وطن، مساوات، تمدن، روح القدس، صور اسرافیل، شرافت، آئینه غیب نما، پرورش، اقیانوس، اصناف، ارشاد و غیره.

در استبداد صغیر که روح از تجاع طلبی و خودسری در بار باغشاه فوق الاماده قدرت داشت، نه تنها از انتشار و طبع مطبوعات اجتماعی که زائیده مشروطیت بود جلوگیری شد. بلکه کاشیهای تازه کار جهت شماره گذاری خانه ها و دکانه ها را افراد سرباز سیلاخوری و سواران قراجه داغی و لوطیهای محلات تهران بمنوان یادکار مشروطه و مخالفت با دین مبین؟! شکستند و بدور ریختند. در دوره دوم مجلس شورای ملی مجدداً بازار مطبوعات ملی بارونق شد و نشریات صورت بهتری ب خود گرفت. جرائم طریق تکامل در پیش گرفته و هر یک با سبک مخصوص و مسلک خاصی شروع با انتشار نمودند.

بعد از افتتاح دوره سوم مجلس شورای ملی مطبوعات از حالت خمودگی خارج و روزنامه های نوی همچون (بامداد روشن) (جارچی ملت) و غیره طلوع نمودند.

در اوایل کودتای ۱۲۹۹ قسمتی از روزنامه ها مانند (طوفان) (ستاره ایران) و غیره طوفان و مدیر آنها مورد ضرب و شتم و حبس و تبعید قرار گرفته حتی میرزاده عشقی مدیر روزنامه قرن بیستم که در حقیقت ارکان اقلیت مجلس چهارم بود جانش را روی اینکار گذارد و مانند محمد مسعود ترور شد و قاتل او شناخته نشد.

بعد از کشته شدن میرزاده عشقی و تبعید مدیر طوفان دیگر در دوره قدرت بیست ساله رضاشاه کبیر جرایم محدود شدند آنها هم که بودند در حقیقت رسمی یا نیم رسمی بودند.

ولی بلافاصله پس از استعفا و تبعید پهلوی جرایمی طلوع نمودند که غالباً مردمانی گمنام بوده و عفت قلم نداشتند. قوام السلطنه در حکومت خود یکمرتبه تمام جرایم را توقیف نمود و

شرایطی برای روزنامه نگاری وضع کرد ولی بعد از سقوط مجدداً هرج و مرج روزنامه نگاری شدت پیدا کرد که هنوز دنباله دارد .

لردگرن در کتاب خود مینویسد : مطبوعات ایران هم يك موضوع معما آمیز مرموز است، در عین حال که ایران وزارت مطبوعات و مطبوعه و روزنامه دارد از هر گونه آزادی قلم و اظهار عقیده و فکر ممنوع است . در سال ۱۲۶۷ هجری قمری امیر کبیر يك روزنامه ای در تهران دایر نمود که مدیر و سردبیر آن انگلیسی بود . پس از قتل امیر کبیر روزنامه و مدیرش ناپدید شدند . مجدداً در سال ۱۲۸۳ يك روزنامه ای بنام **تهران** انتشار یافت و بزودی موقوف شد . اکنون در سال ۱۳۰۷ سه روزنامه در ایران دایر میباشد : اول ایران روزنامه رسمی ماهی دومرتبه نامرتب تحت نظر وزیر مطبوعات انتشار مییابد. شاه ایران گاهیگاهی مقاله برای روزنامه ایران میدهد ...

دوم روزنامه نیم رسمی **اطلاع** تحت نظر وزیر انطباعات بطور نامرتب منتشر میگردد . سوم روزنامه **شرق** مصور عکس وزیران و بزرگان ایران را چاپ میکند . بهای تک شماره هر يك از این روزنامه ها يك قران است ...

هنگامیکه ناصرالدین شاه از سفر اول فرنگ برگشت میرزا حسنخان سپهسالار با کمك يك مدیر اروپائی روزنامه ای فرانسه و فارسی بنام **وطن** (لاپارتی) تأسیس نمود نخستین شماره آن در پنجم فوریه ۱۸۷۶ (۱۲۹۳) منتشر گردید . . در سال ۱۳۰۳ يك روزنامه فرانسه فارسی دیگر بنام «اکودولاپرس» در تهران انتشار یافت و بزودی تعطیل شد .

يك مجله قشونی هم چند ماهی در تهران چاپ شده و از میان رفت ... انتهی « در دوران مشروطیت روزنامه های متعددی در تهران چاپ شده و چون بعضی از آنها بمقدمات ملی و بامقامات عالیه اهانت میکردند قانون مطبوعات محرم ۱۳۲۹ قمری آنها را تا اندازه ای محدود نمود ولی چون جرائم آن بیول امروز کم بود لذا چندین قوانین جدید بمجلس رفت و تصویب شد و اینك بیشتر از هزار امتیاز روزنامه در تهران باشخص داده شده که مهمترین آنها اطلاعات و بعد کیهان است در بین روزنامه های فکاهی روزنامه باباشمل ، توفیق ، حساجی بابا و بین مجلات ماهیانه و هفتگی اطلاعات ، تهران مصور ، روشنفکر ، ترقی . بعضی از وزارتخانه ها و ادارات و بنگاهها دارای نشریه و مجله مستقلی هستند .

کتابخانه های مهم تهران

در تهران کتابخانه و قرائت خانه بسیار کم است متأسفانه مشتری همین کتابخانه های انگشت شمار هم بسیار ناچیز است . اگر کسی بصددها بیاله فروشی و مشروب فروشی سری بزند ملاحظه میکند که پشت میزها و بارها جای خالی موجود نیست ولی مدیران کتابخانه ها از کمی ارباب رجوع غالباً چرت میزنند شما در تبلیغات رادیو و روزنامه و غیره هیچ شنیده اید که مردم را دعوت برفتن فلان خانه بنمایند ؟ و حال اینکه ...

بگذرد سخن در مورد فرهنگ و رغبت مردم بکتاب و کتابخانه بسیار است روزی دریکی از کتابخانه های عمومی که ۲۵ نفر خواننده و ارباب رجوع داشت رفتم و خواستم رغبت مردم را بنوع کتاب بدانم . از این تعداد کم ۱۷ نفر رمان میخواندند ۸ نفر کتب مختلفه ...

اینک کتابخانه های مهم :

در حدود پنجاه هزار (۴۰۰۰ آن خطی) کتاب دارد	۱ - کتابخانه ملی
چهل هزار (۶۰۰۰ آن خطی) کتاب دارد	۲ - مجلس شورای ملی
بیست و پنج هزار کتاب	۳ - دانشرا و دانشکده ادبیات
» » »	۴ - معقول و منقول
» » »	۵ - دانشکده حقوق
هیجده هزار کتاب	۶ - حاج حسین آقا
بیست هزار کتاب	۷ - دانشکده فنی
چهارده هزار و پانصد کتاب	۸ - بانک ملی
شانزده هزار کتاب	۹ - دانشکده افسری
ده هزار کتاب	۱۰ - دانشگاه جنگ
دوازده هزار کتاب	۱۱ - دانشکده پزشکی
چهار هزار کتاب	۱۲ - باستان شناسی
دو هزار و پانصد کتاب	۱۳ - سلطنتی
-	۱۴ - اطلاعات سفارت امریکا
-	۱۵ - روزنامه اطلاعات
-	۱۶ - بنگاه راه آهن

در تهران سابقاً قرائت خانه زیاد بود و حتی برای مدیران آن نیز استفاده مادی هم داشت ولی چون اجتماع روشنفکران و جوانان در اینگونه بنگاهها بگفتگوهای سیاسی و احیاناً زدو خورد منجر میشد لذا تدریجاً آنها بسته شد و فعلاً در چند برزن قرائت خانه دایر است، قرائت خانه آریاهم پشت شهرداری چندبست دایر است .

انتشارات و تبلیغات

در تهران دو استودیو موجود است استودیوی کشور ، استودیوی نیروی هوایی .
 رادیو تهران در حال حاضر روزهای عادی ۱۵ ساعت و روزهای جمعه و جشنها ۱۸ ساعت .
 وسیله سه دستگاه فرستنده با امواج مختلفه ۱۹ - ۳۱ - ۴۹ - ۷۵ و ۳۳۵ پخش میشود .
 در تهران دو مرکز فرستنده هست .

(۱) - مرکز فرستنده اداره کل تبلیغات سه دستگاه
 ۳۲ کیلواتی }
 ۲۰ کیلواتی }
 ۲ کیلواتی }

(۱) - استودیوی نیروی هوایی - قدرت ۸۰۰ اسب روی امواج ۴۸ و ۴۰۰
 در شهرستانها نیز استودیوی فرستنده هست که قدرت مختلف دارند مانند :

۱ - تبریز روی موج ۴۹ و ۲۰۰	۲ - مشهد ۴۸ و ۲۰۰	۳ - اصفهان م ۴۴
۴ - شیراز م ۳۶۵	۵ - رشت م ۲۰۰	۶ - کرمانشاهان م ۲۰۰
۷ - کرمان م ۳۷۵	۸ - رضایه م ۴۴	۹ - اهواز م ۳۷
۱۰ - کردستان م ۴۴۵	۱۱ - خرم آباد م ۴۴	

فرستنده تبریز بین شهرستانها از همه قویتر و برنامه آن روزانه سه مرتبه صبح و ظهر و عصر در حدود هشت ساعت برنامه اجرا مینماید .

بهداری و بهداشت

وضع بهداشت تهران نسبت بسایر شهرستانهای ایران خوبست ولی هنوز بیابیه بهداشت پایتخت های کشورهای مترقی نرسیده .

لردگرن در کتاب خود مینویسد :

در ایران بهداشتی وجود ندارد، بیماریهای تیفوس و تیفوئید، اسهال خونی، وبا ، طاعون، آبله و اخیراً سل بطور مزمز و وساری در سراسر ایران یافت میشود ...

ناصرالدین شاه پس از مسافرت باروبا و دیدن اوضاع ارتش آنجا درصدد برآمد در تهران يك بیمارستان نظامی تأسیس کند . بیمارستان نظامی تهران بیست تخت خواب دارد . بودجه آنرا یکی از افسران پیرمیدهد ... بدیهی است که چنین بیمارستانی هیچوقت پزشک و دارو و پرستار نخواهد داشت و هر وقت از اوضاع آنجا تحقیق کند میگویند سپاس خدا را که تمام سربازان و جانبازان قبله عالم کوچکترین ملالی ندارند ... انتهی» .

مقصود لردگرن بیمارستان احمدیه است که اوایل سلطنت پهلوی فقید برچیده و تبدیل ببیمارستان شماره ۲ ارتش گردید و در مدت سلطنت رضاشاه کبیر بهداشت تهران تا اندازهئی ترقی کرد و بعد بر تعداد بیمارستانها افزوده شد که دنباله توجه باز دیاد بیمارستانها هنوز ادامه دارد .

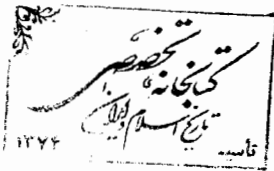
اینک صورت مؤسسات بهداشتی :

الف) آنچه مربوط بوزارت بهداشت است .

خیابان ژاله	۱ - بیمارستان شفا بحیائیان
خیابان سپه	۲ - بیمارستان نجات
جنوب باغشاه	۳ - بیمارستان سیصد تخت خوابی
میدان فوزیه	۴ - بیمارستان مسلولین بوعلی
شهر ری	۵ - بیمارستان فیروزآبادی
هدایت خیابان اسلامبول	۶ - درمانگاه شماره ۱
سیروس خیابان سیروس	۷ - درمانگاه شماره ۲
ری کوچه در بدار	۸ - درمانگاه شماره ۳
خیابان خراسان	۹ - درمانگاه شماره ۴
نظام الملک عشرت آباد	۱۰ - درمانگاه شماره ۵
شاه آباد شمیران	۱۱ - آسایشگاه مسلولین
ورامین	۱۲ - بیمارستان بلشت
شهریار	۱۳ - بیمارستان علیشاه عوض
حصارک	۱۴ - بیمارستان شهناز پهلوی

ب) بیمارستانهاییکه مربوط بشهرداریست :

خیابان قزوین	۱ - پرورشگاه بینویان مخصوص کودکان
--------------	-----------------------------------



خیابان شاهرضا
خیابان سینا
خیابان سی متری

جمشیدیه
خیابان قوام السلطنه
بیمارستان ابن سینا
خیابان مارشال استالین
ناحیه ۱۰
باغ فردوس

خیابان ری
انتهای خیابان شهباز
نازی آباد

۲ - شیرخوارگاه
۳ - تیمارستان درجه ۱
۴ - تیمارستان درجه ۲
(ج) - آنچه مربوط بسازمان شاهنشاهی است :
۱ - بخش یکصد تختخوابی بیمارستان پهلوی
۲ - درمانگاه مبارزه با کجلی
۳ - بخش یکصد و پنجاه تختخوابی حوادث و سوانح
۴ - درمانگاه عکس برداری
۵ - درمانگاه مبارزه با بیماریهای آمیزشی
۶ - آموزشگاه پرستاری و درمانگاه اشرف پهلوی
(د) - سایر بنگاهها :
۱ - بیمارستان بازرگانی
۲ - درمانگاه دریفوس
۳ - بیمارستان مفرح
۴ - درمانگاههای حومه جی و بریانک - نیاوران - تجریش - قلهک - یافت آباد
۵ - بیمارستانهای : رازی ، روزبه ، فارابی ، وزیری ، امیراعلم ، پهلوی ، گوهرشاد ، امریکائی ، باهر ، حافظی ، چهارازی ، میثاقیه ، رضانور ، ریاضی ، مهر ، لولاکر ، نجمیه ، مازندران ، ویژه ، یزدی ، بیمارستان شوروی ، بانک ملی ، وزارت راه ، شهربانی و بیمارستانهای ارتش . ضمناً در تهران ۸۰۰ پزشک (تمام ایران ۲۵۰۰) و ۳۰۰ ماما (تمام ایران ۶۰۰) و ۴۰۰ داروساز (تمام ایران ۱۰۰۰) و ۲۵۰ دندان پزشک (تمام ایران ۶۵۰ نفر) مطب دایر کرده اند .

بنگاههای خیریه تهران

بعلمت هجوم بیکارها یا افراد تنبل و معلول دهات و آبادیها بتهران مخصوصاً از شهر یور ۱۳۲۰ بیمد بنگاههای دولتی و ملی برای نگاهداری آنان تشکیل شده که مؤسسات مهم آنها عبارتند از :

(الف) سازمان شاهنشاهی در فروردین ۱۳۲۶ بنام سازمان شاهنشاهی و خدمات اجتماعی در تهران تشکیل شد و تاکنون قریب یکصد درمانگاه که بوسیله پزشکان آلمانی ، اطریشی و ایرانی اداره میشود در نقاط مختلفه ایران تشکیل شده .

بعلاوه کانون کار و آموزش ، آموزشگاه پرستاری ، آموزشگاه فنی از تأسیسات آنست . ضمناً با فقر و بیسوادی مبارزه میکند .

(ب) بنگاه حمایت مادران که در سال ۱۳۱۹ تشکیل شد شامل : زایشگاه ، شیرخوارگاه ، درمانگاه و مطب عمومی میباشد .

(ج) جمعیت شیر و خورشید ایران که در دوران اعلیحضرت فقید سروصورتی بخود گرفته و هنگام سیل و زلزله و آتش سوزی و غیره کمک قابل توجهی بصدور مینماید .

(د) بنگاه تعاون عمومی امین آباد که در حکومت سپهبد رزم آرا تأسیس شد .

ه) پرورشگاه شهرداری که قریب ۶۰۰ دختر و پسر بچه را نگاهداری و آنها مشغول تحصیل و کسب حرفه های صنعتی میباشند .

و) شیرخوارگاه شهرداری که در حدود ۴۰۰ نفر طفل شیرخوار نگاهداری مینماید .

روشنائی تهران قدیم

سابقاً بازارها و گذرها بوسیله چراغ موشی که بوسیله فتیله آلوده به پیه میسوخت روشنائی شهر را تأمین مینمود ، ولی ناصرالدین شاه از فرنگستان که مراجعت نمود متخصصی باخود آورد که برق تهران بوسیله گاز تأمین شود گویند حتی لوله های گاز را در خیابان چراغ گاز (که بعداً اسم او چراغ برق و فعلاً خیابان امیرکبیر نامیده میشود) کار گذاردند و بعللی حاج میرزا حسین خان سپهسالار از ادامه کار خود منصرف گردید .

تاچندی روشنائی شهر بوسیله شمع کچی در فانوس یا چراغهای فتیله ای نفتی نمره (۵) یا (۷) تأمین میگردد .

تا اینکه کارخانه برق وارد شد و مردم باز روشنائی و خواص آن تدریجاً آشنائی پیدا کردند . يك موتور برق در سر بل امیربهدر متعلق بحاج امین الضرب بود که باقوه ۲۰ اسب و قدرت ۸ کیلووات که تا ۵۰ متر اطراف بوسیله ۱۹۲ لامپ ۱۶ و ۲۲ شمعی روشن میشد .

يك موتور برق هم در ارك بود که فقط در شبهای جشن عمارتهای سلطنتی و محوطه باب همايون را روشن میکرد ولی بازم کفاف حوائج حوزه سلطنتی را نمینمود .

يك موتور دیگر در خیابان چراغ برق (امیرکبیر) نصب شد (۱۲۸۸ شمسی) بقوه ۵۰۰ اسب و قدرت ۳۰۰ کیلووات که ۱۴۰۰ لامپ در خانه ها و معابر نصب نموده بود .

ولی این تأسیسات مختصر که جریان برق را بوسیله تیرهای چوبی و خطهای هوایی توزیع مینمود و فقط هنگام شب دایر و د شایسته شتون پایتخت کشور شاهنشاهی نبود لذا در ۱۳۱۴ علیحضرت فقید دستور تأسیس برق جدید صادر نمودند ولی متصدیان امر بدون در نظر گرفتن احتیاج روزافزون تهران مبنای قدرت برق را روی شش هزار کیلووات گذاردند .

روشنائی و برق جدید تهران

شرکت اشکودا که رنده مناقصه شناخته شده برد چهار دستگاه نور بوژناتور هر کدام بقدرت ۱۶۰۰ و شش هزار ولت سفارش داد و همچنین مقداری کابل شش هزار و هزار ولتی و ۲۴ پست ترانسفورماتور هر کدام بقدرت ۳۰۰ کیلووات در ۲ نقطه شهر نصب گردید .

مردم تهران بدو استقبال از برق نمینمودند ولی هنگامیکه بی فوائد آن بردند مخصوصاً کارخانه ها و مؤسسات و غیره لذا از سال ۱۳۱۸ مردم برای گرفتن برق فشار آوردند . آمار زیر توجه و علاقه تدریجی مردم تهران را به برق نشان میدهد :

در سال ۱۳۱۶ ۱۱ مشترك نفر .

در سال ۱۳۱۸ ۶۹۲ مشترك نفر و هر سال بر تعداد مشتركین افزوده میشد ناچار کارخانه های سلطنت آباد و کارخانه سیمان از برق مازاد خود كمك به برق تهران مینمودند .

تهران یکصد هزار کیلووات قدرت و نیرو لازم دارد که فعلاً بیست هزار کیلووات آن مهیاست (کارخانه سلطنت آباد دو هزار کیلووات و کارخانه سیمان یک هزار و پانصد کیلووات كمك میدهد و برای

چهار ساعت اول شب در حدود پانصد کیلوات از کارخانه های بانک ملی، سیلو، دانشگاه و راه آهن به برق تهران کمک میشود .
بنگاه برق تهران فعلاً در حدود چهل هزار مشترک دارد که سالیانه یکصد و شصت میلیون ریال عایدی و ساعتی ۵۰ میلیون کیلوات مصرف دارد .

فرهنگ

وضع فرهنگ امروز ما مخصوصاً طرز تحصیل محصلین دبیرستان و دانشکده بصورتی درآمده که ارزش سیاسی آن بمراتب بآموزش و پرورش میچربد اصولاً بسازهای ازدانش جویان و آموزگاران فکر کسب دانش یا تربیت شاگرد نبوده کلاسهای درس را تبدیل به مراکز تبلیغ مرامی احزاب ساخته اند .

فرهنگ ایران در دوران صفویه فقط جنبه ادبی و مذهبی داشت دانشمندی بودند که اقلاً عربی خوب مینوشتند و میخواندند فقه ، اصول و غیره میدانستند .
در دوران قاجاریه سلاطین وعده های از رجال بااروپا رفتند ، بدو فکر تأسیس دارالفنون بدست توانای مرحوم میرزاتقی خان امیر کبیر پیدا شد و پس از تشکیل هم تاجندی که مستقل بود یعنی برنامه آن تقلیدی نبود و افرادی تربیت میکرد که وجودشان برای کشور اگر مفید نبود مضر هم واقع نمیشدند .

اینک قسمتی از کتاب مرآت البلدان و نظریه لرد کرزن انگلیسی را در اینخصوص مینگاریم :
مرآت البلدان : «مدرسه مبارکه دارالفنون در آردک پادشاهی در محلی که اکنون در خیابان ناصریه و خیابان الماسیه است نهاده و معلمین برای هر علمی اذونات استریه طلبیده و مسیو جان داود مترجم اول دولت علیه که باین مأموریت باینه رفته بود ، اعلیحضرت امپراطور استریه اورا بانیل مرام معاودت داد و چند نفر معلم با او همراه نمودند ...

بعد از آنکه معلمین مذکور بدارالخلافه تهران رسیدند و طرف شرقی مدرسه مبارکه نیز تمام شد روزیکشنبه پنجم ماه ربیع الاول این سال (۱۲۶۸ هـ) اولاد شاهزادگان عظام و امرا و اعیان و رجال دولت که برای تحصیل در این مدرسه منتخب شده بودند بتوسط میرزا محمدعلیخان وزیر دول خارجه شرف اندوز خاکبای مبارک شده بعد از آن بمدرسه مبارکه آمده بمیمت شروع بتحصیل کردند . .

ابتدا علمی که شروع کردند : مشق پیاده نظام ، مشق توپخانه ، مشق سوار و هندسه ، طب ، جراحی ، علم دوا سازی و علم معدن بود و مقرر شد که هر دسته لباس علیحده بپوشند که فقط از وضع لباس شغل هر یک معلوم شود .
لرد کرزن در کتاب خود مینویسد :

«در هر شهر و ده ایرانی چندین مکتب خانه است حق الزحمه آخوند مکتبی ها از ماهی «یک قران تا سه قران است . در این بنگاهها خواندن و نوشتن فارسی و تلاوت قرآن را میآموزند .
«قرآن را طوطی وار میخوانند ، یعنی کمترین توجهی بمفاد و مفهوم آن ندارند . طرز تدریس «در مکتب ایرانی طوریست که بیشتر فارغ التحصیل ها فارسی میخوانند ولی نوشتن نمیدانند ، کسانی که «هر دو هنر را دارند بلبق عالی (میرزا) ملقب میشوند .»

«مدارس عالی و متوسطه بمفهوم اروپائی در ایران یافت نمیشود ، در مدارس مذهبی «ایران بطور عجیبی علوم طب و فقه و فلسفه تدریس میشود ، باین معنی که در مدارس مزبور»

« برنامه و دوره تحصیلی و سایر مقررات معموله وجود ندارد و هر کس هر وقت بخواهد بدان «
مدارس رفته و مطابق دلخواه از آنجا بیرون بیاید».

« **دارالفنون** : ناصرالدین شاه در آغاز سلطنت خویش مدرسه‌ای بنام دارالفنون «
تأسیس کرد . عمارت این مدرسه را مطابق اسلوب مدارس فرنگ ساختند و علاوه بر اطاقهای «
« کلاس دارای کتابخانه، سالون کنسرت و تئاتر میباشند . عمارت اخیر یعنی سالون تئاتر و کنسرت «
« و موزیک بحکم ملاهای تهران از حیز انتفاع افتاده است » .

« مواد درسی این مدرسه عبارتست از : فارسی ، عربی ، انگلیسی ، فرانسه ، روسی ، «
« آلمانی ، ریاضی ، طب ، نقشه کشی ، فیزیک ، شیمی ، معدن شناسی ، جغرافی و درس مربوطه «
« بنظم هست معلم اروپائی در دارالفنون تدریس میکنند که عبارتند از یک معلم انگلیسی ، سه «
« معلم فرانسوی ، سه معلم آلمانی ، یک معلم لهستانی بعلاوه یک معلم ارمنی جلفائی که زبان «
« روسی درس میدهد » .

« من شخصاً بکلاسها سرکشی کرده و حضوراً از شاگردان امتحان حساب ، فرانسه ، «
« انگلیسی و غیره بعمل آمد بخوبی از عهده برآمدند . بطوریکه شایع است دانشجویان دارالفنون «
« نمونه کاملی از هوش و ذكاء ایرانی میباشند » .

« شماره کلیه آنان به ۲۵۵ میرسد از آنجمله چهل شاگرد در کلاسهای علمی و ادبی و ۷۵ «
« در کلاسهای علوم نظام مشغول تحصیل هستند، دوره تحصیل ابتدائی و متوسطه و عالی دارالفنون «
« شش تا هفت سال است ... »

« چوب و فلک معمولی هم در اینجا راه یافته و غالباً بکار میرود ، بودجه مدرسه سالی «
« ۸۵۰۰ لیره یاسی هزار تومان بدست مخبرالدوله وزیر معارف و مدیر مدرسه سپرده شده است . «
« جای بسی تأسف است که معارف جدید ایران تا همین اندازه محدود و مقید مانده از «
« آن بدتر آنکه از چهل سال قبل تا بحال همان وضع عادی دیرین را که در بدو تأسیس داشته «
« بدون کوچکترین پیشرفتی محفوظ داشته است انتهی » .

اینطور استنباط میشود که اقل آرزوها مدرسه‌ای بوده در مورد برنامه خرد استقلالی
داشته و کسانی بآن مکان مقدس قدم میگذارند که میخواستند درس بخوانند .

ولی رفته رفته فرهنگ ما ترجمه مختصر و ناقصی از فرهنگ فرانسه شده و فکر تقلید از
برنامه بیگانگان و رسوخ سیاست و عناصر نامحرم و فاسد در این دستگاه حساس کار را بجائی رسانده
که دیگر نه نظم و ترتیبی در مدارس هست و نه آموزش و پرورش باید فرهنگ را از سیاست برکنار
نمود ، دبستانها دولتی و تعلیم اجباری باشد ولی دبیرستانها حتماً ملی شوند تا مسئول جوانان کشور
معلوم باشد ، اگر مدیر یا آموزگاری از حدود و وظائف و شئون خود تجاوز کرد یا در کانون دانش
بتبلیغات سیاسی و اموری خارج از برنامه پرداخت اولیای اطفال و انجمنهای خانه و مدرسه حق
بازخواست از مرتکب داشته باشند و بتوانند دست رد بسینه آنها بزنند . در تهران فعلاً قریب
۴۵ دبیرستان و ۴۰۰ دبستان موجود است بعلاوه دانشکدههای طب ، داروسازی ، دامپزشکی ،
دندان پزشکی ، کشاورزی ، فنی ، ادبیات ، حقوق ، هنرهای زیبا ، معقول و منقول که آنها
تابع دانشگاه بوده و استقلالی دارند ، آیا حقیقتاً در این دبیرستان و دبستان و دانشکده درس خوانده
میشود ؟ آیا استادان در دادن درس تحصیلی و نمره بشاگردان آزادی عمل دارند ؟

تعجب آنجاست که وزرا و رؤسای دانشگاه بلند پروازی هم میکنند . دستگاهی که هنوز

بدوی‌ترین قدم‌ها را برداشته و تعلیمات ابتدائی را عمومیت نداده ، درصدد تأسیس دانشگاه‌های متعدد برآمده و چراغی را که بخانه‌رواست درمسجد افروخته و پولی را که باید صرف باسواد کردن مردم شود درراه دایرنگاهداشتن دانشگاه‌های متعدد که نه معلم و نه وسیله تعلیم دارند به‌درمیدهند. برنامه تحصیلی ما «آش شله قلمکار» است دولت اجتماع ما هنوز خواندن و نوشتن نپیداوند زیرا دستگاه فعلی هنوز نتوانسته درک کند که ایران محتاج معلم است و ایرانی را باید قبل از هرچیز باسواد نمود .

بانک های تهران

- این بانکها دربیست و چند ساله اخیر درتهران تأسیس و مشغول فعالیت هستند :
- ۱ - بانک ملی
 - ۲ - بانک تعاونی سپه
 - ۳ - بانک رهنی ایران
 - ۴ - بانک کشاورزی و بیشه و هنر
 - ۵ - بانک بازرگانی ایران
 - ۶ - بانک برنامه
 - ۷ - بانک ساختمانی
 - ۸ - بانک توسعه صادرات
 - ۹ - بانک پارس
 - ۱۰ - بانک بیمه بازرگانی
 - ۱۱ - بانک تهران
 - ۱۲ - بانک صادرات و معادن
 - ۱۳ - بانک روس و ایران .

تاریخچه بانکداری در ایران

بانکداری و تأسیس بانک در ایران از سال ۱۲۶۷ جمادی‌الاول ۱۲۸۹ هـ . ق شروع میشود و این تاریخ موقعیست که بنگاهی بنام «بانک جدید شرقی» که يك بنگاه انگلیسی بود تصمیم گرفت که ایران و بازرگانی آنرا زیر تسلط خود قرار دهد و بدون تحصیل امتیاز شعبه‌هایی در مراکز مهم بازرگانی ایران بازنمود و اسکناسهای پنج قرانی زیادی صادر و منتشر نمود ولی پس از دو سال بانک شاهنشاهی ایران شعبات وکل دارائی آنرا به ۲۰۰.۰۰۰ لیره خریداری نمود.

بانک شاهنشاهی ایران - شالوده این بانک توسط بارون جوایوس دورویر ریخته شد. امتیاز تأسیس این بانک را ناصرالدین شاه قاجار برای مدت ۷۰ سال بنامبرده و اگذار نمود ، لکن این امتیاز علاوه بر انحصار کامل تجارت ، ساختمان راه آهن و واکن‌های برقی در کلیه نقاط ایران ، شوسه کردن جاده‌ها ، استخراج معادن و تهیه وسایل آبیاری ، اجاره گمرکات و غیره و غیره را بدست او مسلم و محرز میساخت و از این نظر با سیاست داخلی و خارجی دولت تماس و مغایرت کلی پیدا میکرد .

ولی بارون نامبرده موفق با اجرای مواد پیمان خود نشد و با تأدیه چهل هزار لیره ضمانت بانکی امتیاز او لغو گردید .

مجدداً در تاریخ ۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۰۶ هجری قمری امتیازی جهت تأسیس بانك و استخراج معادن بدست آورد که مدت شصت سال آزادی حق تجارت در سر تا سر کشور تأسیس بانك و حق صدور اسکناس و غیره را بدست آورد .

بانك شاهنشاهی ایران در ماه اوت ۱۸۸۹ با سرمایه يك میلیون لیره (صد هزار سهم ده لیره) مرکز خود را در لندن تشکیل داد و این بانك پول و اقتصاد و دارائی و کلیه امور بازرگانی کشور را سالهای متمادی در دست داشت تا اینکه در سال ۱۳۰۹ دولت ایران مبلغ دو بیست هزار لیره برای جبران الفای حق صدور اسکناس را بآن بانك پرداخت و صدور اسکناس ببانك ملی ایران اختصاص یافت و در سال ۱۳۲۸ اساس بانك شاهنشاهی بکلی برچیده شد .

بانك روس و ايران

درسال ۱۲۶۸ شمسی روسها در برابر انگلیسها برای سازمان بانکی در ایران امتیازی از دولت گرفتند و بنگاهی بنام بانك-استقراضی ایران در کشور تشکیل دادند.

این بانك شعبه‌ای از بانك دولتی روسیه و تابع وزارت دارائی آن کشور بود و مانند بانك انگلیس در اغلب شهرستانها شعباتی دایر نمود.

چون منظور از تأسیس این بانك توسعه نفوذ در برابر انگلیسها بود لذا با تاجار رویه عادلانه‌ای را پیش گرفت و محبوبیتی پیدا کرد. پس از انقلاب اکتبر اساس این بانك در هم ریخت و بانك روس از بقایای همان بانك است.

بانك تعاونی سپه درسال ۱۳۰۴ در محل محقری با سرمایه ۳,۸۸۳,۹۵۰ ریال (موجودی بازنشستگی افسران و درجه‌داران و افراد ارتش) تأسیس یافت و حقوق بازنشستگی و مستمیری افسران و درجه‌داران و افراد نظامی و وراث آنها را مرتباً میبرد از آنجا که این تعداد اخیراً (شهریور ۱۳۳۲) به ۷۲۹۸ نفر رسیده است.

در این مدت این بانك قریب سی و هشت میلیون ریال بدولت مالیات داده و یکصد و شانزده میلیون ریال سود خالص داشته و بیشتر از بیست میلیون ریال صرف ساختمان اداری مرکزی نمود. و در شهرستانها ۱۷ شعبه دایر نموده است.

بانك ملی

بانك ملی ایران - فکر تأسیس این بانك در ابتدای مشروطیت پیدا شد ولی دستهایی مانع انجام آن شد تا اینکه در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶ در زمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر قانون تأسیس بانك ملی بتصویب مجلس شورایی رسید و سرمایه اولیه آن بیست میلیون ریالی بود که دولت در اختیار بانك گذارد.

در هفدهم شهریور این بانك رسماً افتتاح شد و فعلاً ۱۵۴ شعبه دارد و ترقی این بانك بجائی رسیده است که چندین برابر سرمایه اولیه خود ساختمان نموده و چندین برابر آن بدولت و شهرداری و بنگاه لوله کشی و غیره وام داده است و بیشتر از سیصد میلیارد ریال سود خالص آنست این ترانزنامه نشان میدهد که بانك استقراضی روس و بانك شاهنشاهی انگلیس چه ثروتی از این کشور بدست آوردند.

یکی از تأسیسات بانك ملی بنگاه صندوق پس انداز است که اخیراً هشتصد و پنجاه میلیون ریال موجودی داشت. در آخر سال مالی ۱۳۳۱ سرمایه بانك ملی به دو میلیارد ریال افزایش یافت.

مطالبات بانك

بستانکاری از بنگاهها و شرکت‌های دولتی و بانكها و شهرداریها در حدود یکصد و پنجاه میلیون تومان (۱۵,۶۴۳,۲۹۴,۴۳۰ ریال) از این مبلغ ۱,۱۶۵ میلیون ریال بشرکت ملی نفت و ۲۱۱ میلیون ریال بسازمان لوله کشی تهران داده است.

سود ویژه بانك درسال ۱۳۳۱ مبلغ ۲۹۵,۱۷۷,۹۰۹,۶۶۵ ریال بوده است که پس از وضع هزینه کل و استهلاکات بدست آمده.

بانك كشاورزی

بموجب قانون شهريور ۱۳۰۹ وزارت دارائی مجازگردید سالانه مبلغی که از بانصدهزار تومان کمتر نباشد برای تشکیل سرمایه بانك فلاحتی بیانك ملی ایران تأدیة نماید و در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۱۲ قانون تأسیس بانك فلاحتی و صنعتی بتصویب مجلس شورایی رسید و این بانك بصورت شرکت سهامی با سرمایه ۲۰ میلیون ریال در روز ۲۵ تیرماه ۱۳۱۲ افتتاح یافت ، درجهل شهرستان شعبه و در سی بخش یا شهرستان کوچک نمایندگی تأسیس نموده است .

کلامهم این بانك عبارتست از دادن وامهای کشاورزی ب شرکتها و برزرگان و اجاره داران .

وضع قضائی تهران

دادگاههای استان ۱ و ۲ مشتمل بر ۱۶ شعبه دادگاه استان که ۴ شعبه آن بامور جنائی رسیدگی خواهد نمود و ۱۳ دادگاه شهرستان بشرح زیر :

- ۱ - دادگاه بخش ۱۶ شعبه آن در تهران و یک شعبه در کرج و یک شعبه در رامین است .
- ۲ - رشت ...
- ۳ - لاهیجان ...
- ۴ - قرابن ...

دیوان کشور که مافوق کلیه دادگاه ها و شامل ۹ شعبه و محل آن در تهرانست علاوه بر سازمان عمومی فوق دادگاههای زیر بنوبه خود انجام وظیفه مینمایند .

الف) دادگاه عالی انتظامی مخصوص رسیدگی بتخلفات و اخلاق و اعمال و رفتار منافی با حیثیت و شئون قضائی و سوء شهرت مسامحه در انجام وظیفه همچنین ترفیع کارمندان قضائی در پایتخت تشکیل میشود . این دادگاه یک رئیس و چهار عضو عالیرتبه دارد .

ب) دادگاه شرع .

ج) دادگاه بخش شهرداری .

د) دادگاه کیفیترکانقروشان .

ه) دادگاههای اختصاصی نظامی ارتش .

از شهريور ۳۲۰ با اینطرف کمتر روزی اتفاق افتاده که در تهران حکومت نظامی رقرار نباشد بنابراین بیشتر روندهای جنائی بدادگاههای نظامی تابع فرماندار نظامی رجوع شده است .

امور ورزش و باشگاهها

برای بکار انداختن نیروی جوانان همچنین رشد و تقویت نیروی جسمانی مردم ایران در فروردین ۱۳۱۳ انجمن ملی تربیت بدنی و پیشاهنگی ایران تحت ریاست عالیہ اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی در تهران تشکیل گردید .

رؤسای فدراسیون ها (اسکی ، فوتبال ، وزنه برداری و غیره) کلیه دستورات خود را از این انجمن دریافت میدارند .

وجود این انجمن در پیشرفت امور ورزشی ایران مخصوصاً اثر بسیار نیکومی داشته بطوریکه

در مسابقات بین‌المللی جوانان ما موجبات سر بلندی و افتخار ایران را فراهم آوردند و در این مدت در تهران باشگاههای زیر تشکیل شده است :

- باشگاه : ۱ - آذرات خیابان شاهیور ۲ - آهنین خیابان شاه
 ۳ - بانك ملی ۴ - پیر خیابان عطار
 ۵ - بوستان ورزش امجدیه خیابان روزولت ۶ - پینك پونك كلوب زیبا خیابان
 شاهرضا ۷ - پولاد گذر وزیردفتر ۸ - تاج خیابان ایرانشهر
 ۹ - تهران میدان شاهیور ۱۰ - دارائی میدان بهارستان
 ۱۱ - دخانیات اداره دخانیات ۱۲ - راه آهن بنگاه راه آهن
 ۱۳ - ژاندارمری خیابان مختاری ۱۴ - شاهین امجدیه
 ۱۵ - شعاع خیابان چرچیل ۱۶ - لشکرکارد جاده شیران
 ۱۷ - باشگاه گارد سلطنتی جمشیدیه ۱۸ - نیکنام حشمت الدوله
 ۱۹ - نیرو و راستی شاه آباد

استخرها عبارتست از :

- ۱ - استخر اشتراک بارك چاله هرز ۲ - استخر امجدیه ۳ - بوت كلوب خیابان پهلوی
 ۴ - بوستان ورزش امجدیه ۵ - استخر خرم نیاردان ۶ - رامسر خیابان شاهرضا
 ۷ - استخر راه آهن در همان بنگاه ۸ - استخر شهری ۹ - استخر منظریه
 ۱۰ - استخر ورزنده خیابان شاهرضا .

اماکن عمومی پایتخت

شهر تهران دارای پنج هتل (هتل بارك ، هتل پلاس ، هتل ركس ، هتل ریتز و هتل فردوسی) و ۲۶ میهمانخانه از جمله (بلوار، جهان ، دربند ، ری ، کیلان ، کیلان نو، لیستر پلاس و نادری میباشد) و پنج بانسیون (آلابن بلنیر، بانوتونی پالیسوس ، خاورمیانه ، فیلادلفیا و مای تسین) همچنین یکصدوسی و هشت مسافرخانه و سیصد و هفده کافه رستوران است .

۱ - يك ناهار کامل که عبارت از اردور، سالاد فصل ، سوپ ، دو خوراك یکی خوراك فصل از قبیل دلمه و سبزیجات فصل و املت ، یکی خوراك گوشت (یا ماهی یا برنده) دسر و قهوه و چای مجموعاً در میمانخانه و کافه رستوران درجه ۱ چهل ریال درجه ۲ سی و چهار ریال درجه ۳ ۳۰ ریال میشود .

۲ - شام کامل که عبارت از اردور ، سالاد فصل ، سوپ ، دو خوراك (یکی گوشت یکی ماهی یا برنده) دسر، قهوه یا چای مجموعاً در میمانخانه و کافه رستوران درجه يك ۵۰ ریال درجه دو ۴۰ ریال درجه سه ۳۵ ریال .

۳ - صبحانه کامل : نان ، کره ، پنیر، دو عدد تخم مرغ و مربا یا عسل ، شیر و چای یا شیر

وقهوه ، ياشير و كاكائو مجموعاً در مهمانخانه و كافه رستوران درجه ۱ بيست ريال درجه ۲ هفده ريال درجه ۳ پانزده ريال ميشود .

كرايه تختخواب و اطاق در مهمانخانه هاى درجه ۱

- ۱ - كرايه اطاق بايك تختخواب ۶۰ ريال .
- ۲ - كرايه اطاق بادو تختخواب ۹۰ ريال .
- ۳ - كرايه تختخواب در اطاق بيش از دونفر هر نفرى ۳۰ ريال .
- ۴ - كرايه اطاق بايك تختخواب و حمام خصوصى ۱۰۰ ريال .
- ۵ - كرايه اطاق بادو تختخواب و حمام خصوصى ۱۲۰ ريال .
- ۶ - استفاده از حمام مهمانخانه براى هر دفته ۲۰ ريال

كرايه تختخواب و اطاق در مهمانخانه هاى درجه ۲ و ۳

- درجه ۲ درجه ۳
- ۷ - كرايه اطاق بايك تختخواب ۴۰ ريال ۳۶ ريال كرايه تختخواب در اطاق بيش از ۸ - » » بادو » ۵۰ » ۴۵ » دونفر هر نفرى ۱۵ ريال

تماشاخانه و سينما

در تهران ۹ تماشاخانه (ايران ، جامعه باربد ، دهقان ، سعدى ، شاهين ، شهرزاد ، فردوسى ، فرهنگ و كيتى) و ۱۱ سينما درجه يك (ايران ، برليان ، بارك ، تهران ، ديانا ، ركس ، رى ، كريستال ، مايبك ، متروپل و سينما هما) ۱۷ سينما درجه ۲ (البرز ، اميريه ، پارس ، تمدن ، خورشيد ، خيام ، دماوند ، زيبا ، فرى ، كشور ، ملي ، مى امى ، ميترا ، ميهن ، نور و سينما هوايود) دايـر ميـباشد .

در تهران ۲۳ ميدان (امين السلطان ، ايستگاه راه آهن ، ۲۴ اسفند ، بهارستان ، باستور ، خراسان ، ژاله ، سرچشمه ، سپه ، سيروس ، شاه ، شاهپور ، شوش ، فردوسى ، شهناز ، قزوين ، كاخ ، كمرك ، مازندران ، مخبرالدوله و ميدان محمديه) احداث شده .

محوطه سنگلج سابق كه در زمان پهلوى فقيد بزمين مسطح تبديل شده بود بصورت زيبا و مصفايى درختكارى و گلكارى شده و بگرددشهاى عمومى اختصاص داده شده است .

در تهران ۲۱۰ مسجد بنا شده كه مهمترين آنها مسجد سپهسالار ، مسجد شاه ، مسجد جامع ، مسجد مجد ، مسجد ارك و مسجد حاج سيد عزبزاله ميباشد .

وسائـل نقلـيه شهر تهران

تاچندى پيش اتوبوسرانى خط هاى مختلفه تهران به ۳۴ خط تقسيم شده بود . وضع اتوبوسرانى تهران فوق العاده نامنظم و بهيچوجه متناسب بايك پايتخت را ندارد . قانونى در او اخـرسال ۱۳۳۱ از مجلس شورى ملي گذشت كه اتوبوسرانى شهر تهران بشركتى واگذار شود كه نصف سهام آنرا شهردارى داشته باشد ولى اين موضوع كه بى مطالعه و بعجله از مجلس گذشته بود

بموقع اجرا گذارده نشد فعلا خطوط اتوبوسرانی تهران را به ۱۸ خط شمالی و جنوبی و خاوری و باختری تقسیم نموده‌اند تا بعداً خطوط فرعی بر آن افزوده شود .

تعداد وسائط نقلیه پایتخت :

۱ - اتوبوس شهری	۱۲۳۴	اتوبوس بیابانی	۱۱۶۴	اتوبوس شخصی	۱۶
۲ - سواری شخصی	۹۳۳۲	سواری کرایه	۶۸۶	تاکسی	۲۲۷۶
۳ - باری شخصی	۳۵۳	باری شهری	۹۳۲	باری بیابانی	۴۳۳۵
۴ - اتومبیلهای سیاسی	۲۰۹	سواری دولتی	۹۲۷	بارکش دولتی	۵۱۶
۵ - موتورسیکلت	۹۲۳	آمبولانس	۳۶	اتوبوس	۵۱۶

آمبولانس شخصی ۱۶

وسائط نقلیه ارتش، ژاندارمری و شهربانی در اینصورت منظور نشده. نرخ سواری اتوبوس ازمبدأ تا مقصد سابقاً (اتوبانک اتوبوسهائی بود متعلق بیانک سپه که در تهران مبتکر اتوبوسرانی بود و اتو دانمارک که يك شرکت دانمارکی اتوبوسهای شیک و راحتی وارد کرده ولی ورشکست شد) ۸ شاهی بود و فعلا داخله شهر یگریال حضرت عبدالعظیم ۲ ریال شمیران ۳۵۰ کرج ۵ ریال میباشد. نرخ تاکسی ۱۰ ریال ۲ نفر ۱۰ ریال و سه نفر ۱۵ ریال ولی بزودی تغییرات اساسی در مورد اتوبوسرانی تهران داده خواهد شد اتوبوسهای مدرن و رسدس از آلمان وارد میشود تعداد آنها در حدود هشتصد دستگاه برای وهله اول در نظر گرفته شده و ماشین هر خطی رنک مخصوصی خواهد داشت .

بخش نهم = شهرستانهای تابع استان

اطلاعات تاریخی و جغرافیائی تهران بتفصیل گفته شد ولی چون تهران امروزه به استان تبدیل گردیده و شهرستانهای ساوه ، قزوین ، دماوند ، قم و محلات تابع آنست تشریح هر یک از پنج شهرستان دیگر بطور خلاصه لازم بنظر رسید .

۱ - ساوه - این شهرستان از شمال محدود است بخاک تهران و قزوین از باختر به همدان از جنوب به اراک و از خاور به قم .

خاک ساوه را ۸۱ دهستان و ۳۹۶ ده تشکیل میدهد از نظر زراعت غله خیز بوده ، خربزه و انار آن مشهور است .

مرکز این شهرستان ساوه در زاویه شمال باختری آن واقع شده ، پهنای آن ۴۵ و درازای آن ۵۰ کیلومتر است . از خاور متصل بیاطلاقیهای شوره زار میشود ، شب سه گانه زرینه رود که رشته شمالی آن از کوههای خرقان ورشته باختری آن از کوههای الوند ورشته جنوبی آن که معروف بدو آب است و از کوههای جاپلق سرچشمه میگردد شهر را مشروب میکند . فاصله آن از تهران ۱۳۰ کیلومتر جمعیت آن ۱۲۹۰۵ نفر . در سال ۶۱۷ هجری شمسی این شهر توسط سپاهیان مغول غارت شد . کتابخانه معروف آنرا که بزرگترین کتابخانه های دنیا بود آتش زدند .

علاوه بر مسجدی که در داخل شهر است مسجد دیگری بنام مسجد جامع در خارج است که از بناهای کهن است .

دهستانهای ساوه

۱ - دهستان بیات از ۲۹ قریه تشکیل شده که ۱۸ قریه آن در جلگه بقیه در کوهستان واقع ، هوای آن معتدل مایل بسردی است . برای زراعت از آب چشمه ، قنات و رودخانه استفاده مینمایند . در جنوب قریه ستق در وسط یک تپه چاه عجیبی معروف به بابا کرک واقعست . یک دبستان و ۱۱ مکتب خانه دارد .

۲ - دهستان جعفر آباد - دارای ۳۱ قریه همگی در جلگه واقع هوای آن معتدل مایل بگرمی است . برای زراعت از آب قنات و فاضل آب رودخانه سفرقان استفاده میشود زراعت آن غله ، پنبه و سردرختی آن انار فراوانست .

۳ - دهستان حومه شهر - دارای ۸۰ قریه است که ۴ قریه آن در کوهستان و بقیه در جلگه واقعست ، هوای آن کمی گرم و برای زراعت از آب رودخانه سفرقان و مردقانچای ، قنات و چشمه استفاده میشود .

محصول آن غلات ، پنبه و اشجار آن انار و انجیر و انگور است و دبستان و یک مکتبخانه دارد ، شاه عباس در زرینه رود سدی بسته که آثار آن و بناهای تاریخی دیگر دلیل قدمت تاریخی آنست .

۴- **دهستان خرقان** - که دارای ۹۹ قریه کوهستانی و هوای آن سرد و از آب رودخانه و چشمه قنات مشروب میشود. محصول آن غلات، حبوبات و سیب زمینی میباشد. یک دبستان و ۱۴ مکتب‌خانه دارد.

دره بینمبر که مقبره اشومیل در آن واقعت و آثار تاریخی دیگری در دهات آن دیده میشود.

۵- **دهستان رزق چای** - از ۹ قریه که همگی در جلگه اند تشکیل شده هوای آن معتدل و از آب رودخانه، قنات و چشمه سارها برای زراعت استفاده مینمایند. محصول آن غلات، حبوبات، سیب زمینی و پنبه است. ۶ مکتب‌خانه دارد.

۶- **دهستان زرند** - ۹۳ قریه است که ۷ آبادی آن در جلگه بقیه در کوهستان واقعت، هوای آن معتدل و برای زراعت از آب قنات و چشمه استفاده مینمایند. محصول عمده آن غلات، پنبه و چغندر است. خر بزه آن معروف است. در این دهستان ۴ دبستان و ۶ مکتب‌خانه دایر است.

۷- **دهستان کوهپایه** - که از ۲۹ قریه کوهستانی تشکیل شده هوای آن سرد برای زراعت از آب قنات و چشمه سارها استفاده مینمایند. محصول عمده آن غله. حبوبات و سیب زمینی است. در این دهستان ۳ دبستان و ۴ مکتب‌خانه دایر است.

۸- **دهستان هزدقانچای** - دارای ۶۶ قریه که ۵۵ قریه آن در جلگه بقیه در کوهستان واقعت، هوای آن معتدل، از آب رودخانه، قنات و چشمه سارها استفاده مینمایند. محصول عمده آن: غلات، حبوبات، سیب زمینی، چغندر و پنبه است. ۳ دبستان و ۲۹ مکتب‌خانه دارد آثار قدیمی آن مقبره امامزاده نوح و مناره چهل دختر است.

دماوند

این شهرستان از شمال محدود است به خاک مازندران از جنوب بوردامین از باختر بتهران و مازندران از خاور به سمت ارتفاع آن ۲,۳۰۰ متر و بوسیله دورودخانه از خاور و شمال باختر است که بعد رودخانه دماوند نامیده میشود مشروب میشود.

دماوند از شهرهای قدیمی و نام کهن آن **پشیمان** بوده است. باغهای متعدد و انواع میوه دارد سیب دماوند شهرت کامل دارد. تاکنون چندین مرتبه در اثر زلزله خراب شده. مهمانخانه و ابنیه عالی در سالهای اخیر بنا شده. چون هوای آن میلا نیست تابستان عمده زیادی از اهالی تهران بآنجا میروند.

بخشهای آن عبارتست از: ۱ - حومه مرکزی دماوند، شامل دهستانهای: تارود - جمع آب رود - سیاهرود.

۲ - فیروزکوه، شامل: حومه، قرقانچای، افتر و پشت کوه و جبله رود.

۳ - گرمسار، شامل: قشلاق بزرگ، ریکان، یاطری و ارادان.

۴ - ایوانکی.

جمعیت شهر دماوند در حدود یازده هزار نفر.

قله دماوند مرتفعترین قله البرز و در ۲۵ کیلومتری دماوند و ۷۵ کیلومتری تهران واقع

مخروطی شکل بوده و از هر طرف دره‌های عمیق دارد. ارتفاع آن ۵۶۷۱ متر است. نزدیک بقله محلی است بنام دودکوه که همیشه دود رقیقی از آن متصاعد است.

دهستانهای معروف دماوند

۱ - **دهستان ابرشیوه** - از ۱۵ قریه کوهستانی تشکیل شده، هوای آن سرد است برای زراعت از آب جاجرود و چشمه‌سارها استفاده مینمایند، محصول آن غلات، حبوبات، سیب زمینی و میوه سردرختی. مراتع برای کله داری موجود در دهستان ۵ مکتبخانه دارد. در قریه عین ورزان آبشارهای متعدد موجود است.

۲ - **دهستان جنوب خاوری** - دارای شش قریه کوهستانی که هوای آن سرد محصول عمده آن: غلات، حبوبات، سیب زمینی و اشجار میوه، تربیت طیور خانگی و حیوانات اهلی معمول است. ۱ دهستان ۱ مکتبخانه دارد.

۳ - **دهستان جبه ابرود** - از ۱۴ قریه کوهستانی تشکیل شده، هوای آن سرد، محصول عمده: غلات، حبوبات، سیب زمینی و اشجار میوه - ۳ دهستان دارد از آب قنات و چشمه استفاده مینمایند.

۴ - **دهستان باررود** - دارای ۱۶ قریه کوهستانیست، هوای آن سرد، محصول عمده آن غلات، حبوبات، سیب زمینی، چغندر و اشجار میوه، از آب رودخانه و قنات و چشمه استفاده مینمایند، تربیت حیوانات اهلی و طیور خانگی معمول است. کارخانه مهم شیمیائی و اسلحه سازی ارتش در قریه بارچین واقعست، بقاع متبرکه مقبره ابوسعید است.

۵ - **دهستان سیاهرود** - از ۶ قریه تشکیل شده، هوای آن سرد، محصول عمده آن: غلات، حبوبات، سیب زمینی و انواع اشجار میوه، از آب رود و چشمه استفاده مینمایند تربیت حیوانات اهلی و طیور معمول است. چشمه‌های آب معدنی قریه ۵ معروفست.

۶ - **دهستان شمالی** - از ۸ قریه کوهستانی تشکیل شده، هوای آن سرد محصول عمده آن: غلات، حبوبات، اشجار میوه، از آب چشمه اعلمی و چشمه‌های دیگر استفاده مینمایند، تربیت حیوانات اهلی و طیور خانگی معمول است.

ادارات دولتی آن عبارتست از: فرمانداری، پست و تلگراف، بهداشتی، ژاندارمری. اماکن متبرکه دماوند: امامزاده عبدالله، امامزاده شمس‌الدین محمد و مسجد جمعه است.

شهرستان قم

قم از شمال بتهران از جنوب بکاشان و محلات از باختر به ساوه و اراک و از خاور به کویر محدود است.

شهرستان قم از شهرهای قدیمی و در باختر دریاچه حوض سلطان واقعست. بعلمت واقع شدن سرراه: تهران، کاشان، اراک، اصفهان و عبور راه آهن سرتاسری ایران که با هواز و کاشان می‌رود دارای موقعیت مهم میباشد بخصوص از نظر مذهبی که مرقد مطهر حضرت معصومه دختر امام موسی کاظم (ع) در وسط شهر واقعست و دارای صحن وسیع و کنبد و ایوان طلا میباشد. بعضی از

سلاطین صفوی وقاجار به درقم مدفونند . امامزاده‌های دیگری درقم نیز مدفونند . درمجم‌البلدان ونزهةالقلوب ازآب شهر وهوای آن همچنین انبار وانجیر وخریزه آن تعریف شده . ساختمان آنرا بطهمورت نسبت میدهند . کوزه‌گری، شیشه‌گری ، صابون وسوهان قم وحلواارده قم شهرت دارد . جمعیت ثابت آن درحدود (۶۰۰۰۰) نفر است .

بخشهای تابعه قم

۱- بخش مرکزی ، شامل دهستانهای : (قم رود ، قنات ، اراضی نیزار) .

۲- دستچرد ، شامل دهستانهای : (طفرود ، راهجرد ، مرداب) .

۳- کهک ، شامل دهستان قهستان .

دهستانهای مهم :

۱- اردهان - درجنوب جاسب ، کوهستانی ، باخترکاشان ، هوای آن سرد محصول آن : غله ، حبوبات ، سیب زمینی ، نگاهداری گاو وگوسفند بین اهالی معمول است مرکز آن مشهد اردهان بقعه شاه سلطانعلی درآن واقع است .

۲- دهستان پشت‌گدار - دارای ۸ قریه کوهستانی، هوای آن سرد ، محصول آن غله ، حبوبات . تربیت حیوانات اهلی وطیورخانگی معمول است . معدن سنگ مرمر وآثاری اذدوره جمشید دراین دهستان موجوداست .

۳- دهستان خلیجستان - درجنوب باختری قم ناحیه‌ایست کوهستانی وپرآب از ۷۹ قریه تشکیل شده که ۲۳ قریه آن کوهستانی است هوای آنسرد وبقیه معتدل است محصول آن غله ، حبوبات وچغندر ، ازآب قنات وچشمه استفاده مینمایند . بواسطه مراتع زیاد مسکن ابلات خلیج مییاشد ۹ دبستان و ۸ مکتب‌خانه دارد .

۴- دهستان فمرو - این دهستان ۲۳ قریه دارد که ۲ قریه آن کوهستانیست، هوای آن گرم محصول آن غلات ، حبوبات ، چغندر وپنبه است، نگاهداری دامهای اهلی معمول است ازآب رودخانه‌های قم وساوه وچشمه وقنات استفاده مینمایند ، ۴ مکتب‌خانه دارد .

۵- دهستان قنات - ۲۵ قریه دارد که همگی دزدشت واقمند ، هوای آن کمی گرم محصول آن غلات ، حبوبات ، پنبه ، خریزه وچغندر است ، ازآب رودخانه قم وقنات استفاده مینمایند ، ۴ مکتب‌خانه دارد ، نگاهداری دام نیزمعمول است .

۶- دهستان قهستان - این دهستان که تنها دهستان بخش کهک است ۲۱ قریه دارد که ۷ قریه آن درکوهستان وهوای آن سرد وهوای قراء چالکه معتدل است محصول آن : غلات ، حبوبات ، پنبه ، چغندر و تربیت دامهای اهلی معمول است ازآب قنات استفاده مینمایند ، بقاء متبرکه آن: مقبره شاه اسمعیل وشاهزاده نورعلی وقریب بیست مسجدکه تاریخ‌بنای بعضی ازآنها چهارصد سال پیش است .

۷- دهستان نیزار - دارای ۱۱ قریه است که همگی درکوهستان واقع ، هوای آن

ممتدل است ، محصول آن : غلات، حبوبات، پنبه و صیفی کاریست، از آب رودخانه و قنات استفاده مینمایند ، آثار تاریخی آن قلمه آقاخان محلاتیست يك دبستان و يك مكتبخانه دارد .
 میلاقات قم عبارتست از: وشنوه ۴۲ کیلومتری جنوب باختری ، دستجرد خلجستان ۶۰ کیلومتری جنوب قم و قهستان ۳۷ کیلومتری جنوب باختری .

شهرستان محلات

شهرستان محلات از شمال محدود است به قم و ادراك از خاور بکاشان از باختر بکمره از جنوب به گلپایگان و شامل سه بخش است :

- ۱ - حومه مرکزی شامل دهستانهای : (حومه - پشت گدار)
 - ۲ - خمین > > (رستاق، کله زن ، دالائی و غمرلو)
 - ۳ - دلپجان > > (حومه - نراق ، جاسب)
- از ۳۵ قریه تشکیل میشود مرکز آن شهرستان محلات و از تاریخ پنجم آذر ۱۳۲۵ شهرستان شناخته شد ، جمعیت شهر در حدود ۱۰ هزار نفر .
- در اطراف محلات چشمه های آب گرم معروفی است . در این شهر يك دبیرستان و ۳ دبستان دایر است . محصول آن : غلات، حبوبات ، صیفی کاری، پنبه و تریاک است که تریاک آن مرغوب میباشد ، اشجار میوه فراوان دارد ، تربیت دامهای اهلی و طیور خانگی معمول است .
 در دهات محلات ۶ دبستان دولتی و ۳ مكتبخانه دایر است .

اینک اسامی دهستانهای مهم

- ۱ - دهستانهای تابع دلپجان - از ۲۱ قریه کوهستانی تشکیل شده ، هوای آن معتدل . برای زراعت از آب رودخانه آتاریسا و قنات استفاده میشود . مرکز این بخش قصبه دلپجانست که سرداه تهران - اصفهان واقع شده و دارای ۴۸۲۴ نفر نفوس است در این قصبه يك مسجد از آثار کهن برجاست .
- ۲ - دهستان جاسب - در شمال خاوری محلات ، دارای ۷ قریه کوهستانی ، هوای آن سرد و برای زراعت از آب قنات استفاده میشود .
 از ابا بنیه قدیمه در این دهستان ۱۳ مسجد موجود است که تاریخ بنای آن ۲۰۰ تا ۴۰۰ سال پیش است .
- ۳ - دهستان نراق - دارای ۷ قریه است که همگی در جلگه واقع و هوای آن معتدل و برای زراعت از آب رودخانه قم و قنات استفاده مینمایند . محصول آن : غلات ، حبوبات ، پنبه ، چغندر و صیفی کاریست . مرکز دهستان قصبه نراق است که ۳۵۵۶ نفر جمعیت دارد . در این دهستان ۲ دبستان و ۲ مكتبخانه دارد .

قزوین

شهرستان قزوین از شمال به کیلان از خاور به تهران از جنوب به همدان و ساوه از باختر به زنجان محدود است . خاك قزوین را ۱۴ دهستان و ۸۳۳ قریه تشکیل میدهند . ارتفاع آن ۱۳۲۰ متر جمعیت آن در حدود ۶۵ هزار نفر .

آثار تاریخی آن : مسجد جامع ، مقبره شاهزاده حسین ، مقبره حمدالله مستوفی ، ساختمان عالی قابو ، عمارت چهل ستون ، مسجد حیدریه است .

دهستانهای قزوین

۱ - دهستان اقبال - سرراه قزوین - زنجان - ۲۷ قریه دارد که همگی در جلگه واقع شده‌اند، هوای آن معتدل - محصول عمده آن غلات، حبوبات از آب‌چشمه و قنات استفاده مینمایند.

۲ - دهستان الموت - ۶۲ قریه دارد که ۳۴ قریه آن در کوهستان و بقیه در جلگه و کنار رودخانه شاهرود واقع شده‌اند . هوای آن در قسمت کوهستانی سرد و بقیه معتدل میباشند برای زراعت از آب رودخانه و چشمه استفاده مینمایند، محصول عمده آن غلات ، حبوبات ، چغندر و برنج است ، آثار تاریخی آن : **قلعه نویدر** - قلعه آیلان - قلعه تاریخی شهرت الموت - این دهستان ۳ دبستان و ۶ مکتب‌خانه دارد .

۳ - دهستان افشاریه - دارای ۵۴ قریه است . ۲۰ قریه آن در کوهستان بقیه در جلگه واقع شده هوای آن معتدل مایل بسردی است . محصول عمده آن غلات، حبوبات ، پنبه و چغندر است . از آب رودخانه خررود و قنات و چشمه استفاده مینمایند اماکن متبرکه آن امامزاده ابراهیم در **طرزک** امامزاده پیغمبر درشن‌ق علیا ، امامزاده علی اکبر و حلیمه خاتون در جعفرآباد .

۴ - دهستان بشاریات - از ۵۴ قریه تشکیل شده که ۴۳ آبادی در جلگه بقیه در کوهستان واقع شده ، محصول آن حبوبات ، غله، کرچک و انواع میوه است ، از آب رودخانه و قنات استفاده مینمایند ۴ دبستان و ۶ مکتب‌خانه دارد . دو امامزاده در قریه قباد و قریه قشلاق و یک کاروانسرای شاه عباسی در ده محمدآباد خره است .

۵ - دهستان خرقان - از ۱۳۱ قریه کوهستانی تشکیل شده هوای آن سرد محصول عمده آن غلات ، حبوبات، چغندر . از آب رودخانه و قنات و چشمه استفاده مینمایند - در عباس‌آباد غار عجیب و غریبی میباشد ۴ دبستان ۱۲ مکتب‌خانه دارد .

۶ - دهستان دودانگه - ۳۳ قریه است که ۲۹ قریه آن کوهستانیست، آب و هوای آن سرد است محصولات عمده آن غلات، حبوبات، پنبه، چغندر، کرچک و انگوداست ۳ دبستان و ۱۸ مکتب‌خانه دارد .

۷ - دهستان دشت آبی - در جنوب قزوین و ۶۱ قریه دارد که در لنگه واقعند. محصول عمده آن : غلات، حبوبات، پنبه و انگور، از آب خررود و قنات استفاده مینمایند ۳۲ مکتب‌خانه دارد.

۸ - دهستان رامند - ۱۲ قریه دارد که در جلگه واقعند، آب و هوای آن معتدل ، محصول عمده آن : غلات ، حبوبات ، پنبه و کرچک است ، از آب خررود و قنات مشروب میشود ۱۸ مکتب‌خانه و ۲ دبستان دارد .

۹ - دهستان رودبار - ۱۰۹ قریه دارد که بیشتر آن در کوهستانست ، هوای آن معتدل ، محصول عمده آن غلات، حبوبات ، پنبه ، برنج و میوه‌های سردرختی، یک معدن زغال‌سنگ ۳ دبستان و ۷ مکتب‌خانه دارد .

۱۰ - دهستان زهرا - ۲۸ قریه دارد که در جلگه واقعند، هوای آن معتدل، از قنات مشروب میشوند محصول عمده آن : غلات، حبوبات، پنبه، چغندر ۲ کاروانسرای شاه عباسی ۲ دبستان ۸ مکتب‌خانه دارد .

۱۱ - دهستان طارم سفلی - ۴۷ قریه دارد که بیشتر آنها در کوهستانند آب‌های آن سرد و معتدل محصول عمده آن غلات ، حبوبات، پنبه و برنج است، از آب سفیدرود استفاده میکنند يك معدن زاج سفید دارد .

۱۲ - دهستان فشکل دره - ۱۲ قریه کوهستانی دارد، هوای آن سرد، از آب قنات استفاده میکنند محصول آن : غلات، حبوبات و انگور، گله‌داری معمول و ۷ مکتب‌خانه دارد .

۱۳ - دهستان قاقزان - دارای ۱۴۸ قریه است که ۱۰۸ قریه آن در کوهستان است ، هوای آن سرد و معتدل است . محصول عمده آن غلات ، حبوبات ، صیفی‌کاری ، سردرختی - چشمه آب گرم آن معروفست .

۱۴ - دهستان کوهپایه - ۴۶ قریه است که ۳۲ ده آن در کوهستان ، هوای آن سرد و معتدل است محصول آن : غلات، حبوبات ، پنبه، چغندر، تربیت اغنام و احشام معمول است بقاع متبرکه آن شاه سبزویش ، امامزاده علی ، امامزاده سالار ۱۶ مکتب‌خانه دارد ، از آب رودخانه و قنات استفاده مینمایند .

تعداد خانوار و جمعیت سرشماری شمال شهر تهران

در شهریور ۱۳۲۹

جمعیت		عده خانوار	
جمع	مرد	زن	مرد
۹۸۹۸۸۷۱	۴۷۰۲۴۰	۵۱۹۶۳۱	۲۲۴۹۶۵

((آمار با سواد و بیسواد شهر تهران در اسفند ۱۳۱۸))

جمع کل	بی سواد			با سواد		
	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع
۵۴۰۰۸۷	۲۲۸۰۴۹	۳۱۲۰۳۸	۳۳۴۵۰۱	۱۵۹۸۹۳	۱۷۴۶۰۸	۲۰۵۵۸۶
جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع
۵۴۰۰۸۷	۲۲۸۰۴۹	۳۱۲۰۳۸	۳۳۴۵۰۱	۱۵۹۸۹۳	۱۷۴۶۰۸	۲۰۵۵۸۶

((آمار تجرد ، تأهل اهالی تهران در اسفند ۱۳۱۸))

جمع کل	زن دار و شوهر دار			زن دار و فوت			مجرد در اثر طلاق و فوت			زن و مرد هاییکه حق ازدواج دارند		
	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع
۵۴۰۰۸۷	۲۲۸۰۴۹	۳۱۲۰۳۸	۲۱۸۵۷۱	۹۷۶۶۰	۱۲۰۹۱۱	۴۸۲۷۵	۳۶۷۷۸	۱۱۴۹۷	۲۷۳۲۴۱	۹۳۶۱۱	۱۷۰۳۰	
جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	
۵۴۰۰۸۷	۲۲۸۰۴۹	۳۱۲۰۳۸	۲۱۸۵۷۱	۹۷۶۶۰	۱۲۰۹۱۱	۴۸۲۷۵	۳۶۷۷۸	۱۱۴۹۷	۲۷۳۲۴۱	۹۳۶۱۱	۱۷۰۳۰	

((آمار مذاهب مختلفه در تهران در اسفند ۱۳۱۸))

جمع کل	مذاهب		سایر مذاهب		ارمنی		کیمی		زردشتی		مسلمان						
	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع					
۵۴۰۰۸۷	۲۲۸۰۴۹	۳۱۲۰۳۸	۸۱۷۶	۳۶۶۱۱	۴۵۱۵	۲۵۸۷۷	۱۱۶۶۹	۱۴۲۰۸	۱۴۴۵۳	۶۷۷۷	۷۶۷۶	۱۵۰۸	۶۰۱	۹۰۷	۴۹۰۰۷۳	۲۰۵۳۴۱	۲۸۴۷۳۲

((جدول آمار دسته و ران شهر تهران در اسفند ۱۳۱۸))

جمع	زن	مرد	نوع حرفه
۳۱۸۰۱	۷۷	۳۱۷۲۴	کتابروزی ، درخت کاری
۶۵۳۳۶	۵۲۶۷	۶۰۰۶۹	صنعتگر
۱۹۱۱۱	۴۰	۱۹۰۷۱	باربری بیک نامه و مضاربات
۴۱۹۰۶	۹۳۳	۴۰۹۷۳	داد و ستد بازرگانی
۷۲۰۳	۱۸۸۲	۵۳۲۱	کارهای آزاد
۲۸۷۸۶	۷۹۴	۲۶۹۹۲	کارمندان دولت و بنکامها
۲۸۹۰۶	۱۲۷۳۳	۱۶۱۷۳	کارهای خصوصی
۱۳۶۹۵	۲۴۵	۱۳۴۵۰	کارهای غیرمعلوم
۳۰۴۳۸۱	۲۰۶۱۱۴	۹۸۲۶۷	دانش آموز ، خانه دار ، بیکار ، اطفال
۵۴۱۱۲۵	۲۲۸۰۸۵	۳۱۲۰۴۰	جمع کل

و منبع امروز احتیاج به آمار دارد تا تعداد بیکاران و کارمندان دولت معلوم شود چند برابر ۱۵ سال پیش شده است ،

خوانندگان عزیز در دستور این کتاب باوضاع تهران گذشته و ری آشنا شدند آنچه در نگارنده بیشتر اثر کرد فصل حوادث بود گرچه برای آنکه خوانندگان عزیز متأثر نشوند ما سرونه مطلب را بهم دوخته و آنچه واقع شده بود و از آن خونهای باک و مطهری ریخته شده بود و ازناله‌های جانسوز مادرهای پسرمرده، و بچه‌های پدرمرده و حجله‌های سیاهپوش نوعر و سنان چیزی نگفتم. اگر ناصرالدینشاه میرزا تقی‌خان امیر کبیر را نمیکشت قطعاً با این دوران طولانی پنجاه ساله سلطنت نه تنها ایران افغانستان و ترکستان را ازدست میداد بلکه محرومیت‌ها و شکست‌های گذشته را جبران مینمود. در دوره سلطنت مظفرالدین شاه سلطان علیل با آن دربار ننگین بحران و فروریختگی اوضاع بشدت رسید و محمدعلیشاه که خود ننگ سلاطین ایران بود با کیم شاپشال SHAPSHAL و لیاخوف LYAKHOFF روسی باملت خود جنگید و ننگ و رسوائی بار آورد. در دوران احمدشاه که پس از یک سلسله انقلابات در طفولیت بسلطنت رسیده و وارث اوضاع آشفته‌ای بود چه میتوانست بکند جز آنکه اوضاع درهم ریخته کشور هر چند یکمرتبه او را بفرنگستان فراری میداد در این هنگام وضع آشفته کشور از نظر داخلی و خارجی بمنتهای خرابی و بیچارگی رسیده و هیچکس امیدى ب بهبود اوضاع نداشت، خزانه‌تهی بجای حقوق آجر و کاه بمتخدمین میدادند - رشته انتظامات طوری از هم گسسته بود که برای سرکوبی رضا جوزانی چندماه وقت دولت صرف تجهیز صد سواربختیاری شد، کیلان و مازندران در آتش انقلاب میسوخت، آذربایجان و کردستان لگدکوب سواران وحشی سمیتقو، خاور ایران مورد تاخت و تاز بیرحمانه ترا که، صفحات جنوب تیول قشقائی، بختیاری، بهارلو و عرب بویراحمدی بلوچستان و خوزستان که حالشان معلوم بود. بایتخت هم صحنه بازیگری جمعی ولگرد و ورشکستان بازاری و بیگانه پرستان که ناله وطنخواهان را در سینه خفه مینمودند شده بود. ارتش ایران را دسته‌هایی بنام قزاق که خود را تابع دربار تزارها میدانستند و پلیس جنوب S. P. R. که مطیع لندن بودند، ژاندارمری برهبری سوتدیها، سربازو غیره که نه تنها هیچیک از هم تبعیت نمیکردند بلکه روزی نبود که سربل امیربهادر یا درکوچه قاچار و جاهای دیگر زدو خورد ژاندارم و قزاق یا سرباز و پلیس را نشنوند چنان مارا بجان یکدیگر انداخته بودند که تاریخ نظیر آنرا در هیچ کجای دنیا نشان نمیدهد. دوران بیستساله پهلوی کبیر بر حسب ظاهر هم شده سر و صورتی باوضاع داد، کشور دارای بودجه مرتبی شد، ارتش یکی شد، فن معماری و علاقه بساختمان در ایران رواج گرفت خلاصه خیلی کارها شد که هیچکس پیش‌بینی آنرا نمینمود ولی همینکه این مرد را از این کشور بردند اوضاع طوری بهم ریخت که صدرحمت بدوران پیش از کودتا. کشور مارا مردم بیرنگاه سقوط میبردند ولی نگاهدارنده توانا او را حفظ مینمود و ایران کهن مانند کوهی برپای ایستاده امیداست تحت رهبری شاهنشاه جوانبخت و فداکاری رجال پاکدامن خرابیها و ویرانیهای اینمدت نیز اصلاح و آب رفته بجوی آید.